

ایمان

تذکرات معظّم له به مسئولین:

- بیکاری عامل بسیاری از بدبختی‌ها است / خطر فضاهاى مجازى را جدی بگیرید
- مقاله: مساله عطش در كربلا
- معرفی کتاب عاشورا: ریشه‌ها، انگیزه‌ها، رویدادها، پیامدها
- آشنایی با مدرسه علمیه امام کاظم علیه السلام
- انتشار نرم افزار دروس خارج فقه معظم له (بیع و حج) در makarem.ir

پرونده ویژه: ضرورت تقویت بنیه دفاعی

پرونده ویژه: بازخوانی مسئولیت‌های دولت اسلامی

پرونده ویژه: بازخوانی فاجعه منا و تبیین مدیریت آینده حج



پروردگارا! من راضی به رضای تو هستم و بر قضا و قدر تو شکیبایی می‌ورزم، ای خدای کسی که جز تو و معبودی نیست!



صاحب امتیاز: پایگاه اطلاع رسانی دفتر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی، نشانی: قم، خیابان شهداء، کوی ممتاز کوچه شماره ۷، پلاک ۳۶ وبگاه: makarem.ir پست الکترونیک: info@makarem.ir تلفن: ۰۲۵۲۷۷۴۲۳۳۱-۳۷۷۴۲۸۱۹ هتلس: ۰۲۵۲۷۸۳۹۹۳۴



ماهنامه الکترونیکی خیری-تحلیلی-بلیغ سال دوم | شماره نهم | مهرماه ۱۳۹۵

- ۲ فهرست
- ۳ طلایعه سخن
- ۴ پیام ها و بیانات
- ۵ دیدارها
- ۶ درس خارج فقه
- ۸ فن آوری اطلاعات
- ۱۰ یادداشت
- ۱۸ پرونده ویژه
- ۲۸ مقاله
- ۲۸ معرفی کتاب
- ۲۹ موسسات وابسته
- ۴۰ معارف اسلامی
- ۴۳ سؤالات شرعی
- ۴۴ سروده آیت الله العظمی مکارم شیرازی دام ظلّه

MAKAREM.IR

طلایعه سخن

در آستانه آغاز ماه محرم و شهادت حضرت سیدالشهدا(علیه السلام) باید گفت حماسه عاشورادر طول تاریخ بشریت، به علت برخورداری از ماهیت ظلم ستیزانه از اهمیت فوق العاده ای برخوردار می باشد، زیرا تأثیر این واقعه بر افکار وجدان بیدار هر انسان آزاده، غیر قابل انکار است.

نفوذ آموزه های کربلا و قیام امام حسین(علیه السلام) در جنبش های مختلف آزادی خواه و ضد استکباری را می توان در افکار و اندیشه های بسیاری از جنبش های اسلامی و حتی غیر اسلامی مشاهده نمود. از قیام ماهاتما گاندی در هند بر ضد استعمار انگلیس تا مبارزات چه گوارا، می توان نقش بی بدیل آموزه های عاشورا را در ستیز با استکبار مشاهده نمود، که برآیند مهم و جامع آموزه های قیام امام حسین(علیه السلام) را می توان در وقوع انقلاب اسلامی ایران مشاهده نمود به نحوی که ملت شریف ایران با الگو گیری از حماسه عاشورا، انقلاب اسلامی را به رهبری امام خمینی (ره) رقم زدند که این پیروزی بیانگر ظرفیت عظیم واقعه کربلا و قیام سیدالشهدا (علیه السلام) بر علیه ظلم، برای ملت شریف ایران و دیگر انقلاب های ضد استکباری می باشد.

لذا پیام کربلا، پیام استکبار ستیزی و ضدیت با آمریکا و اسرائیل و متحدانش شیطان بزرگ است و هر کشور و دولت اسلامی و دیگر جوامع آزادی خواه باید در وهله نخست ستیز و نبرد خود را با شیطان بزرگ برای همگان اثبات سازند. در مرحله بعد برائت خود را از متحدان آمریکا در منطقه به ویژه رژیم منحوس سعودی به عنوان یکی از متحدان شیطان بزرگ اعلام نماید.

گفتنی است آموزه کربلا آزمون کامل بصیرت است، بصیرتی که قرآن کریم به یاران پیامبر (صلی الله علیه و آله) توصیه می کند که در صحنه ی جنگ بیش از «نعاس» به اندازه یک چرت زدن استراحت نکنید، و امیرالمومنین

علی(علیه السلام) در نهج البلاغه به یارانش فرمود: بیش از قورت دادن آب دهانتان حق خوابیدن ندارید، یعنی باید مراقب بود.

لذا ماه محرم باید به عنوان نماد بصیرت، آزادگی و استکبار ستیزی مطرح گردد به نحوی که بررسی قیام امام حسین (علیه السلام) بر علیه حکومت طاغوتی و سراسر ظلم و جنایت یزید لعنت الله علیه ، الگوی کامل و جامع برای امت اسلامی در بصیرت افزایی و استکبار ستیزی را به منصفه ظهور خواهد رساند.

حال با این تفاسیر می توان به حلقه مفقوده چالش ها و بحران های منطقه ای واقف گردید، که منبعث از گفتمان تفرقه گرایان و سازشکاران با آمریکا است ، زیرا مقوله ای به نام استکبار و مقابله با ابرقدرت های جهان خوار در گفتمان شیعه انگلیسی و اهل سنت آمریکایی موضوعیت ندارد، بلکه دغدغه تفرقه اندازان در طرح مباحث فرعی و انحرافی ، از قبیل ترویج افراط گرایی و خشونت و برگزاری برخی بدعت ها منحصر شده است.

شکی نیست که استکبار از بی اعتنائی برخی دولت های به ظاهر اسلامی به وحدت امت اسلامی و مشغول شدن به برخی اختلافات جزئی در جهان اسلام استقبال نموده و فضا را برای ایجاد دفاتر مختلف برخی گروه های شیعی و اهل سنت خاص در انگلیس و آمریکا مهیا نموده است، زیرا در قاموس این گروه های اختلاف افکن نه تنها ضدیت با استکبار وجود ندارد بلکه برخی از این مزدوران با به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی نیز مشکلی ندارند. که دیپلماسی ننگین رژیم سعودی با رژیم صهیونیستی در چند ماه اخیر موید این ادعاست.

بنابراین وضعیت کنونی و سرسپردگی برخی کشورهای عربی به آمریکا برآیند سکولاریسم پنهانی است که متأسفانه در لسان تفرقه گرایان شیعه انگلیسی و اهل سنت آمریکایی و در سایه غفلت از آموزه های ناب عاشورایی رقم خورده است.

به عنوان نمونه در جوامع شیعی برخی از علمای اسلامی در مناسبت های مختلف

دینی به ویژه در ایام محرم در پی القاء اجتناب و کناره گیری مبلغین و عزاداران از مباحث مهم سیاسی و وقایع حیاتی جوامع اسلامی برآمدند که این امر قطعاً به شکل گیری سکولاریسم پنهان در بطن جوامع اسلامی منجر خواهد گردید، لذا شالوده محرم امریکائی در بطن خود ترویج سکولاریسم را جای داده است و از سوی این فرقه گرایان، ورود برخی عزاداران حسینی به مسائل مهم سیاسی امت اسلامی به عنوان تهدید بالقوه برای آینده جهان اسلام ارزیابی می گردد، که این نوع اسلام سکولاریستی و به بیان امام راحل(قدس سره) اسلام آمریکائی تنها منجر به سوء استفاده آمریکا و اسرائیل خواهد گردید، لذا محرم انحرافی در ذات خود تنها منحصر در دشمنی با یزید و شمر و ابن زیاد سال ۶۱ هجری قمری گردیده است و دیگر دشمنان اسلام در عصر حاضر به عنوان دشمن و یزید زمان تلقی نمی شوند.

حال آنکه حماسه عاشورا ضرورت دشمن شناسی واقعی را به همگان نشان می دهد، یعنی همان آسیب مهمی که در برخی رژیم های ارتجاعی عرب به آن دچار شدند که همزمان با نادیده گرفتن توطئه های دشمنان اسلام ، آتش تفرقه و اختلاف را در دامان کشورهای اسلامی گسترش دادند.

در خاتمه از مبلغین محترم دینی و نخبگان نظام اسلامی انتظار می رود با برجسته سازی بسیاری از وقایع مهم و مرتبط با جهان اسلام به ویژه مقوله استکبار ستیزی و ضرورت مقابله با آمریکا در راستای اهداف واقعی امام حسین(علیه السلام) مبنی بر مقابله با استکبار و لزوم تقابل با دشمنان اسلام گام بردارند که تحقق این مهم ، حلقه اتصال اسلام اصیل و مدینه فاضله پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) و حیات مجدد دین اسلام به شمار می آید و از سوی دیگر بسیاری از مشکلات و بحران های اخیر در کشورهای اسلامی مرتفع خواهد شد و سیطره استکبار بر امت اسلامی به ویژه در بحران سوریه، عراق، یمن و بحرین.. ناکام خواهد ماند.

پیام‌ها و بیانات

بقای انقلاب در گرو خدمات حوزه علمیه است / شبکه ملی اطلاعات هر چه سریع‌تر ساماندهی شود

مسئولان دولت‌ها باید به حوزه‌ها توجه ویژه کنند؛ خاستگاه و حافظ انقلاب حوزه علمیه است؛ اهمیت حوزه نباید بر کسی پوشیده باشد؛ امام و رهبر معظم انقلاب فرزند حوزه علمیه هستند

۱۳۹۵/۰۶/۱۳

تخصصی شدن علوم در حوزه؛ ضرورتی غیرقابل انکار / وهابیت را در جهان رسوا می‌کنیم

ما در حوزه علمیه استعداد های خوبی برای اجتهاد داریم که باید کشف شده و تحت آموزش خاص قرار بگیرد و سریع و کامل برنامه‌ها را بیماید/ منابع وهابیت اعم از کتاب‌ها، فتاوا و نشریات را جمع آوری کرده ایم و می‌خواهیم آن را در اختیار دنیا قرار دهیم و اعلام کنیم وهابیت بویی از اسلام نبرده است

۱۳۹۵/۰۶/۱۵

سعودی‌ها با مقدسات اسلامی بازی سیاسی می‌کنند / عربستان لیاقت مدیریت حج و حرمین شریفین را ندارد

از نظر منطق قرآن مدیریت حج باید به همه تعلق داشته باشد چه آنهایی که ساکن هستند و چه آنهایی که از دیگر نقاط و سایر کشورها اعزام می‌شوند

۱۳۹۵/۰۶/۱۷

وهابیت آیین ساختگی و بدون ارتباط با اسلام است / مقدمات تزلزل وهابیت به زودی فراهم می‌شود

علمای اهل سنت خوشبختانه با صراحت در چن اعلام کردند که وهابیت جزء

مذاهب اهل سنت نیست و ما نیز می‌گوییم جزء مذهب ما هم نیست، مقدمات تزلزل آنها نیز بحمدالله در حال فراهم شدن است و دنیا در حال بیدار شدن هستند که وهابیه چه موجودات خطرناکی هستند

۱۳۹۵/۰۶/۲۵

هر کجا قتل و ویرانی هست پای عربستان و وهابیت در میان است / آمریکا به جای مبارزه با داعش ارتش سوریه را هدف قرار می‌دهد

عربستان سعودی خبیث درآمدهای نفتی را در جهت تخریب بلاد اسلامی بکار می‌گیرد، اگر اینها در جهت عمران بکار گرفته شود چه اتفاقی می‌افتد؟

۱۳۹۵/۰۶/۳۱

پیام حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (دامت برکاته) به مناسبت سالگرد فاجعه منا

به یقین این حادثه شوم لکه ننگی بود که بر دامن آل سعود که خود را مسئول حفظ جان حجاج می‌دانند، نشست که با هیچ آبی پاک نمی‌شود

۱۳۹۵/۰۶/۲۰

پیام معظم له به همایش جریان‌های تکفیری؛ علل گرایش و راه‌کارهای مقابله

تشکیل این همایش پرشکوه را در این منطقه با حضور علمای شیعه و اهل سنت و مسئولین به همه شما عزیزان تبریک عرض می‌کنم و یقین داشسته باشد که شرکت در این برنامه و هرگونه فعالیتی در آن جزء ذخایر یوم المعاد شما ان شاءالله خواهد بود.

۱۳۹۵/۰۶/۲۵

دیدارها

دیدار با وزیر ارتباطات: خطر فضاهای مجازی را جدی بگیرید / بیکاری عامل بسیاری از بدبختی‌ها است / قوای سه گانه جلوی قاچاق را بگیرند

یک گروه زبده مجهز درباره آسیب شناسی شبکه‌های اجتماعی باید تعیین شود، بسیاری از مردم ۵ تا ۹ ساعت با شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی سروکار دارند / آیا قوای سه گانه نمی‌توانند جلوی قاچاق را بگیرند، چه قدرتی است که مقابل قوای سه گانه وجود دارد که قوا می‌گویند قاچاق نباشند اما آن‌ها می‌گویند باشد؟

۱۳۹۵/۰۶/۰۲

دیدار با دکتر نهباندیان: برای سه معضل حوزه اقتصاد چاره جویی شود

سه معضل قاچاق، سود بانکی و پرداخت یارانه‌ها آسیب‌های جدی برای اقتصاد کشور هستند که اگر این سه مشکل حل شود، قطعا اقتصاد وضعیت بهتری خواهد داشت

۱۳۹۵/۰۶/۰۶

دیدار با وزیر صنعت: رییس جمهور محترم از انتقادات ناراحت نشود / برای حل مشکلات کشور تلاش بیشتر شود

تا مسائل فرهنگی حل نشود امور اقتصادی نیز به درستی پیش نمی‌رود؛ ولی باید نقطه‌های قوت بیان شود و فقط روی مسائل منفی زوم نکنیم

۱۳۹۵/۰۶/۰۷



وزیر صنعت، معدن و تجارت



وزیر ارتباطات و فن آوری اطلاعات



رئیس سازمان صدا و سیما



اعضای شورای عالی حوزه‌های علمیه



سردار سید یحیی رحیم صفوی



افتتاحیه مراکز و مدارس تحت اشراف معظم له



هیئت رئیسه مجمع عمومی جامعه مدرسین



خانواده‌های شهدای فاجعه منا

دروس خارج فقه

احکام شرکت - جلسه اول

موضوع: مقدمه ی بحث شرکت
امروز را با حدیثی از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شروع می کنیم که می فرماید: **عَالِمٌ يَنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ** - یعنی عالمی که از علم او استفاده کنند از هزار عابد برتر است.

۹۵/۰۶/۱۴

احکام شرکت - جلسه دوم

موضوع: تعریف و متعلق شرکت در جلسه ی قبل گفتیم که مسأله ی شرکت از مهمترین مسائل عصر ماست. حتی می توان گفت که اقتصاد دنیا بر محور شرکت ها دور می زند. در عصر ما انواع شرکت هایی تأسیس شده است که سابقاً وجود نداشته است. علاوه بر این، شرکت آثاری دارد که کارهای فردی واجد آنها نیست. شرکت اعتماد بیشتری برای مردم ایجاد می کند زیرا اگر طرف قرارداد شرکت باشد بیشتر مورد اعتماد است تا موردی که طرف آن شخص باشد. همچنین کارهای بزرگ اقتصادی به ثروت های مهمی احتیاج دارد و ثروت های فردی وافی به انجام آن نیست. بر این اساس تعاونی ها که نوعی شرکت است تأسیس شده است. همچنین است در مورد بورس و یا معاملات بانکی که بر اساس شرکت ها منعقد می شود.

۹۵/۰۶/۱۵

احکام شرکت - جلسه سوم

موضوع: اسباب شرکت گفتیم که امام قدس سره در مقدمه مباحث شرکت به سه نکته اشاره می کند که عبارتند از: تعریف شرکت، متعلق شرکت و اسباب آن. در مورد تعریف شرکت نکته ای باقی مانده است و آن عبارت است از اشاره به تعاریف عامه در مورد شرکت. تعاریف آنها هرچند با هم اختلاف ظاهری دارد ولی تعاریف آنها با ما قریب الافق می باشد.

۹۵/۰۶/۱۶

احکام شرکت - جلسه چهارم

موضوع: بحث اخلاقی: پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در روایتی که به

یک معنا حدیث قدسی است و به یک معنا حدیث نبوی می فرماید: **أَتَانِي جَبْرِيْلُ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ عَشْرٌ مَا شِئْتَ فَإِنَّكَ مَيِّتٌ وَأَحَبُّ مَا شِئْتَ فَإِنَّكَ مَفَارِقُهُ وَأَعْمَلُ مَا شِئْتَ فَإِنَّكَ مَجْزِيٌّ بِهِ. وَاعْلَمْ أَنَّ شَرَفَ الْمُؤْمِنِ قِيَامُهُ بِاللَّيْلِ وَعِزَّهُ اسْتِغْنَاؤُهُ عَنِ النَّاسِ. جَبْرِيْلُ نَزَدَ رَسُولَ خُدا صلی الله علیه و آله و سلم آمد و چهار توصیه به حضرت کرد.**

۹۵/۰۶/۱۷

احکام شرکت - جلسه پنجم

موضوع: اسباب شرکت بحث در اسباب شرکت است و امام قدس سره در مقدمه به پنج سبب اشاره می کند که به سبب پنجم رسیده ایم. امام قدس سره در عبارتی که کمی مبهم است می فرماید: و لها سبب آخر، و هو تشريك أحدهما الآخر في ماله، و يسمي بالتشريك و هو غير الشركه العقديّة بوجه.

۹۵/۰۶/۲۰

احکام شرکت - جلسه ششم

موضوع: کلامی به مناسبت روز عرفه: روز عرفه از یک نظر یکی از اعیاد مهم اسلامی است و بعضی از بزرگان نوشته اند که از اعیاد مهم اسلامی محسوب می شود و روز دعا و روز فضیلت است. روز عرفه از یک نظر مصادف با شهادت حضرت مسلم بن عقیل است بنا بر این این روز هم جای تبریک دارد و هم جای تسلیت. از روایات استفاده می شود که شاید هیچ روزی در سال به اندازه ی این روز برای دعا اهمیت نداشته باشد. مناسب است امروز برای دیگران دعا کنیم که این خود موجب می شود که دعای انسان در حق خودش نیز مستجاب شود.

۹۵/۰۶/۲۱

احکام شرکت - جلسه هفتم

موضوع: تشریک بحث در اسباب شرکت است به پنجمین عامل رسیده ایم که تشریک نام دارد. در تعریف تشریک گفتیم که کسی به دیگری می گوید که جنسی را خریده است و یا می خواهد بخرد و او مقداری از مبلغ آن را پردازد و به همان نسبت در آن شریک شود. در اینجا در چند مقام قرار بود بحث کنیم. مقام اول مشروعیت تشریک است که آن را بحث کردیم.

۹۵/۰۶/۲۲

احکام شرکت - جلسه هشتم

موضوع: بحث اخلاقی: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در حدیثی می فرماید: **أَتَحِبُّ أَنْ يَلِينُ قَلْبُكَ وَ تَدْرِكَ حَاجَتُكَ؟** ارحم الیتیم و امسح رأسه و أطعمه من طعامك یلن قلبك و تدرک حاجتك.

۹۵/۰۶/۲۴

احکام شرکت - جلسه نهم

موضوع: امتزاج در شرکت بحث در مسأله ی امتزاج در شرکت است و گفتیم که چهارمین عامل شرکت مزج و اختلاط است. مزج معمولاً در مایعات و اختلاط در غیر آن به کار برده می شود هرچند این دو لفظ تأثیری در بحث ما نداد.

۹۵/۰۶/۲۷

احکام شرکت - جلسه دهم

موضوع: شرکت با امتزاج و بیان احکامی از شرکت حاصل بحث این بود که مطابق آنچه امام قدس سره ترسیم کرده است امتزاج شش صورت دارد که یک صورت مسلماً موجب شرکت واقعی می شود و چند صورت آن موجب شرکت ظاهری می شود و بعضی از آن صور قطعاً موجب شرکت نمی شود.

۹۵/۰۶/۲۸

احکام شرکت - جلسه یازدهم

موضوع: کلامی به مناسبت عید سعید غدیر: مجلسی که در آن ذکر فضائل امیر مؤمنان علی علیه السلام شود مجلس عبادت محسوب می شود. خداوند در سوره ی بینه می فرماید: **إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ** کسانی که ایمان آورده عمل صالح دارند آنها بهترین مخلوقات عالمند.

۹۵/۰۶/۲۹

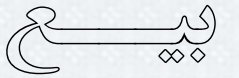
احکام شرکت - جلسه دوازدهم

موضوع: بحث اخلاقی: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در حدیث پربراری می فرماید: **أَرْبَعٌ لَا يَدْخُلُ بَيْتًا وَاحِدَةً مِنْهَا إِلَّا خَرِبَ وَ لَمْ يَعْمَرْ بِالْبُرْكَهَةِ: الْخِيَانَةُ وَ السَّرْقَةُ وَ شَرْبُ الْخَمْرِ وَ الزَّنا.** چهار چیز است که حتی اگر یکی از آنها وارد خانه شود موجب ویرانی خانه می شود و عمران و آبادی و برکت در آن خانه وارد نخواهد شد. این چهار چیز عبارتند از خیانت، دزدی، شرب خمر و زنا.

۹۵/۰۶/۳۱



نرم افزار دروس خارج فقه معظم له (بیع و حج) تولید بخش فرهنگی دفتر دسترس عموم قرار گرفت

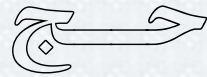


نرم افزار درس خارج فقه بیع شامل سلسله دروس خارج معظم له طی سالهای ۱۳۶۵ الی ۱۳۶۸ است که به تبیین انوار الفقهیه - کتاب بیع پرداخته اند. در این نرم افزار متن کتاب انوار الفقهیه - کتاب بیع و صوت درس به تفکیک تاریخ و موضوع ارائه شده است و دارای امکاناتی است که به صورت تصویری در ادامه شرح خواهد شد.

راهنما و امکانات نرم افزار:

- ۱- به منظور دسترسی به متن و صوت درس بر روی عبارت بیع کلیک نمایید.
- ۲- به منظور دسترسی به درس می توانید از درختواره سمت راست استفاده کنید. این فهرست به صورت درخت باز شونده در اختیار کاربران قرار داده شده است.
- ۳- متن کتاب با توجه به اینکه با فرمت PDF ارائه شده است دارای امکانات زیر است:

- ۱- جستجو در متن کتاب
- ۲- چاپ متن کتاب
- ۳- تنظیم بزرگنمایی متن کتاب
- ۴- دسترسی به فهرست کتاب
- ۵- نمایش صفحات کتاب
- ۶- مخفی کردن ابزارهای کتاب خوان
- ۷- استفاده از ابزار کتابخوان
- ۸- انتخاب قسمت از متن برای رونوشت
- ۴- پخش صوت درس و عملگرهای کنترل پخش صوت



این نرم افزار در دو شماره، شامل صوت و متن پیاده سازی شده دروس خارج فقه - حج حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی مدظله العالی است که به همت مرکز فرهنگی دفتر معظم له، به منظور استفاده طلاب و علاقه مندان معارف حقه اهل بیت علیهم السلام تولید شده است. مجموعه اول شامل دروس معظم له طی سالهای ۱۳۸۵ الی ۱۳۹۰ است.

در متن پیاده سازی شده دروس عناوین موضوعات، آیات، احادیث و توضیحات

متن به رنگ های متفاوت نمایش داده شده است. برای یادداشت برداری و یا اخذ رونوشت از متن درس می توانید پس از انتخاب متن با دابل کلیک ماوس بر روی صفحه و انتخاب بازه مورد نظر از کلیک راست ماوس و یا کلید ترکیبی Ctrl+C استفاده نمایید. مجموعه دوم شامل دروس معظم له طی سالهای ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۳ می باشد. نمایش مجموعه دوم به صورت تمام صفحه است. و برای دسترسی به درس مد نظر می توانید از درختواره سمت چپ که به تفکیک تاریخ ارائه شده است استفاده

نمایید.

به منظور بزرگنمایی متن برای سهولت مطالعه می توانید با نگه داشتن Ctrl و فشردن همزمان + برای بزرگنمایی و یا - برای کوچک نمایی استفاده کنید. همچنین می توانید از دکمه اسکرول ماوس نیز برای این منظور بهره برداری نمایید.

ابزارهای کنترل و پخش صورت نیز برای سهولت استفاده از صوت دروس ارائه شده است

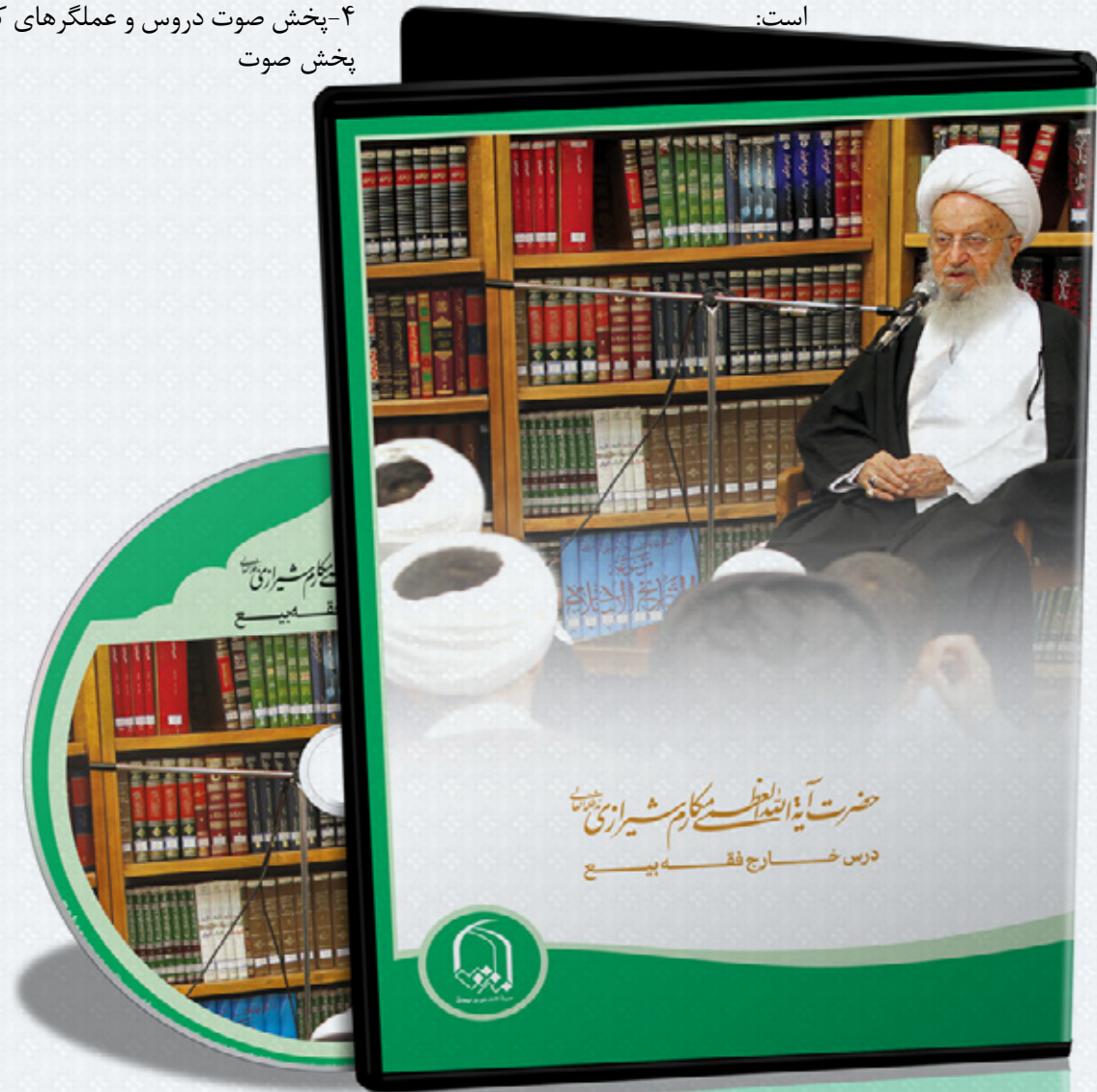
جهت دانلود نرم افزار به

makarem.ir

مراجعه نمایید.

هرگونه انتقاد یا پیشنهاد را از طریق بخش تماس با ما، یا از طریق رایانامه it@makarem.ir

با ما در میان بگذارید.



تأملی در گزاره های معرفتی دعای عرفه از منظر معظم له

روز نهم ذی الحجه روز عرفه است که روزی بسیار بافضیلت است و حاجیان آن روز را در صحرای عرفات به یاد خدا هستند، نهم ذی الحجه روز پر مشغله حجاج و مملو از ذکر خداست. آن روز که حجاج در صحرای عرفات حال عجیبی دارند، مخصوصاً آن هنگام که دعای عالیة المضامین عرفه قرائت می شود. دعایی که بدون شک از والاترین دعاهاست. در آن صحرا و آن ساعات، به اهل معرفت شور و حالی می دهد که قابل توصیف نیست، شور و حالی که در غیر آن مکان حاصل نمی شود. زیرا در معنی واژه عرف آمده است که بوی خوش را گویند و از این رو عرفات را به این نام می خوانند که به دلیل دعاهاى زیادى است که در آن مکان مقدس صورت می گیرد لذا بوی خوشی از نظر معنوی دارد، ضمن این که گروهی بر این عقیده هستند که مردم در هنگام دعا به گناهان خود اعتراف می کنند و طلب آمرزش دارند به همین دلیل آنجا را عرفات نامیده اند اینگونه است که توبه در عرفات و در روز عرفه اهمیت فراوانی دارد.

بنابراین در این روز، به ویژه برای کسانی که در سرزمین پرخطر و انسان ساز «عرفات» باشند و در مناسک حج شرکت داشته باشند، سعادت مضاعف خواهد بود؛ آنان که در لباس سفید احرام، با قلبی مملو از عشق خداوند، دعای عرفه امام حسین علیه السلام را در سرزمین عرفات زمزمه می کنند، از این زلال معرفت ناب، بیش از دیگران سیراب می شوند.

دعای عرفه؛ مهمترین شاخصه معرفتی روز عرفه

بی شک شیعیان بیشترین حجم دعا را در میان پیروان سایر مذاهب و ادیان دارند،

به نحوی که یکی از مزایای مهم مکتب اهل بیت علیهم السلام دعاهاى بسیار عالی، روح پرور، پرمحتوا و آموزنده ای است که از آن امامان بزرگوار به یادگار مانده، بعضی از آنها شبیه اعجاز است؛ دعاهاىی همچون دعای کمیل، صبح، ندبه، ابوحمره و دعای عرفه. راستی چنین است؛ مانند این دعاها را در هیچ جا و نزد هیچ گروهی نمی توان یافت. این امر را می توان جزو نشانه های حقانیت اهل بیت عصمت و طهارت به شمار آورد. این دعاها که منبع الهام بخش معارف غنی اسلام است، راه و رسم خودسازی و «سیر و سلوک الی الله» را به ما می آموزد و چون روی سخن در آنها با خدا است، چنان اوج می گیرد که از قله افکار آدمیان فراتر می رود.

از این رو در روز عرفه، مخصوصاً دعاً برای مؤمنان و دوستان بسیار سفارش شده است. چه آنان که زنده اند و چه کسانی که از دنیا رفته اند. مرحوم «علامه مجلسی» در این زمینه می گوید: روز عرفه از اعیاد بزرگ اسلامی است و کسی که بتواند این روز را در «عرفات» باشد، توفیق بزرگی دارد. این روز اعمال و دعاهاى فراوانی دارد و بهترین عمل در این روز، دعا است.

هم چنین از ابراهیم بن هاشم که از بزرگان شیعه است چنین نقل شده که: «عبد الله بن جندب» را در سرزمین عرفات دیدم که در روز عرفه، غرق در دعا و راز و نیاز بود. دست های خود را به سوی آسمان بلند کرده بود و اشک از چشمانش سرازیر بود، و فراوان گریه می کرد؛ در پایان نزد او رفتم و گفتم: وقوف و عبادت هیچ کس را مثل تو ندیدم. گفت به خدا سوگند! فقط برای برادران مؤمن دعا کردم، زیرا از امام موسی کاظم علیه السلام شنیدم که فرمود: هر کس برای برادران مؤمن خود دعا کند، از عرش ندا می رسد که صد هزار برابر آن برای خود تو خواهد بود، و من نخواستم از صد هزار برابر دعای

فرشتگان که یقیناً مستجاب است، دست بردارم! و برای خودم دعا کنم که نمی دانم مستجاب خواهد شد یا خیر!،

ضرورت تأمل و تفکر در دعای عرفه

باید اذعان نمود بخش مهمی از تعلیمات دینی در دعاهاى پیغمبر اکرم صلی الله علیه و اله و امامان معصوم علیهم السلام نهفته شده است. قرائت این دعاها علاوه بر اینکه انسان را به جوار قرب خدا نزدیک و از شیطان و وسوسه هایش دور می کند و روح را لطافت خاصی می بخشد، اثر عمیقی در تقویت پایه های ایمان و تهذیب نفوس و پرورش اخلاق فاضله دارد.

از آنجا که این دعاها از روح بلند معصوم سرچشمه گرفته همه آنها در یک سطح عالی است و با قرائت آگاهانه آن انسان به اوج معرفت و کرامت انسانی نزدیک می شود.

هرگاه این دعاها گردآوری شود گنجینه گرانبهائی از معارف دینی و دروس اخلاقی و آیین سیر و سلوک الی الله تشکیل می دهند.

بدین ترتیب محتوای دعاها سازنده و سبب تهذیب نفوس و تکامل ارواح و فاصله گرفتن دعا کننده از رذایل اخلاقی می گردد. به تعبیر دیگر، همه دعاها دارای پیام های مفید و سازنده اند؛ همچون دعای عرفه که دعایی پرمحتوا و پرمعنی است و همگان باید این دعا را خوانده و در محتوای آن دقت می کنند.

به راستی چه کسی است که دعای عرفه را می خواند و مراحل معرفه الله را نمی فهمد و با دریایی از صفات جمال و جلال خدا و معارف والای مذهب آشنا نمی شود؟ البته این اثر در صورتی است که فرد در مفهوم دعا بیندیشد و روی جمله جمله آن دقت کند.

در ضمن، دعاها سطح فکر انسان را بالا می برند و به او می آموزند که از خداوند چه چیزهایی تقاضا و تمنا کند. این

مطلب هنگامی به وضوح برای انسان ثابت می شود که دعاهاى مأثوره ای همچون دعای عرفه و دعاهاى معروف دیگر را مورد توجه قرار دهد.

بنابراین دعای عرفه امام حسین علیه السلام و دیگر دعاهاى ارزشمندی که از امامان معصوم علیهم السلام رسیده است، هریک شاهد گویای دیگری بر این مدعاست و ای کاش پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام که در این قسمت بر همه مذاهب اسلامی پیشی گرفته اند، جوانان خود را ملزم به حفظ بخشهایی از این دعاها می کردند (همراه با فهم معانی آنها) تا آنان را در برابر هجوم امواج گناه که مخصوصاً در عصر ما بیداد می کند حفظ نماید.

مناجات امام حسین (علیه السلام) در روز عرفه؛ نشانه ای از عشق حقیقی به کمال مطلق

بی شک در عشق های حقیقی و مقدس، روح انسان صفا و نورانیت فوق العاده ای پیدا می کند و همه چیز را جز معشوق حقیقی که مظهر کمال مطلق است به فراموشی می سپارد و تحمل تمام شداید را برای رسیدن به وصال او و برخوردار شدن از جذبه های عنایت و لطفش آسان می شمرد و هنگامی که «در بیابان به شوق کعبه قدم می گذارد، از سرزنش های خار مغیلان غمی به دل راه نمی دهد».

عشق به خدا و اولیاء الله و همچنین عشق به ارزش های والا، یا به تعبیر دیگر؛ محبت و علاقه شدید و سوزان به این امور، همواره چراغ راه اولیاء الله و شهیدان پاک باخته و عارفان دل سوخته و عالمانی که آثار علمی بزرگی از خود نشان داده اند، بوده است و در یک کلمه، راههای پریپیچ و خم تکامل را، بدون مرکب عشق نمی توان پیمود؛ لذا راز و نیاز امام حسین علیه السلام در روز عرفه در بیابان عرفات از جمله آثار گرانبهائی است از این عشق مقدس.

دعای عرفه؛ تقویت معرفت الهی در قالب خداشناسی

گفتنی است روز عرفه، برای تقویت معرفت الهی، و رابطه عمیق تر با حضرت حق و شناخت صفات جمال و جلال پروردگار، بسیار مناسب و مغتنم است. لذا با وجود دعای عرفه که سرشار از عرفان خالص اسلامی و معرفه الله است و تعلیمات دیگری از این قبیل، نوبتی به تعلیمات انحرافی صوفیان نمی رسد، از این رو تصوف در میان شیعیان بسیار کم رونق است.

بنابراین می توان گفت روز عرفه، روز شناسایی و شناخت پروردگار است؛ روزی که برادران و خواهران در سرزمین عرفات حضور داشته و بعد از ظهر مراسم وقوف به عرفات را انجام و دعای عرفه امام حسین (علیه السلام) را زمزمه می کنند.

تجلی رحمت واسعه خداوند؛ در مضامین عالیة دعای عرفه

باید دانست دعا سبب مزید لطف و رحمت خداست. بدین نحو که دعا کردن به درگاه خدا، از دو سو، مقرون به رحمت الهی است: از یک سو، توفیق الهی برای دعا کردن، و از سوی دیگر استجاب دعا از جانب خداوند. زیرا اساس کار خداوند بر رحمت است و مجازات جنبه استثنائی دارد و از پرتو دعا رحمت الهی بر دل و جان انسانها نازل می شود، آن گونه که آن را احساس کنند.

اینگونه است که در دعای عرفه امام حسین (علیه السلام) می خوانیم: «یا رحمان الدنيا والاخرة و رحیمهما؛ ای خدایی که رحمان دنیا و آخرت تویی و رحیم دنیا و آخرت نیز تویی!».

در تبیین این فراز از دعای عرفه باید گفت؛ خداوند دارای دو رحمت است: «رحمت عام» و «رحمت خاص»، نام «رحمن» اشاره به «رحمت عام» اوست و رحمت واسعه خداوند که دوست و دشمن و همه موجودات را شامل می شود، و نام

«رحیم» اشاره به «رحمت خاص» اوست که مخصوص اهل ایمان و طاعت است.

از این رو در این فراز از دعای عرفه روی رحمت عامه او که همه خلایق را شامل می شود «رحمن» و رحمت خاصه اش که ویژه مؤمنان است «رحیم» تکیه شده، تا به انسان امید بخشد. و او را در راه طولانی تکامل و سیر الی الله که در پیش دارد یاری دهد.

لذا حقیقتاً انسان از این رحمت گسترده اسلامی لذت می برد، و از این که این دعاهاى مأثوره جهانگیر و عام است و شامل تمام انسانهای نیازمند دعا، با هر نوع گرایش فکری می گردد، خوشوقت می شود.

بنابراین باید گفت آیا این دعاهاى جالب و عام و فراگیر، نشانه رحمت و عطوفت اسلامی نیست؟! آیا هیچ انسان بی غرض و با انصافی به خود اجازه می دهد که چنین آیینی را آئین خشونت معرفی کند!

دعای عرفه؛ تجلی خداگرایی و نفی اومانیسیم

لازم به ذکر است در دیدگاه سکولاریزم، انسان محور همه اشیا و خالق همه ارزشها و ملاک تشخیص خیر و شر است. در حقیقت ره آورد اومانیسیم و انسان محوری با تکیه بر عمل و تجربه گرایی و بی نیازی از وحی، آن گاه که بشر بخواهد در زمین خدایی کند نتایج و پیامدهایی وحشتناک به همراه خواهد داشت.

حال آنکه در آموزه های اسلامی، ذات پاک خداوند که کمال مطلق و مطلق کمال است، و جامع جمیع صفات جمال و جلال می باشد، محور اصلی شمرده می شود، و هر انسانی می کوشد خود را به آن کمال مطلق نزدیک کند، و پرتوی از اسماء و صفات او را در درون جان خود زنده نماید؛ روز به روز به او نزدیکتر و شبیه تر شود (هر چند ذات پاکش از هرگونه شبیه و مانند واقعی منزّه است)؛ و در این مسیر که به سوی بی نهایت

می رود، هیچ حد و مرزی از کمال را به رسمیت نمی شناسد؛ وجود او مملو از عشق به خدا یعنی کمال مطلق می شود، و انوار ذات و صفات او وجودش را روشن می سازد، به طوری که هر لحظه فضیلت و کمال برتر و بالاتری را طالب است.

او معلومات خود را گذشته از عقل و وجدان، از وحی آسمانی می گیرد و ارزشهای راستین را از دروغین در پرتو آن جدا می سازد، و با ایمان و یقین کامل و خالی از هرگونه تردید و تزلزل در این راه گام برمی دارد و در یک جمله یعنی دل به خدا بستن و ایمان محکم به او پیدا کردن، سپس تمام زندگی را به رنگ ایمان در آوردن و در محور آن قرار دادن.

لذا امام باقر علیه السلام از امام زین العابدین علیه السلام روایت کرده است که آن حضرت در روز عرفه جمعی را مشاهده کرد که دست نیاز به سوی مردم دراز کرده و کمک می خواستند! حضرت فرمود: وای بر شما! آیا از غیر خدا در این روز حاجت می طلبید در حالی که در این روز امید می رود که فضل خداوند حتی شامل بچه هایی شود که در شکم مادرانند.

هم چنین باید به فراز پرمحتوای دعای معروف امام حسین علیه السلام در روز عرفه اشاره نمود، آن جا که عرض می کند: «الهی انا الفقیر فی غنای، فکیف لا اکون فقیرا فی فقری، الاهی انا الجاهل فی علمی، فکیف لا اکون جهولا فی جهلی؛ خداوند! من در عین بی نیازیم سرتا پا فقر و نیازم، پس چگونه در حالت فقر فقیر نباشم؟! خداوند! من در عین علم و دانش جاهلیم پس چگونه در جهلم جاهل و نادان نباشم؟!»

گفتنی است فقر در این فراز به معنای نیاز و وابستگی به ذات پاک پروردگار است، یعنی استفاده از استدلال برای مبارزه با انانیت، به این معنا که خدا را وجودی نامحدود وازلی وابدی ببیند و خود را وجودی از هر نظر محدود ودر

منتهای عجز و فقر وضعف و سرتاپا نیاز، و یقین داشته باشد که یک لحظه بدون ذات پاک خداوند بقایی نخواهد داشت.

دعای عرفه؛ ندای مسلمانان در نابودی استکبار

بی شک یکی از مهمترین کارکردهای دعا، ایجاد نور امید در دل انسان ها است. انسان ناامید در ردیف مرده ها قرار دارد؛ همان گونه که عامل اصلی پیروزی جنگجویان در میدان جنگ، امید و روحیه است. از این رو، سربازان ناامید اگر پیشرفته ترین سلاح های جنگی را نیز داشته باشند، بازنده میدان جنگ خواهند بود.

لذا دعا در دل انسان نور امید می تاباند، انسانی که اهل دعا و متکی به خداوند است علی رغم مشکلات زیاد؛ از قبیل دشمنان جسور... اگر به درگاه خداوند روی آورد و به او امید ورزد و با او راز و نیاز کند، نور امید در دلش زنده می شود و به زندگی امیدوار می گردد و گویی حیات دوباره ای می یابد.

از این رو مردم در روز عرفه برای رفع گرفتاری ملت های مسلمان دعا کنند، مسلمانان در عرفه، دفع شر استکبار را مسئلت کنند تا آتش های جنگ که به دست دشمنان استکباری و مسلمان نماهای نادان و بی خیر روشن شده، خاموش شود امیدواریم به برکت این دعاها شر استکبار دفع شود.

سخن آخر

در خاتمه باید گفت بی تردید دعا نقش بسیار مؤثری در تربیت نفوس انسانی و سوق آنها به مراتب کمال دارد که شاید بسیاری از دعاکنندگان از آن غافل باشند. با این که خداوند به انسان بسیار نزدیک است (وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرْدِ)، ولی آدمی با غفلت و بی توجهی، از او فاصله گرفته و دور می شود؛ در این میان، دعا و ذکر است که حجاب میان دعاکننده و خداوند متعال را برطرف می سازد و انسان، قرب و نزدیکی را کاملا

احساس می کند.

از این رو «دعا» همچون باران بهاری است که سرزمین دلها را سیراب و شکوفه های ایمان و اخلاص و عشق و عبودیت را بر شاخسار روح آدمی ظاهر می سازد!

«دعا» نسیم روح بخش قدسی است که همچون دم مسیح، «عظم رمیم» را «بذن الله» حیات می بخشد!

«دعا» دریای مواجی است که گوهرهای فضایل اخلاق را در درون خود پرورش می دهد!

به راستی هر نفسی که با دعا همراه است ممد حیات است و مفرح ذات، و هر دلی که با نور دعا قرین است، با تقوای الهی همنشین است.

دعاکننده، وصول به مقاصد شخصی خود را از خدا می طلبد و خداوند تربیت و پرورش روحانی او را از طریق دعا می خواهد، و بقیه بهانه است! و اینچنین است که می توان گفت: دعا اکسیر اعظم، کیمیای سعادت، آب حیات و روح عبادت است.

با این تفاسیر از یک سو باید در مورد دعاها حضرت معصومین علیهم السلام نظیر دعای عرفه امام حسین علیه السلام، و سایر دعاها ارزشمند و دارای مضامین عالی آن بزرگواران، بیشتر مطالعه و تحقیق نموده، و از نحوه دعا کردن آن عزیزان درس عبرت گرفته، و آن را به دیگران انتقال دهیم.

از سوی دیگر وجود روز «عرفه» و خاطر دعا عجیب و بسیار گرانبهای امام حسین علیه السلام در عرفات، شکوه و عظمت خاصی به این ماه بخشیده، و سزاوار است همه مؤمنان (مخصوصا جوانان پاکدل) از فضای آکنده از معنویت این ماه غافل نشوند و در خودسازی و تهذیب نفس بکوشند که به پیشرفت های مهمی نائل می شوند.



شکوه ولایت امام علی علیه السلام در حدیث غدیر از منظر معظم له

هیجدهم ماه ذی الحجه، روز عید سعید غدیر، عید ولایت و امامت، و از مهمترین اعیاد اسلامی است. روزی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از انجام حج در سال دهم هجری به هنگام مراجعت به مدینه، مردم را در وادی «غدیر» جمع کرد و فرمان خدا یعنی نصب علی علیه السلام به امامت و ولایت بر امت را به آنان ابلاغ کرد.

و آن جا بود که آیه «الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا» نازل شد. و خداوند با برگزیدن علی علیه السلام به امامت امت، دین اسلام را کامل گردانید و دشمنان را ناامید و مأیوس ساخت. این روز را باید به حق از عظیم ترین اعیاد نامید، همان گونه که در روایات بر اهمیت فراوان این روز و برتری آن بر سایر اعیاد تأکید شده است.

لذا واقعه غدیر شمس فروزانی است که تاریخ اسلامی و دل های عاشقان را روشن ساخته است. غدیر یک دنیا محتوا و مفاهیم عالیه دارد و سزاوار است پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام بلکه همه مسلمین روز به روز با آن آشنا تر شوند و از آن بهره گیرند.

حدیث غدیر در یک نگاه

بسیاری از مورخان اسلامی نوشته اند که پیغمبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در آخرین سال عمرش، پس از انجام مراسم حج با انبوه عظیمی از یاران قدیم و جدید و مسلمانان شیفته ای که از تمام نقاط حجاز برای انجام این مراسم به او پیوسته بودند به هنگام بازگشت از مکه به سرزمین «جحفه» در میان مکه و مدینه، در بیابان خشک و سوزان «غدیر خم»، بعد از حمد و ثنای الهی، مردم

را مخاطب ساخته چنین فرمود: من به زودی دعوت خدا را اجابت کرده از میان شما می روم، لیکن دو چیز گرانمایه و گرانقدر در میان شما به یادگار می گذارم؛ «اول «ثقل اکبر»، «کتاب خدا قرآن» است، دست از دامن آن بردارید تا گمراه نشوید، عترتم دومین یادگار گران قدری است که خداوند لطیف خبیر به من خبر داده، این دو هرگز از من جدا نشوند تا در بهشت به من پیوندند، از این دو پیشی نگیرید که هلاک می شوید و عقب نیفتید که باز هلاک خواهید شد!».

ناگهان پیامبر صلی الله علیه و آله به اطراف خود نگاه کرد، کسی را جست و جو می نمود، و همین که چشمش به علی علیه السلام افتاد، خم شد و دست او را گرفت و بلند کرد آنچنان که سفیدی زیر بغل هر دو نمایان شد و همه مردم او را دیدند و شناختند.

در این جا صدای پیامبر رساتر و بلندتر شد و فرمود: «ایها الناس! من اولی الناس بالمؤمنین من انفسهم؟» چه کسی از همه مردم نسبت به مؤمنین از خود آنها سزاوارتر است؟» گفتند: خدا و پیامبر دانانترند.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «خدا مولا و رهبر من است، و من مولا و رهبر مؤمنانم و نسبت به آنها از خودشان سزاوارترم»، سپس افزود: «فمن کنت مولا فعلی مولا؛ هر کس من مولا و رهبر او هستم علی مولا و رهبر اوست».

این سخن را سه بار تکرار کرد، و به گفته بعضی از روایان حدیث چهار بار، سپس سر به آسمان بلند کرد و فرمود: «اللهم وال من والاه، و عاد من عاداه، و احب من احبه، و ابغض من ابغضه، و انصر من نصره، و اخذل من خذله، و ادر الحق معه حیث دار!» خداوند! دوستان او را دوست دار، و دشمنانش را دشمن دار، محبوب دار آن کس که او را محبوب دارد، و مبعوض دار آن کس که کینه او به دل گیرد، یارانش را یاری کن، و ترک کنندگان یاریش را

محروم ساز، حق را همراه او بدار، و او را همراه حق»، سپس فرمود: «همه حاضران به غائبان این خبر را برسانند». هنوز صفوف جمعیت از هم متفرق نشده بود که جبرئیل، امین وحی خدا را نازل گشت و این آیه را بر پیامبر فروخواند «الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي...»؛ «امروز آیین شما را کامل و نعمت خود را بر شما تمام نمودم!»

در این هنگام پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «الله اکبر، الله اکبر، علی اکمال الدین و اتمام النعمه و رضی الرب برساتی و الولاية لعلی من بعدی؛ خدا را تکبیر می گویم، خدا را تکبیر می گویم، بر این که آیین خود را کامل و نعمت خویش را بر ما تمام کرد، و رضایت خود را به رسالت من، و ولایت علی پس از من، اعلام داشت».

در این هنگام شور و غوغایی در میان مردم افتاد، و همگان علی علیه السلام را به این مقام تبریک گفتند از جمله ابوبکر و عمر این جمله را در حضور جمعیت به علی علیه السلام گفتند: «بخ بخ لک یابن ابیطالب اصبحت و امسیت مولای و مولا کل مؤمن و مؤمنه؛ آفرین بر تو، آفرین بر تو، ای فرزند ابوطالب تو مولا و رهبر من و تمام مردان و زنان با ایمان شدی ...!» این خلاصه ای است از حدیث معروف غدیر که در کتب دانشمندان اهل تسنن و شیعه آمده است.

واکاوی سندی در حدیث غدیر

بدیهی است واقعه غدیر، مورد اجماع و اتفاق جمیع مسلمانان شیعه و سنی است و جایگاه ویژه ای در نصوص دینی و ادبیات و اشعار مسلمانان دارد. لذا جریان غدیر از نظر سند متقن، مسلم و انکار ناپذیر است، به همین جهت دشمنان نمی توانند روی به فراموشی سپردن اصل روایت غدیر و از میان بردن محتوای غدیر مانور دهند، بلکه روایاتی که درباره جریان «غدیر خم»، خطبه پیامبر صلی الله علیه و آله و معرفی علی علیه السلام

به عنوان وصی و ولی نقل شده، بسیار فراوان و یقیناً در حد تواتر است،

به عنوان نمونه مرحوم علامه امینی رضوان الله علیه در کتاب ارزشمند و بی نظیرش، الغدیر، به صورت گسترده ای پیرامون واقعه غدیر بحث کرده است. وی حدیث غدیر را، در این کتاب تحقیقی، از یکصد و ده نفر از صحابه پیامبر نقل می کند؛ علاوه بر این، از هشتاد نفر از «تابعین» و ۳۵۰۰ نفر از علما و محدثان اسلامی حدیث ارزشمند غدیر را نقل می کند؛ نویسنده توانمند الغدیر احادیث مربوط به این حادثه بزرگ و کم نظیر را از سیصد و شصت کتاب مختلف نقل کرده است؛ کتاب هایی که قسمتی از آن، از اهل سنت و قسمتی دیگر، از شیعه است.

هم چنین حدیث غدیر در غالب کتب تفسیر و تاریخ و حدیث برادران اهل سنت آمده است، حتی گروه عظیمی از علمای اسلام کتاب مستقل درباره خصوص این حدیث نگاشته اند، از جمله مرحوم علامه امینی که خود کتاب مستقل بسیار پرمایه و کم نظیری در این باره نوشته، نام بیست و شش تن از علمای اسلام را که درباره حدیث غدیر «کتاب جداگانه» نوشته اند نام برده است.

از این رو بحث درباره همه روایاتی که در مورد «حدیث غدیر» نقل شده نیاز به نوشتن کتاب قطوری دارد و هر شخص بی نظری نگاهی به مجموعه این اسناد و مدارک بیندازد یقین پیدا می کند که حدیث غدیر از قطعی ترین روایات اسلامی و مصداق روشنی از حدیث متواتر است و به راستی اگر کسی در تواتر آن شک کند، باید به هیچ حدیث متواتری اعتقاد نداشته باشد.

در مورد تبیین اسناد حدیث به همین مقدار قناعت کرده، و کسانی را که می خواهند مطالعه وسیع تری روی اسناد حدیث داشته باشند به کتابهای «الدر المنثور» سیوطی و «الغدیر» علامه امینی

و «احقاق الحق» قاضی نور الله شوشتری و «المراجعات» علامه شرف الدین ونیز «دلائل الصدق» محمد حسن مظفر ارجاع می دهیم.

تبیین ولایت و مولی در حدیث غدیر
می دانیم در مسأله امامت و خلافت بعد از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله دو نظر در میان مسلمانان هست؛ مطابق عقیده شیعه، امامت و خلافت با نص است؛ یعنی به وسیله خداوند از طریق پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله، امام علیه السلام و خلیفه بعد از او تعیین شده است. آیاتی از قرآن نیز این نظر را تأیید می کند و احادیثی همچون حدیث غدیر.. نیز گواه بر آن است. اضافه بر این شیعیان دلیل عقلی نیز بر این مسأله اقامه می کنند. ، لیکن اهل تسنن طرفدار شوری هستند و معتقدند پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله تعیین خلیفه بعد از خود را به امت واگذار کرده و آنها بر طبق شورای مهاجرین و انصار و بیعت مردم تعیین شده اند.

حال با این تفاسیر حدیث متواتر غدیر و جمله معروف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که در همه کتب آمده است: «من کنت مولا فعلی مولا» «حقایق بسیاری را روشن می سازد.

۱. اگرچه بسیاری از نویسندگان اهل سنت اصرار دارند که «مولی» را در اینجا به معنی «دوست و یار و یاور» تفسیر کنند، لیکن قرائن متعددی در کار است که نشان می دهد «مولی» در حدیث بالا به معنی «ولی» و «سرپرست» و «رهبر» می باشد.

مسأله دوستی علی علیه السلام با همه مؤمنان، مطلب مخفی و پنهان و پیچیده ای نبود که نیاز به این همه تأکید و بیان داشته باشد، و احتیاج به متوقف ساختن آن قافله عظیم در وسط بیابان خشک و سوزان و خطبه خواندن و گرفتن اعتراف های پی در پی از جمعیت داشته باشد.

هم چنین بر مبنای نص صریح قرآن:

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ؛ مؤمنان همه برادر یکدیگرند». باید گفت اخوت اسلامی و دوستی مسلمانان با یکدیگر از بدیهی ترین مسائل اسلامی است که از آغاز اسلام وجود داشت و پیامبر صلی الله علیه و آله بارها آن را تبلیغ کرد و بر آن تأکید نهاد؛ بعلاوه، مسأله اخوت مسأله ای نبوده که با این لحن داغ در آیه بیان شود و پیامبر صلی الله علیه و آله از افشای آن خطری احساس کند.

۲. جمله «ألسنت اولی بکم من انفسکم؛ آیا من نسبت به شما از خود شما سزاوارتر و اولی نیستم!» که در بسیاری از متون این روایت آمده است، هیچ تناسبی با بیان یک دوستی ساده ندارد، بلکه می خواهد بگوید: «همان اولویت و اختیاری که من نسبت به شما دارم و پیشوا و سرپرست شما هستم، برای علی علیه السلام ثابت است.» مخصوصاً با توجه به تعبیر «بکم من انفسکم؛ از شما نسبت به شما اولی هستم».

۳. تبریک هایی که از سوی مردم در این واقعه تاریخی به علی علیه السلام گفته شد، مخصوصاً تبریکی که «عمر» و «أبو بکر» به او گفتند، نشان می دهد مسأله چیزی جز مسأله نصب خلافت نبوده است که در خور تبریک و تهنیت باشد؛ زیرا اعلام دوستی، که برای همه مسلمانان بطور عموم ثابت است، تبریک ندارد.

۴. اشعاری که حسان بن ثابت قبل از روز عید غدیر با آن مضمون و محتوای بلند و آن تعبیرات صریح و روشن، نیز گواه دیگری بر این مدعا است؛ و به اندازه کافی در این مسأله گویا است.

لذا اگر ما قرائن جمله معروف حضرت رسول صلی الله علیه و آله «من کنت مولا فعلی مولا؛ اللهم وال من والاه و عاد من عاداه» را جمع کنیم تفسیر این جمله آسان است؛ اگر بیان یک دوستی معمولی باشد همه مسلمانان دوست همدیگرند و دیگر نیازی نیست بعد از

وجه الوداع مردم را در آن بیابان جمع کنند و خطبه بخوانند و بعد افراد به مولا علی علیه السلام «بخ بخ لک یا علی» بگویند .

گفتنی است اخیراً در گوشه و کنار، مقالاتی می نویسند و اعلام می دارند که باید مقام علمی علی علیه السلام مورد توجه قرار گیرد و مسئله حکومت دیگر نیاز به بررسی ندارد، تعجب برانگیز است که اینها این گونه تاریخ اسلام و فقه را تحلیل می کنند.

حال آنکه پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و اله از همان آغاز، دین را با حکومت آمیخت و اصولاً پیشرفت دین از طریق حکومت امکان پذیر است . حال اگر قرار بود علی علیه السلام، فقط به بیان احکام و حلال و حرام بپردازد و حکومتی در میان نباشد، مسئله بیعت دیگر معنی نداشت.

بنابراین طبق حدیث متواتر غدیر و جمله «من کنت مولا فهدا علی مولا»؛ پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله در غدیر خم رسماً او را از سوی خدا به این مقام منصوب کرد؛ ولی بیعت مردم با دیگران سبب شد که او مدتی نتواند ولایت خویش را اعمال کند؛ و تنها بعد از بیعت مردم با او بود که امکان اعمال این ولایت حاصل شد. آری مردم زمینه های اجرائی را فراهم کردند، نه اینکه مقام ولایت او رابه فعلیت برسانند.

بنابراین منظور پیامبر صلی الله علیه و اله، از این کارها، بیان مسأله ی بسیار مهم و اساسی بوده و آن عبارت است از اعلام ولایت و امامت علی علیه السلام و انتصاب او به این مقام. لذا در این حدیث هیچ یک از معانی دیگر «مولی» غیر از همان اولویت، ولایت و امامت منظور نیست، چون معانی دیگر در این مقام بی تناسب می باشد.

دلالت حدیث غدیر بر ولایت علی علیه السلام در منابع اهل سنت

باید دانست اسناد مربوط به واقعه «غدیر»

و مساله جانشینی پیامبر صلی الله علیه و اله تنها در کتب شیعه نقل نشده است ، بلکه در بسیاری از کتب اهل تسنن نیز آمده است. به عنوان نمونه در تاریخ معروف طبری مورخ بزرگ اهل سنت، که مردی دانشمند و در عصر و زمان خود کم نظیر بود. نوشته های زیادی وجود دارد که از جمله آن ها تفسیر مهمی به نام جامع البیان و تاریخ مشهورش است و کتابی به نام کتاب الولاية دارد که طرق مختلف حدیث غدیر را در آن بیان کرده است.

هم چنین در دیگر منابع مهم علمای اهل سنت هم چون «مسند» امام «احمد» آمده است: عمر بعد از آن بیانات پیامبر صلی الله علیه و اله خطاب به علی علیه السلام عرض کرد: هنیئا یا بن ابي طالب أصبحت و أمسیت مولی کل مؤمن و مؤمنة؛ گوارا باد بر تو ای فرزند ابي طالب! صبح کردی و شام کردی در حالی که مولای هر مرد و زن با ایمان هستی!

در تعبیری که فخر رازی در ذیل آیه «یا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» ذکر کرده، می خوانیم: عمر گفت: «هنیئا لک أصبحت مولای و مولی کل مؤمن و مؤمنة» به این ترتیب، عمر او را مولای خود و مولای همه مؤمنان می شمرد.

در تاریخ بغداد روایت فوق به این صورت آمده: بخ بخ لک یا بن ابي طالب! أصبحت مولای و مولی کل مسلم ؛ آفرین، آفرین به تو ای فرزند ابو طالب! صبح کردی در حالی که مولای من و مولای هر مسلمانی هستی.

و در «فیض القدير» و «الصواعق» آمده است که این تبریک را ابو بکر و عمر هر دو به علی علیه السلام گفتند: «أمسیت یا بن ابي طالب مولا کل مؤمن و مؤمنة .»، ناگفته پیداست دوستی ساده ای که میان همه مؤمنان با یکدیگر است چنین تشریفات ندارد، و این جز با ولایت به معنی خلافت سازگار نیست.

سخن آخر

در خاتمه باید گفت مساله غدیر یک مساله واضح و روشن است منتهی جهات سیاسی و سایر شرایط اجازه نمی داده است که پرده از روی این حدیث برای همه مردم برداشته شود.

لذا احیای غدیر به معنای احیای آثار حضرت علی علیه السلام و حکومت اسلامی است، چرا که مسأله غدیر، ادامه حکومت اسلامی پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله است.

غدیر واقعه باشکوهی است که بزرگانی همچون آیت الله امینی و میرحامد حسین هندی و علامه محسن امین و بزرگان دیگر برای تبیین زوایای آن کوشش های شایان تقدیری کرده اند ولی غدیر هنوز ناگفته های فراوانی دارد که نسل امروز باید برای شرح آن دامن همت به کمر زند و ابعاد و زوایای آن را روشن سازد.

البته به حق ما ادعا می کنیم شیعه علی علیه السلام هستیم و غدیر نشانه ولایت ما است، اما باید بدانیم این جشن ها و توسلات خوب و لازم است، اما کافی نیست. بلکه باید آثار عشق به مکتب امام علی علیه السلام و سایر ائمه اطهارعلیهم السلام و برنامه های ایشان در رفتار و کردار ما نمود و بروز داشته باشد. لذا باید همه نسبت به عید غدیر اهمیت بدهند به ویژه جوانان را باید با تاریخ، برکات، کتاب ها و سخنان بزرگان درباره غدیر آشنا کرد.

بی شک ما خدا را شاکریم که تابع کسی هستیم که فضائل و مناقب او آشکار و دلایل ولایت او محکم و متقن است و این راهی است که ما باید بپیماییم.

ان شاءالله در برابر این رسالت همه وظیفه خود را انجام خواهیم داد و امیدواریم قدم در جای پای حضرت علی علیه السلام بگذاریم



بازخوانی مسئولیت ها و رسالت های دولت اسلامی از منظر معظم له

نظام اسلامی مرکب از دو رکن جمهوریت و اسلامیت است، رای مردم جمهوریت و ارزش های دینی، جنبه اسلامیت نظام است. هم چنین دولت به معنی دست به دست شدن قدرت در میان مردم است و حکومت را نیز به همین دلیل، دولت می گویند که هر چند روزی، در دست کسی است.

لذا در حکومت اسلامی، دولت باید در خدمت مردم و مراقب و محافظ آنها باشد. حدیث معروف «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت» نیز اشاره به این معنا دارد که همه مردم باید مراقب یکدیگر باشند و در مقابل هم مسئولند. بدین ترتیب کار دولت و حکومت یک سلسله برنامه ریزی کلان اجتماعی است که مربوط به همه می شود.

در نگاه دین دولت اسلامی موظف است امکانات عمومی را که به همه مردم تعلق دارد، به گونه ای در اختیار آحاد مردم قرار دهد که فرصت های رشد و ترقی برای همگان فراهم گردد.

به عنوان مثال دولت باید برنامه های اساسی و بنیادی و زیربنایی را در جهت گسترش فرهنگ دینی انجام دهد، و مردم باید دنبال آن را در جهات مختلف بگیرند. و یا اینکه آموزش و پرورش برای تمام قشرها لازم است، و یامسائل اقتصادی در جامعه، در بعد کشاورزی و دامداری و صنعتی هر کدام برنامه ریزی می خواهد و نیز مسائل بهداشت و درمان برای عموم مردم که آن هم نیاز به برنامه ریزی گسترده دارد و... که مجموعه اینها دولت و حکومت را تشکیل می دهد.

از سوی دیگر مردم نیز به عنوان حامیان حکومت، و بازوهای دولت اسلامی، و نیز به عنوان نظارت، و امر به معروف و نهی

از منکر، و نصیحت و ارشاد، در حکومت نقش دارند.

این نوع نظارت مردم از باب «لزوم همکاری با دولت اسلامی» و بر مبنای کلام الهی در قرآن کریم است که می فرماید: «والمؤمنون والمؤمنات بعضهم أولیاء بعض یأمرون بالمعروف وینهون عن المنکر؛ مردان و زنان با ایمان (یار و یاور) یکدیگرند؛ امر به معروف و نهی از منکر می کنند».

هم چنین نظارت صحیح بر دولت ها ارمان حوزه مستقل است زیرا؛ حوزه علمیه نقش مهمی در ایجاد، هدایت و حفظ انقلاب از انحرافات دارد، ولی مستقل از حکومت است و همین باعث نظارت صحیح بر دولت ها می شود.

از این رو مراجع معظم تقلید هیچ نیازی به دولت ندارند و آنان را حمایت هم می کنند، اما هر جا خلاقی ببینند با صراحت تذکر می دهند و از آنجا که وابستگی خاصی ندارند، نظراتشان را با شجاعت بیان می کنند و چون این نظرات مشفقانه است، غالباً مؤثر واقع می شود.

فرهنگ گرای مهمترین رسالت دولت اسلامی

اسلام از فرهنگ بسیار غنی و مستحکمی برخوردار است و این قدرت را دارد که با همه فرهنگ ها مقابله کند، بنابراین تلاش برای حفظ آبروی نظام و کشور اسلامی وظیفه همگان است تا جوانان ما در دام دشمنان گرفتار نشوند.

لذا همه رسانه ها به ویژه رسانه ملی، دولت، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دانشگاه ها و مراکز دیگر مسؤولیتی خطیر در قبال مسائل فرهنگی دارند؛ همه مسؤول هستند تمام ارگان ها، نهادها، دانشگاه ها و دبستان ها، چراکه همه طرفدار نظام اسلامی هستند.

امروزه دشمنان با استفاده از رسانه های گوناگون هم چون ماهواره، اینترنت و رسانه های غیراخلاقی در تلاش اند تا فرهنگ مردم را تغییر دهند، حال این وضع

فرهنگی که الان داریم، مفسد اخلاقی، بدحجابی، بی حجابی، رسوایی های اقتصادی آیا اینها با دستاوردهای انقلاب سازگار است؟

به راستی چرا جلوی مفسد اقتصادی گرفته نشد و از آن غفلت شد، چرا از مفسد اخلاقی پیشگیری نشد تا به این جا نرسد؟ متأسفانه برخی در دولت احساس کردند می توان خط قرمزها را شکست، حال آنکه دولت باید از فراقکتی در مسائل فرهنگی دست بردارد و به وظایف خود عمل کند، دولت نباید از انجام وظایف خود شانه خالی کند.

باید دانست مسائل فرهنگی تبدیل به مسائل سیاسی اقتصادی می شود و مسائل سیاسی و اقتصادی نیز تبدیل به مسائل فرهنگی می شوند و تاثیر و تاثر متقابلی دارند.

به عنوان نمونه بسیاری هستند که تلاش دارند به مسایل فرهنگی ضربه بزنند تا مسایل سیاسی و اصل نظام ضربه بخورد چنان که می بینیم مسئله عفاف و حجاب مسئله سیاسی شده است.

بنابراین دولت باید مسائل فرهنگی و حجاب را از کارمندان خود شروع کند تا به جامعه نیز تسری پیدا کند. همچنین باید بحث حجاب در کتاب های درسی به صورت منطقی وارد شود و ضرر و زیان های بی بند و باری تبیین شود تا همه بدانند که این یک مسأله مهم است و نمی توان به سادگی از کنار آن گذشت.

لازم به ذکر است ما دارای حکومت اسلامی هستیم و معتقدیم که اخلاق اگر فاسد شد مشکلات زیادی ایجاد می شود؛ الان چرا طلاق زیاد شده؟ چرا ازدواج کم شده؟ چرا شوهر به زن و زن به شوهر بدبین شده اند؟ یکی از عوامل مهمش همین هاست. این بی بندوباری ها نظام خانواده را متلاشی می کند؛ ما اگر تذکر می دهیم می گوئیم مصلحت شما این است ما دلمان می سوزد. ما مسائل فرهنگی را رصد کنیم و به سهم خودمان تذکر دهیم. گاهی این مسائل برای

ما هزینه هایی دارد که آن را می پردازیم. لیکن در خیلی از مسائل هم که برخی وارد شده اند و خواستند امر به معروف داشته باشند، دولت برخی موانع را ایجاد کرده است و از سوی دیگر تبلیغات گسترده دشمنان موجب شد که جامعه ما به سمت فساد برود و وضع بد فرهنگی کشور بیداد کند.

حال آنکه امر به معروف و نهی از منکر باید در جامعه اسلامی زنده و پر رنگ شود؛ زمانی که امر به معروف و نهی از منکر کم رنگ شود، گناه و فساد پر رنگ می شود. دشمن نیز همین را می خواهد، همان گونه که در اندلس کردند و برای فتح آنجا جوانان را آلوده کردند؛ در حالی که یکی از اصول قانون اساسی اصل امر به معروف و نهی از منکر است. لذا اگر امر به معروف و نهی از منکر ترک شود جوانان آلوده می شوند و جوانان آلوده نمی توانند از مملکت و اسلام دفاع کنند.

بنابراین نباید مسایل ارزشی را در جامعه تضعیف کرد، چرا که این مسایل پشتوانه کشور هستند و برای تداوم انقلاب به آن ها نیازمندیم.

بنابراین باید اذعان نمود علاوه بر وظیفه شرعی نسبت به حلال و حرام احکام اسلامی، برای حفظ نظام اسلامی و تضعیف نشدن آن باید به مسایل فرهنگی توجه داشته باشیم. باید در برابر امواج ضدفرهنگی ایستاد و هرگز مایوس نشد زیرا فرهنگ اسلام قوی است و اگر در این اوضاع یک آتش را نیز خاموش کنیم مطلوب است ولی در این زمینه بسیار می توان کار کرد و کارهای فراوانی هم انجام شده است. لیکن امروز مسئولیت ما از هر زمانی بیشتر است، باید از همه ابزارهای هنری، سایت ها، ماهواره ها و... استفاده کرد.

دولت و ضرورت اجتناب از جدال سیاسی

بی شک دشمنان داخلی و خارجی به دنبال آلوده کردن فضای سیاسی کشور و به دست آوردن منافع خود هستند؛ لذا باید

احتیاط کرد و از جدال سیاسی، که کشور را ناآرام کند، پرهیز کرد. زیرا امروز مشکل مردم، مسایل سیاسی نیست و مسئولان باید اقتصاد، معیشت و اخلاق جامعه را سامان دهند و این خصومت ها را کنار بگذارند.

گاهی در ارائه بحث ها، دلایل محکم و متقن به میان می آید و طرفین دنبال رسیدن و روشن شدن حقیقت هستند که این گونه مراء و بحث در اسلام صحیح است. لیکن گاهی در بحث، دلایل محکم و متقن است، ولی طرفین به دنبال به کرسی نشاندن حرف خود، رسواکردن دیگری، به وجود آوردن مشکلات و آبروریزی هستند، که این شیوه در شرع نکوهش شده است. حال آنکه مشکلات اقتصادی، اخلاقی و علمی، کشور را فرا گرفته و مسئولان باید از بحث های بی ثمر سیاسی پرهیزند.

لذا کسانی که در این بحث های سیاسی، با کبر و غرور به دنبال غلبه بر دیگری، دشمنی و عداوت هستند، هرچند حرفشان حق باشد هرگز ایمانشان کامل نخواهد شد و از خدا دورتر می شوند. بلکه دامنه این بحث ها جامعه را به سمت هلاکت سوق خواهد داد.

محرومیت زدایی و لزوم حمایت دولت از اقشار آسیب پذیر

در نگاه اسلام هیچ کس نباید از تأمین نیازهای اساسی و حیاتی چون: غذا، مسکن، پوشاک و امنیت محروم باشد. لذا چنانچه تعدادی از افراد جامعه توانایی تأمین نیازهای خود را نداشته باشند در قدم اول بر متمکنان و سپس بر دولت اسلامی است که آن سطح حداقلی را تأمین کند.

همچنین هزینه هایی که برای آموزش و پرورش، حفظ نظم و امنیت اجتماعی، دفاع در مقابل دشمنان، مبارزه با انواع بیماری های خطرناک، ایجاد اشتغال ضروری، و رفع نیازهای محرومان می شود، از مصارف ضروری شمرده شده و برای جامعه اجتناب ناپذیر است و بر حکومت اسلامی است که به تأمین هزینه های این گونه امور اهتمام

جدی داشته باشد.

لذا دولت اسلامی باید در قبال همه احساس مسؤولیت داشته باشد و در رسیدگی به امور مردم به ویژه در مناطق محروم کوتاهی نکند. بلکه باید با راه اندازی معاونت ویژه ای، مشکلات مردم در مناطق محروم مورد بررسی قرار گیرد، چراکه همه ما مسؤل هستیم.

بی شک تورم ثروت مندان را ثروت مند تر و اقشار کم درآمد را نیازمند تر می کند. از سوی دیگر مردم مدام به ما مراجعه می کنند که اخیراً موجی از تورم در جامعه پیدا شده است و آن هم به خاطر بالا رفتن قیمت حامل های انرژی و دیگر اقلام مصرفی از سوی دولت است. دولت باید توجه ویژه داشته باشد که اگر قرار است شاهد افزایش قیمت در جامعه باشیم، باید با شیب ملایم صورت گیرد تا مردم دچار مشکلات حاصل از فشار گرانی ها نشوند.

جای بسی تأسف است که مشکل گرانی اکثراً از مصوبات خود دولت سرچشمه می گیرد و مسئولان اجرایی باید مبارزه با گرانی را از خود شروع کنند، آن ها وظیفه دارند در حل مشکلات مردم بیش از پیش تلاش کنند.

تأسف آور است که بار تورم بر دوش کارمند و کارگری است که حقوق ثابت دارد نه ثروت مندان. دولت فکری به حال گرانی ها بکند، یارانه این افراد باید افزایش یابد. دولت اجازه ندهد اقشار کم درآمد زیر چرخ های تورم له شوند، هم چنین دولت به فکر جوانان بیکار، حل گرانی و اشتغال و معضل ازدواج جوانان باشد و به گونه ای نباشد که بار تورم روی دوش اقشار ضعیف و کم درآمد باشد.

ضروری است مسؤولان برای حل مشکل گرانی مطالعه همه جانبه داشته باشند تا اقشار آسیب پذیر بیش از این آسیب نبینند؛ این که تنها عده کمی برای این مسائل فکر و برنامه ریزی کنند درست نیست، امیدواریم دولت و مجلس و دیگر افراد دست به دست هم دهند و قشر

نیازمند را از زیر بار تورم نجات دهند؛ ما هم برای موفقیت شان دعا می کنیم. ما این مسائل را بیان می کنیم تا ان شاءالله عمل کنند

لزوم حمایت دولت از بخش خصوصی

بدیهی است حکومت نباید امر اقتصاد را به دست گیرد، بلکه بهترین راه آن است که آن را به بخش خصوصی واگذار کند؛ ولی با این حال نباید جهات حمایتی و هدایتی را از آنها دریغ دارد، زیرا غالباً بدون حمایت و هدایت حکومت به مشکلات زیادی برخورد می کنند که دامنه آن عموم مردم را دربر می گیرد. به همین دلیل اقتصاددان های آگاه در دنیای امروز به همین امر توصیه می کنند که دولت بی آنکه خود تاجر و صنعتگر باشد باید از آنها حمایت کند و در موارد لازم نظارت و هدایت آنها را نیز به عهده بگیرد و این کار نقش مهمی در موفقیت تجارت و صنعت خواهد داشت.

البته ما نمی گوئیم که دست بخش خصوصی آن چنان آزاد شود که به استعمار و دو قطبی شدن جامعه منجر گردد، بلکه می گوئیم در عین نظارت دقیق دولت بر این بخش، باید رابطه کار بیشتر، مدیریت بهتر، و ابتکار فزون تر، را با درآمد زیادتر، همیشه در نظر داشت، و به مقتضای «ان لیس للانسان الا ما سعی و ان سعیه سوف یری» نتیجه سعی بیشتر او را (به طرز عادلانه ای) در اختیار او گذارد.

متأسفانه فرهنگی در دولت ها حاکم است که نباید چیزی را از دست بدهند، دولت خیال می کند عظمتش بر این است که همه امور را در دست داشته باشد در حالی که این فرهنگ دولتی باید اصلاح شود.

گاهی شنیده می شود ۵ درصد از سهام بخشی را به بورس دادند، با شنیدن این خبر این گونه انسان برداشت می کند که دولت از روی اجبار و اکراه بخشی را به مردم واگذار کرده است و افراد صاحب نظر اقتصادی در جامعه باید مسائل را به دولت بگویند.

لذا باید گفت؛ دولت چوب لای چرخ سرمایه

گذاران سالم بخش خصوصی نگذارد بلکه هر دوطرف باید با هم همکاری کنند تا رونق اقتصادی شکل بگیرد.

ضرورت نظارت دولت بر سلامت مردم

بی شک دولت باید برای حفظ سلامت مردم و تأمین مواد غذایی سالم و سایر نیازمندی ها، برنامه ریزی و مدیریت لازم را اتخاذ نماید.

متأسفانه نظارت های کنونی که بر مواد غذایی وجود دارد، مناسب نبوده و سبب زیاد شدن بسیاری از امراض و بیماری ها شده است؛ دولت باید به جد این مسأله را دنبال کرده و نظارت دقیقی بر مراحل تولید تا فروش مواد غذایی داشته باشد. زیرا مشکل سلامت مواد غذایی بدون نظارت دقیق دولت حل نشدنی است.

از یک سو جامعه ما هزینه های زیادی برای عدم سلامت مواد غذایی می پردازد و این سرچشمه های مختلفی دارد که یکی از این عوامل منفعت طلبی تولیدکنندگان و فروشندگان مواد غذایی است. برخی برای درآمد بیشتر خود، مواد بی خاصیت و مضر هم چون روغن پالم را در مواد غذایی به کار می برند و به هیچ وجه به فکر سلامت مردم نیستند؛ این در حالی است که اسلام اجازه چنین چیزی را نمی دهد و کسی که اسباب بیماری های گوناگون را فراهم می کند، ضامن افراد ضرر دیده خواهد بود.

از سوی دیگر مردم به دنبال مواد غذایی می روند که برای آنها لذت بخش است که این مسأله در بسیاری از مواقع سلامت غذایی را به حاشیه می برد. تقلیدهای کورکورانه، بسیاری از مردم از غذاهایی با عنوان غربی که ارزش غذایی چندانی هم ندارد و ترجیح آن بر مواد خوراکی سالم از جمله آسیب های کلیدی در سلامت مردم است. حال آنکه دولت باید در راستای سلامت جامعه، دلسوزانه مردم را آموزش دهد تا با خوردن غذاهای چرب، پرنمک، سرخ کردنی و امثال این موارد، اسباب بیماری ها، پیری زودرس و مشکلات عدیده

را در خود به وجود نیاورند. هم چنین دولت باید نسبت به کشاورزان، دامداران، تولید کنندگان و فروشندگان مواد غذایی نظارتی دقیق تر داشته باشد. اینگونه است که طرح امنیت و سلامت غذایی از مزرعه تا سفره باید به عنوان یکی از مهم ترین مسائل اجتماعی مورد توجه قرار گیرد.

سخن آخر

در خاتمه باید گفت هیچ کس معصوم نیست و انسان جائز الخطاست؛ بنابراین، دولتمردان با دلایل واهی، خطای خود را توجیه نکنند و لجاجت نورزند. اگر مرتکب خطا و اشتباهی می شوند، آن را پذیرفته و سعی در جبران آن داشته باشند و از تاریخ و داستان های قرآن درس عبرت بگیرند و زمینه رضایت و بخشش خداوند را فراهم کنند.

زیرا مردم از دولتی که اشکالات خود را متوجه احزاب، گروه ها و دیگران کرده و مشکلات را توجیه کند و مسئولیت آن را نپذیرد فاصله می گیرند، لذا نباید معایب و مشکلات را متوجه به دیگران قرار داد، بلکه مسئولان در کنار نقاط قوت باید نقاط ضعف را هم قبول کنند، در غیر این صورت در مردم نارضایتی عمومی ایجاد خواهد شد.

تأکید می کنم دولت محترم نباید از انتقادهای سازنده ناراحت شود؛ چراکه اگر نقد نباشد اشتباهات تکرار خواهد شد. البته انتقاد سازنده تلخ است لیکن باید تلخی آن را تحمل کرد و پذیرفت. زیرا مشکلاتی هست که باید تدریجاً حل شود و مهم این است امیدی که برای مردم پیدا شده چه در مسائل اقتصادی، چه در مسائل خارجی و چه در مسائل فرهنگی و اجتماعی روز به روز شکوفاتر شود.

پرونده ویژه

بازخوانی فاجعه منا و تبیین مدیریت آینده حج از منظر معظم له

فاجعه دردناک منا، حادثه بسیار مهمی است که در تاریخ اسلام سابقه نداشت و واقعا تکان دهنده بود. این حادثه که جهان اسلام را غرق در غزا ساخت، منجر به از دست رفتن و مجروح شدن جمع زیادی از مسلمانان همه کشورها و کشور عزیزمان شد. لذا چشم ها در فراغ خونبار و قلب ها در آتش این مصیبت عظمی سوزان است. ضایعه تأسف برانگیز و ناراحت کننده در سرزمین منا که همه را ناراحت کرد.

فاجعه منا؛ ارمغان سوء مدیریت سعودی ها

در سوء مدیریت سعودی ها در این فاجعه جای تردید نیست بلکه اجماع جهانی هم بر این مسئله صحه می گذارد که این حادثه قابل پیشگیری بود. البته این بی تدبیری ها در سابق نیز وجود داشته است.

لذا اگر دولت سعودی بعد از حادثه منا برخورد مناسبی می کرد، مانند آبی روی آتش مسلمانان بود اما سوءمدیریت و بی تدبیری آل سعود سبب دامن زدن به ابعاد حادثه منا شد. لذا سعودی ها در حادثه منا یا نخواستند و یا نتوانستند آن را مدیریت کنند، حال آنکه عقل و تدبیر و مدیریت صحیح ایجاب می کرد که برای برخورد با چنین حادثه های کم نظیر و یا بی نظیر، فعالیت های متعددی صورت گیرد.

هم چنین باید گفت حج متعلق به تمام امت اسلام است در حالی که سوء مدیریت سعودی ها ضربه بزرگی به قداست حج وارد کرد؛ اینها ضایعاتی است که جبران آن به این آسانی و سادگی نیست.

سوء مدیریت چهارگانه رژیم سعودی در فاجعه منا

در تبیین این مسأله باید به چهار نکته اشاره نمود:

۱. برخورد نامناسب با این حادثه یکی از مصادیق اصلی سوء مدیریت رژیم آل سعود است، در چنین حادثه ای با این وسعت که کم نظیر و یا بی نظیر بوده است، اظهار همدردی با خانواده های داغ دیده ابتدایی ترین کار بود که باید انجام می شد امام صورت نگرفت.

۲. دولت سعودی باید اجازه دهند هیئت تحقیقی علت وقوع این حادثه را بررسی کرده و مقصران و متخلفان را مجازات کنند، اما این اقدام نیز صورت نگرفت.

۳. کار سوم این بود که بگویند خسارات را جبران می کنیم که این مهم نیز تاکنون صورت نگرفت.

۴. اتخاذ تدابیر (هر چند با کمک دیگران باشد) برای جلوگیری از تکرار این ماجراها از دیگر برخوردهایی بود که باید صورت می گرفت اما این مهم نیز اجرا نگردید، بی شک اگر آنها تدبیر می کردند و برخورد درستی با این فاجعه داشتند، این فاجعه این قدر گسترده نمی شد، این واقعا مایه تأسف و تعجب است.

حال با این تفاسیر باید گفت مدیریت و برخورد عاقلانه در این حوادث لازم است و نباید انسان روی دنده لج بیافتد که مسئله بدتر شود. البته بی تدبیری سعودی ها تنها منحصر به سال گذشته نبود و در گذشته نیز به کرات شاهد وقوع رخدادهای تلخی بوده ایم؛ لذا ما تاکید می کنیم که مدیریت سعودی ها به هر دلیلی قادر نیست این کار را انجام دهد.

بنابراین ابراز همدردی، تعیین گروه بررسی، جبران خسارات و در نهایت تدبیر برای آینده، چهار وظیفه برای هر حادثه ای است که متأسفانه آل سعود

چنین نکرد.

قضاو قدر؛ توجیه فضاحت بار آل سعود برای شهدای فاجعه منا

جای بسی تأسف و شرمساری برای رژیم سفاک سعودی است که نه تنها هیچ یک از این اقدامات را انجام ندادند، بلکه گفتند فاجعه منا قضا و قدر الهی بوده است اما ظاهراً معنای قضا و قدر را نفهمیدند.

این ادعای مضحک مثل این است که ما همه مأموران و تدابیر را در جاده ها برداریم و بعد بگوییم کشته های جاده ها، قضا و قدر است. به راستی که این نهایت سوء مدیریت است.

بی تردید اظهارات بعضی از علمای عربستان مبنی بر مرتبط ساختن این قضیه به «قضا و قدر الهی» (که برای فرار از بار مسئولیت ها اظهار شده) خود فاجعه دیگری است چون تعلیمات اسلام را در مسأله «قضا و قدر» زیر سؤال می برد. آیا مثلاً اگر بیماری خطرناکی در میان مسلمین شایع شود نباید برای علاج آن تلاش شود؟ باید بگذاریم هزاران قربانی بگیرد و آن را به قضا و قدر الهی مربوط سازیم؟ در حالی که قضا و قدر در قرآن مجید و سنت پیغمبر اکرم (صل الله علیه و آله و سلم) هرگز چنین معنایی ندارد، بلکه خداوند در حوزه اعمال انسانی ما را به تدبیر و چاره اندیشی صحیح مکلف ساخته است که ترک آن مسئولیت آفرین است.

از همه بد تر اینکه مفتی اعظم سعودی گفته است برخی دلشان می خواست در منا که اجر بالایی دارد، کشته شوند و این بسیار توجیه بدی بود، و یا برخی دیگر از مسئولان عربستان بی نظمی حجاج را علت حادثه ذکر کردند؛ حال اگر این طور است پس شما آنجا چه کاره هستید؟

از همه تعجب برانگیز تر این بود که آل خلیفه به آل سعود تبریک گفت که حج موفق داشتید آیا این نادانی و حماقت

نیست؟ ، مگر این حج موفق است که با بی تدبیری و سوءمدیریت انجام شده است؟.

لزوم تشکیل هیأت حقیقت یاب در فاجعه منا

باید تأکید کرد علل وقوع این فاجعه باید با جدیت دنبال شود، علاوه بر این باید فکری بشود که چنین حوادثی حتی در مقیاس کوچک برای سال های آینده تکرار نشود.

زیرا مردم انتظار دارند علت این فاجعه پیگیری شود، لذا دولت عربستان باید اجازه دهد هیاتی متشکل از این کشور و سایر کشورها، و بعضی مراکز بین المللی هرچه سریع تر تشکیل شود و مقرران این حادثه دردناک مجازات شوند.

هم چنین وقایع نگاری فاجعه منا با ذکر تمام مستندات، اخبار و تصاویر باید به عنوان یک مجموعه کامل هر چه سریع تر تهیه و در دسترس عموم مردم قرار گیرد تا آنها بدانند چه اتفاقاتی رخ داده است، این مسئله کمک می کند فاجعه منا فراموش نشود.

سایه سنگین چالش های سیاسی آل سعود بر سر مقدسات اسلام

شکی نیست که سعودی ها با مقدسات اسلامی بازی سیاسی می کنند در حالی که حج برکنار از بازی های سیاسی است، قرآن می گوید حرم امن خدا منحصر به کسی نیست و همه در آن مساوی هستند، لذا باید حکام جائر سعودی را مورد عتاب قرار داد و گفت مگر حرمین شرفین، کعبه، مکه و مدینه ملک شخصی شما است که این گونه رفتار می کنید؟ این اماکن مقدسه متعلق به عموم مسلمانان است.

ولی سعودی ها حرمین را ملک شخصی خود کرده و انتقام مسائل سیاسی و نظامی شکست خورده خود را در عراق، یمن و سوریه گرفته و ایران را وادار می کردند که با ترک عزت زائران را به حج

اعزام کنند.

به عنوان نمونه امام جمعه مدینه و مکه و مفتیان سعودی به تازگی در خطبه های روز جمعه به قدری بر ضد شیعه تبلیغ کردند که آن ها را نجس و کافر می دانستند و باید در نظر داشته باشیم که حتی اگر با دولت سعودی کنار می آمدیم حاجیان ما که به مسجد الحرام و مسجد النبی می آمدند با جوانان تحریک شده بوسیله مفتیان بی دین مواجه شده و آن ها مردم ما را اذیت می کردند، این کار خطر داشت و شیعه ستیزی عجیبی در عربستان به راه انداخته بودند.

لغو اعزام به حج؛ مصلحت الهی؛ تجلی قدرت و عزت

لازم به ذکر است حج یک مساله مهم است ولی امروز عبادی سیاسی شده است و با کرامت و دین و مذهب ما پیوند خورده که باید تمام جهات را رعایت کنیم.

از سوی دیگر کارشکنی های سعودی ها در امر حج بر هیچ کس پنهان نیست، سعی ما بر این است که مانند هر مسلمان آزاده دیگری مراسم حج را با امنیت کامل و عزت و احترام شایسته انجام دهیم، در حالی که قرائن نشان می دهد سعی عربستان سعودی بر این است که به سبب اختلافات سعودی که با ما دارند تا می توانند از عزت و احترام حجاج ما بکاهند، در حالی که مسائل مربوط به حج را با مسائل سیاسی آمیختن یکی از اشتباهات بزرگ آنهاست و بدیهی است که دولتمردان ما جز به حج توأم با عزت و امنیت تن نخواهند داد.

زیرا نباید در برابر یک عده مزدور آمریکا سر ذلت فرود آوریم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله وسلم نیز راضی به این مساله نیستند.

لذا قصد سعودی ها با توجه به قرائن واضح از اعمالی که انجام می دهند توهین است، با توجه به شرایط موجود دیگر نباید انتظار داشته باشیم که برای

حج پیشنهادی بدهند و اگر بدهند هم آمادگی نیست، زیرا آن چه که از مردم شنیده ایم آن ها نیز مایل نیستند با ذلت به حج بروند. از این رو باید از حج امسال صرف نظر کنیم چرا که ما حجتی عزتمندانه، آبرومندانه و با رعایت شأن حجاج می خواهیم. لذا با این تفاسیر باید گفت لغو اعزام به حج مصلحتی الهی است .

رسالت علمای اسلامی در مدیریت آینده حج

این فاجعه(دور از مسائل سیاسی و روابط مختلف کشورهای اسلامی) برای همه علمای اسلام در هر جا هستند مسئولیت آفرین است و لازم است برای علاج آن چاره ای بیندیشیم، اما متأسفانه هفته ها از وقوع این حادثه تلخ گذشت و عکس العمل چندانی از علمای جهان اسلام مشاهده نشد، این در حالی است که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرماید: «مَنْ لَمْ يَهْتَمْ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ».

بی شک جان یک مسلمان محترم است «وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعاً» تا چه رسد به جان هزاران مسلمان آن هم هنگام ادای فریضه بزرگ حج. آیا نباید برای حل این مشکل و تبعات آن و مسائل مربوط به حال و آینده چاره ای اندیشید؟

به راستی در دنیایی که گاه برای از دست رفتن یک فرد آن همه سر و صدا به راه می اندازند هرگاه علمای اسلام در برابر این همه قربانی(که به اجماع همه مطلعین هزاران نفر بودند) بی تفاوت بماند مردم دنیا چه خواهند گفت؟ آیا استنباط مردم جهان این نخواهد بود که مسلمانان برای جان هم کیشان خود ارزشی قائل نیستند؟.

لذا ما از همه آزادی خواهان جهان به ویژه علمای جهان اسلام و شیعیان منطقه انتظار داریم در برابر اعمال نسنجیده مقامات سعودی، ساکت

ننشینند بلکه فارغ از مسائل سیاسی و با ادبیات واقع بینانه، مناسب و شایسته که ناشی از خیرخواهی باشد باید از علمای اسلام خواسته شود که این مسئله را با جدیت تمام پیگیری نمایند.

برای تحقق این مهم در زمینه مدیریت حرمین شریفین مطالعاتی انجام شده و اساسنامه ای در حال تکمیل و در صدد ارائه به علما و اندیشمندان جهان اسلام هستیم تا ان شاءالله این وضع نابسامان سامان پیدا کند. بدین ترتیب برنامه درست این است که حرمین شریفین زیر نظر جمعی از علمای همه کشورهای اسلامی که مدیر و مدبر باشند اداره شود اداره شود. این برنامه ممکن است تا چندسال به ثمر نرسد ولی بذر آن باید افشانده شود و علمای اسلام اجماع کنند و بر این نیت باشند که حرمین به دلایل ذیل باید از زیر نظر عده ای وهابی متعصب و گاهی تکفیری خارج شود.

۱. از نظر منطق قرآن مدیریت حج باید به همه تعلق داشته باشد چه آنهایی که ساکن هستند و چه آنهایی که از دیگر نقاط و سایر کشورها اعزام می شوند ، لذا بارها گفته و تاکید کرده ام اداره حرمین شریفین نباید بر عهده عربستان سعودی باشد.

۲. وقوع حوادث غم بار و خونین ،دومین دلیل بر ناتوانی سعودی ها در اداره حرمین شریفین به شمار می آید، زیرا تجربه نشان داده آنها به تنهایی نمی توانند این فریضه بزرگ را آن گونه که لازم است اداره کنند، حوادث بسیار دردناک سال گذشته در مسجدالحرام و سپس در منا بهترین گواه آن است.

در حالی که در مراسم راهپیمایی اربعین که چندین برابر جمعیت می روند به دلیل مدیریت خوب، بحمدالله اتفاقی نمی افتد، اما در مراسم حج که از نظر تعداد جمعیت کمتر است، شاهد حوادث دردناکی بودیم.

من بر حسب وظیفه شرعی و انسانی خود

آمدگی خویش را اعلام می دارم تا با دعوت از علمای برجسته جهان اسلام به تبادل نظر در این خصوص بپردازیم و در این راستا پیشنهاد می کنم با برگزاری نشست های کاملاً علمی و فقهی(دور از مسائل سیاسی در قم یا در هر کدام از مراکز کشورهای مختلف اسلامی به آسیب شناسی این مسأله بپردازیم.) به یقین اگر در این امر کوتاهی شود مسوولیت حوادثی که امکان دارد خدایی ناکرده تکرار شود بر عهده همگان خواهد بود.

امیدوارم مفتیان و علمای بزرگ محترم کشورهای اسلامی گام های مؤثری در این راه بردارند و کاری کنند که یوم القیامه در پیشگاه خداوند مسئول نباشیم(فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ) . ،

لزوم مدیریت آینده حج توسط سازمان همکاری اسلامی

متأسفانه اکنون نوعی حالت دل زدگی از حج پیدا شده که باید این حالت را برطرف کنیم تا مطلوبیت حج ضربه نخورد.

مسأله مهم این است که باید مسائل مربوط به حرمین شریفین روزی به طور کامل حل شود و آن در صورتی خواهد بود که گروهی از زبده ترین آگاهان نسبت به مسائل حج از سوی سازمان همکاری اسلامی برای نظارت بر امر حرمین شریفین انتخاب شوند که عربستان سعودی نیز می تواند عضوی از آن باشد.

به یقین این طرح به نفع آنها نیز خواهد بود و هیچ منافاتی با حاکمیت آنها برکشورشان ندارد. قرآن با صراحت تمام می گوید: «همه مسلمین اعم از نزدیکان و دوران در مسجدالحرام برابرند»؛ (سَوَاءُ الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ) . ،

بر فرض هم که عربستان بتواند حج را اداره کند دلیل بر این نیست که حرمین

شریفین ملک آنهاست و توسط سازمان همکاری اسلامی اداره نشود، خوشبختانه تعدادی از کشورها اعلام موافقت با پیشنهاد ما کردند که باید حج به وسیله نمایندگان عموم کشورهای اسلامی اداره شود، متأسفانه وزارت خارجه کشورمان در این زمینه کمی کوتاهی کرد؛ حال آنکه در مسائل سیاسی کسی پیشرفت می کند که اهرم فشار داشته باشد.

بنابراین باید این مساله در جوامع اسلامی مطرح شود که مدیریت حج و حرمین شریفین باید بر عهده مدیران همه جوامع اسلامی باشد تا جلوی این عوارض نا مطلوب را بگیرند.

سخن آخر

در خاتمه باید گفت نباید حادثه منا را رها کرد بلکه به طور حتم این رشته سر دراز دارد و این حادثه در نوع خود استثنا بوده است.

هم چنین باید گفت عربستان لیاقت مدیریت حج و حرمین شریفین را ندارد بلکه این فاجعه عظیم ایجاب می کند که علمای اسلام از یک سو و سیاستمداران از سوی دیگر در اسرع وقت جلساتی تشکیل دهند و برای اداره حرمین شریفین فکری کنند، کسانی که اکنون مسوول هستند عملاً ثابت کردند توانایی این کار را ندارند و امکان تکرار این فاجعه در سالهای دیگر، مراسم حج را بصورت یک عبادت وحشتناک در آورد.

امیدوارم خداوند این ضایعه را که به عالم اسلام وارد شد، جبران بفرماید و نیزخدای متعال ریشه کسانی که با مقدسات اسلامی بازی سیاسی می کنند را قطع بفرماید.

اینجانب به تمام مسلمین جهان و به ویژه خانواده هایی که عزیزان خود را از دست داده اند صمیمانه تسلیت عرض می کنم . امیدوارم روح پاک آنها در جوار رحمت الهی با ارواح شهدای کربلا محشور گردد و خداوند به بازماندگان صبر جمیل و اجر جزیل مرحمت کند و آنها را ذخیره

ضرورت تقویت بنیه دفاعی در آموزه های اسلامی از منظر معظم له

بی شک اگر دنیا از ظالمان توسعه طلب، و تجاوزکاران زورگو خالی می شد هیچ نیروی نظامی برای حفظ مرزهای کشورها مورد نیاز نبود، و تمام مردم دنیا در کشورهای خود، در امن وامان می زیستند و با یکدیگر روابط تجاری و فرهنگی و سیاسی و اجتماعی و اقتصادی سالم داشتند.

لیکن خوی برتری جویی و تجاوزگری که گاه در افراد، و گاه در یک قوم، و ملیت وجود دارد؛ غالباً سبب هجوم فرد یا قومی بر قوم دیگر یا ملتی بر ملت دیگر شده است؛ و در چنین شرایطی همه حق دارند که خود را چنان قوی کنند که در امنیت زندگی داشته باشند؛ چرا که در نظام کنونی دنیا متأسفانه ضعیف پامال است؛ و همین امر «فلسفه تشکیل نیروهای مسلح و قوای دفاعی را روشن می کند».

هم چنین برای قوم و ملتی که حامل فرهنگی هستند؛ و فضای آزادی را می طلبند که فرهنگ خود را در میان مردم جهان تبلیغ کنند؛ به دست آوردن این فضای آزاد بدون تکیه بر قدرت غالباً امکان پذیر نیست، و این فلسفه دیگری برای تشکیل قوای مسلح است.

لذا باید گفت حیات و زندگی بدون «جهاد» امکان پذیر نیست، زیرا یک موجود زنده همیشه در ادامه حیات و زندگی خود با موانعی رو به رو است؛ که هر لحظه حیات او را تهدید می کند؛ و اگر مجهز به نیروهای دفاعی نباشد به سرعت نابود می گردد. جامعه انسانی و کشورهای مختلف نیز از این قانون عمومی مستثنی نیستند؛ و برای ادامه حیات خود نیازمند به نیروی نظامی مجهزی می باشند. از این رو مسلمانان موظف هستند از تمام توان و نیروی خویش استفاده کنند و بنیه نظامی خویش را بالا ببرند.

گفتنی است اسلام در مسائل دفاعی و نوع اسلحه جنگی و نحوه استقلال و تمامیت

ارضی و جلوگیری از نفوذ دشمنان، احکام خاصی ندارد، بلکه باید با در نظر گرفتن اوضاع و احوال موجود، مقررات و احکامی از طرف حکومت اسلامی در نظر گرفته شود و از راهی که به حفظ مقاصد اسلام کمک کند اقدام گردد.

تقویت توانمندی دفاعی؛ منبعث از اصل قرآنی

لازم به ذکر است اسلام در تقویت بنیه دفاعی به وضع یک اصل کلی دست زده و مصداق و نوع سلاح و تاکتیک را معین نمی کند بلکه مسلمانان را به آمادگی کامل خود، برای دفاع از خویش فرا می خواند. لذا در قرآن می خوانیم: «واعدوا لهم ما استطعتم من قوة؛ هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها دشمنان [آماده سازید]».

تقویت بنیه دفاعی در عصر انبیاء الهی

آگاهی داوود علیه السلام از تهیه وسیله دفاعی در دو سوره از قرآن مجید در مورد ابداع زره مناسب که یک وسیله دفاعی مؤثر برای جنگ‌های زمان های پیشین محسوب می شد از سوی داوود علیه السلام پیامبر بزرگ الهی بحث شده است.

در یکجا می فرماید: «و علمناه صنعة لبوس لكم لتخصنكم من بأسکم فهل انتم شاکرون؛ ما ساختن زره را به داوود تعلیم دادیم تا شما را در جنگهایتان حفظ کند، آیا شکرگزاری (این نعمت الهی را) می کنید».

از این آیه به خوبی معلوم می شود ابداع و اختراع این وسیله دفاعی به تعلیم الهی، و در عصر داوود علیه السلام صورت گرفت، در حالی که می دانیم ضرورتی ندارد پیامبر الهی مبتکر و ابداع کننده چنین موضوعی باشد.

هم چنین در فراز دیگر از قرآن کریم می خوانیم: «النا له الحدید/ ان اعمل سابغات و قدر فی السرد و اعملوا صالحا انی بما تعملون بصیر ؛

ما آهن را برای او (داوود علیه السلام) نرم کردیم (و دستور دادیم) زره های کامل و فراخ بساز، و حلقه ها را به اندازه و متناسب کن و عمل صالح بجا آورید که من به آنچه انجام می دهید بینا هستم» .

فرمان الهی دست به ساختن چیز بی سابقه ای زد که علم و آگاهی آن را از سوی خدا یافته بود، و مسأله نرم ساختن آهن را برای او ممکن ساخت، خواه جنبه اعجاز داشته باشد و یا به صورت یک تعلیم الهی.

با استفاده از وسائل و اسباب، و در هر صورت ابتکار این امر (ساختن مقتول های نازک و محکم برای بافتن زره در آن زمان به گونه ای که هم پوشیده آن راحت باشد، و هم مانع تحرک سربازان نشود، و هم در مقابل ضربه تیر و شمشیر و خنجر مقاومت کند، کار مهم و پیچیده ای بود، و اهمیت آن در آن عصر کمتر از ابداع سلاح های مهم دنیای امروز نبود.

این نکته نیز قابل توجه است که وقتی آهن به دست حضرت داوود علیه السلام نرم شد ترجیح داد وسیله دفاعی بسازد نه وسیله تهاجمی همچون شمشیر. به هر حال با این که تهیه این وسیله دفاعی که در جنگ های آن زمان مهم و سرنوشت ساز بود چیزی نیست که اگر پیامبر از آن آگاه نباشد در دعوت مذهبی او خللی به وجود آید، ولی خداوند این صنعت را به او تعلیم داد و در میان بشر باقی ماند.

- تقویت بنیه دفاعی در سیره نبوی (صلی الله علیه و اله و سلم)

سیره عملی پیامبر صلی الله علیه و اله و پیشوایان بزرگ اسلام نشان می دهد که آنها برای مقابله با دشمن از هیچ فرصتی غفلت نمی کردند، در تهیه سلاح و نفرات، تقویت روحیه سربازان، انتخاب محل اردوگاه، و انتخاب زمان مناسب برای حمله به دشمن و به کار بستن هرگونه تاکتیک جنگی، هیچ مطلب کوچک و بزرگی را از نظر دور نمی داشتند. بلکه مسلمانان خود را با سلاح روز و علوم روز مجهز می کردند، معروف است که در ایام جنگ «حنین» به پیامبر صلی الله علیه و اله خبر دادند که سلاح تازه مؤثری در «یمن» اختراع شده است، پیامبر صلی الله علیه و اله فوراً کسانی را به یمن فرستاد تا آن سلاح را برای ارتش اسلام تهیه کنند.

تقویت بنیه دفاعی در مکتب علوی

در بیان امام علی علیه السلام جهاد به «زره محکم» و «سپر مطمئن» تشبیه شده است

که هر دو، از وسائل دفاعی در جنگ است. همان گونه که در نبردهای قدیم، کسانی که زره در تن و سپر در دست نداشتند از ضربات دشمن در امان نبودند، قوم و ملتی که جهاد را ترک کند در برابر ضربات دشمن بسیار ناتوان و آسیب پذیر خواهد بود.

لذا آن حضرت فرمود؛ «زره را کامل کنید!» (و اُکمَلوا للأمة)، منظور از «کامل کردن زره» این است که آن را به وسیله «خود» (کلاه آهنینی که بر سر می گذاشتند و مانند زره جنبه دفاعی داشت) و «ساعد بند» (ورقه آهنی که به صورت نیم دایره درآمده و به ساعد می بستند تا دست را در برابر ضربات تیر و نیزه و شمشیر حفظ کند) کامل کنند.

در فرازی دیگر از آن حضرت می خوانیم؛ «و شمشیرها را قبل از کشیدن از نیام، تکان دهید! (تا به آسانی از نیام درآید) (و قلقلو السیوف فی اغماده قبل سلها)، این نکته، هر چند ظاهراً کوچک به نظر می رسد، اما در واقع دستور مهمی است! چرا که، گاه ماندن شمشیر در غلاف برای مدت طولانی، سبب می شود که گوشه هایی از آن گیر کند و در لحظات حساس که لازم است فوراً بیرون کشیده شود، یا خارج نشود و یا با تأخیر خارج شود و در هر صورت ممکن است خطرات غیر قابل جبرانی به وجود آورد.

هم چنین لزوم هوشیاری و تقویت بنیه دفاعی را می توان در کلام نورانی آن حضرت جستجو نمود که فرمود؛ «وان أخوا الحرب الأرق، ومن نام لم ینم عنه ؛آنکه مرد جنگ است همیشه بیدار است و کسی که به خواب رود (و از دشمن غافل شود باید بداند)دشمن او در خواب نخواهد بود و از او غافل نخواهد شد»

اهمیت این دستور در عصر و زمان ما از هر عصر و زمانی بیشتر است، زیرا دشمن تهاجم را در جهات مختلف شروع کرده است؛ نه تنها در جهات نظامی، بلکه در جهات فرهنگی از طریق شبهه افکنی و ایجاد تزلزل در مبانی اعتقادی و از طریق نشر فساد و ایجاد آلودگی های اخلاقی با تمام قدرت به میدان وارد شده حتی عوامل زیادی را در داخل مسلمانان با هزینه های سنگین انتخاب کرده است. لذا باید بدانیم که در برابر لحظه ای غفلت از این برنامه های تخریبی هزینه های گزافی باید پرداخت.

اینگونه است که در وصیت نامه امام علیه السلام وقتی علوم را به سه گونه تقسیم می کنند، فنون دفاعی را به عنوان علمی مد نظر قرار می دهند که برای زندگی مادی انسان ها لازم است و اگر این علم نباشد زندگی مادی انسان به طور معقول اداره نخواهد شد، نهایتاً مشکلات معنوی فراوانی به دنبال خواهد داشت. به همین دلیل تحصیل این علم به مانند دیگر علوم در اسلام برای همگان واجب کفایی است؛ یعنی هر گروهی لازم است به دنبال تحقق آن برود تا بخشی از نیازهای مادی جامعه اسلامی تأمین گردد حال اگر در این رشته به اندازه کافی متصدیانی وجود نداشته باشد، وجوب عینی پیدا می کند.

تقویت بنیه دفاعی حتی در حال نماز

در قرآن مجید در مورد جنگجویان آمده است که حتی به هنگام نماز در کنار میدان جنگ دستور می دهد هوشیاری خود را با همراه داشتن اسلحه در حال نماز حفظ کنند؛ «وَأَلْبِأْخَذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ وَذَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً ؛ آنها باید وسایل دفاعی و سلاح هایشان را (در حال نماز با خود) بگیرند؛ (زیرا) کافران آرزو دارند که شما از سلاح ها و وسایل خود غافل شوید تا یکباره به شما هجوم آورند».

لذا در هر صورت از همراه داشتن وسایل محافظتی و ایمنی (مانند زره و خود و امثال آن) غفلت نکنید و حتی در حال عذر، حتماً آنها را با خود داشته باشید که اگر احیاناً دشمن حمله کند بتوانید تا رسیدن کمک، خود را حفظ کنید (و لبأخذوا حذرکم). ، ...اینها همه نشان می دهد که مسلمانان در هر زمان و مکان و در هر شرایطی که باشند هوشیاری خود را در مقابل دشمن حفظ کنند

تقویت بنیه دفاعی نیازمند بودجه و اعتبارات مالی

باید اذعان نمود تقویت بنیه دفاعی اسلام و بالا بردن توان نظامی ارتش اسلام و به کارگیری پیشرفته ترین سلاح های نظامی، اقتصادی، تبلیغاتی، اخلاقی، اجتماعی و مانند آن، هزینه زیادی خواهد داشت، که مسلمانان باید آن را تأمین کنند؛ ولی از آنجا که این

هزینه ها در راه خدا مصرف می شود، خداوند متعال آن را بطور کامل به انفاق کنندگان باز خواهد گرداند و اینگونه افراد بدون شک در این معامله ضرر نخواهند کرد. لذا تهیه نیرو و قوه کافی و ابزار و اسلحه جنگی، و وسایل مختلف دفاعی، نیاز به سرمایه مالی دارد، از این رو خداوند در قرآن کریم به مسلمانان دستور می دهد که باید با همکاری عمومی این سرمایه را فراهم سازید، و بدانید هر چه در این راه (در راه تقویت بنیه دفاعی و نظامی مسلمانان در برابر دشمن) بدهید در راه خدا داده اید و هرگز گم نخواهد شد: « وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ؛ و آنچه در راه خدا انفاق کنید به شما پس داده خواهد شد» ، و تمام آن و بیشتر از آن به شما می رسد: «وَأَنْتُمْ لَا تظَلْمُونَ؛ و هیچ گونه ستمی بر شما وارد نمی گردد».

این پاداش، هم در زندگی این جهان از طریق پیروزی اسلام و شوکت و عظمت آن به مردم می رسد، زیرا یک ملت ضعیف و مغلوب، سرمایه های مالی او نیز به خطر خواهد افتاد و امنیت و آرامش و استقلال خویش را نیز از دست خواهد داد، بنا براین ثروت هایی که در این راه صرف می شود از طریق دیگر و در سطحی بالاتر عائد انفاق کنندگان خواهد شد. بدین ترتیب همچنان که اسلحه های مختلف برای دفاع وجود دارد، لیکن فقدان آن موجب هلاکت ما است.

لزوم تقویت بنیه دفاعی حتی در زمان صلح

اگر چه اسلام دعوت به صلح می کند و به دعوت صلح دشمن پاسخ مثبت می دهد، ولی به مسلمانان هشدار می دهد که مواظب مکر و فریب دشمن باشند و حتی به هنگام صلح هم توان نظامی و قدرت دفاعی را در حد بالایی حفظ کنند، تا اگر دشمن مکر و حيله کرد، مسلمانان غافلگیر نشوند؛ مثل این که دشمن در موقعیت ضعیفی قرار گرفته و برای تجدید قوای نظامی خویش و سازماندهی جدید آن ها، پیشنهاد صلح دروغین می کند و مدتی مسلمانان را سرگرم گفت گوهای صلح می نماید تا پس از آمادگی مجدد ضربه ای بر مسلمانان وارد سازد؛ در اینجا اگر مسلمانان توان نظامی خویش را، حتی به هنگام صلح حفظ کنند، غافلگیر



نخواهند شد و توطئه دشمن را دفع می کنند.

از آیه شریفه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ...» ، به روشنی استفاده می شود؛ که مسلمانان حتی در حال صلح باید آمادگی و قدرت نظامی خود را حفظ کنند؛ و اگر روز به روز فنون جنگی پیشرفته تر شود؛ آنها هم به طور مداوم آموزش های نظامی را هماهنگ با آن ببینند، و همچنین سلاح های پیشرفته را به هر قیمتی که هست در اختیار بگیرند؛ و با توجه به اینکه «قوه» (نیرو) تمام نیروهای معنوی و مادی انسانی و غیر انسانی را شامل می شود، همه اینها را آماده سازند.

هم چنین در فراز دیگر از قرآن کریم می خوانیم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانفِرُوا كَمَا كُنْتُمْ» ای کسانی که ایمان آورده اید! آمادگی خود را در برابر دشمن حفظ کنید و در گروه های متعدد یا به صورت دسته واحد (طبق شرایط موجود)، به سوی دشمن حرکت نمایید».

با توجه به اینکه «حذر» (بر وزن خضر) به معنای بیداری و هوشیاری و آماده باش در برابر خطر است، و گاه به معنی وسیله ای است که با کمک آن با خطر مبارزه می شود؛ لزوم آماده باش دائمی مسلمین در مقابل دشمن، به خوبی روشن می گردد.

جمله «فَانْفِرُوا ثُبَاتٍ أَوْ أَنْفِرُوا جَمِيعًا» با توجه به معنی نفر (کوچ کردن) نشان می دهد که مسلمانان نباید بنشینند تا دشمن بر آنها هجوم برد؛ بلکه باید به استقبال دشمن بروند و پیش از تهاجم بر او هجوم برند و از روش های مختلف برای این امر استفاده نمایند، گاه به صورت گروه های پراکنده، جنگ پارتیزانی بر ضد او به راه بیندازند، و گاه به صورت ارتش منظم و یکپارچه حمله را آغاز نمایند، و در هر جا مطابق مقتضای زمان و مکان عمل کنند.

ایجاد رعب و وحشت در میان دشمنان در گرو تقویت بنیه دفاعی

لزوم ترسانیدن دشمن از جمله مهمترین مولفه ها در تقویت بنیه دفاعی است؛ یعنی مسلمانان از نظر امکانات نظامی و دفاعی در سطحی از آمادگی باشند که ابهت و هیبت لشکر اسلام در دل دشمن ایجاد رعب و

وحشت کند، به گونه ای که حتی فکر حمله به کشور اسلامی را از سر بیرون کند.

بدون شک اسلام برای جلوگیری از جنگ، که ضایعات روحی، روانی، جانی و مالی فراوانی به همراه دارد، به مسلمانان سفارش می کند که آنچنان قوی و نیرومند باشند تا دشمن خیال حمله به آنها را هم نداشته باشد، و در عین حال عزت و آبرو و اعتبار آنان حفظ شود. لذا قرآن صریحاً ، مسیرها را مشخص ساخته است و بر مبنای آیه «أَشِدَّاءَ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءَ بَيْنَهُمْ» در برابر دشمنان بی رحم، باید روشی شدید اتخاذ کرد و در برابر دوستان باید نرمش نشان داد.

اسلام نمی گوید جنگ کنید بلکه می گوید آنچنان قوی باشید تا دیگر کشورها جرات حمله به شما را نداشته باشند، از این رو قرآن این آمادگی را مقید به نیروی خاصی نمی داند و می فرماید هر نیرویی که می توانید فراهم کنید تا بتوانید دشمن را بترسانید، زیرا جنگ حتی با پیروزی نیز دارای ضایعاتی است پس باید کاری کرد که دشمن هرگز به خود اجازه جنگ و حمله به کشور را ندهد، در این صورت ما هم پیروز خواهیم بود و هم هزینه ای نمی پردازیم.

بنابراین تدارک قوا و تقویت نیروها بطور عام، و آماده ساختن مرکب جنگی آن عصر را بطور خاص (به عنوان یک مصداق) به منظور پیشگیری از وقوع جنگ و ارباب و ترساندن دشمنان به شدت توصیه می شود و این منطقی ترین هدف برای تقویت بنیه نظامی است.

سخن آخر

در خاتمه باید گفت از نظر اسلام تجهیزات نظامی و آمادگی جنگی و دفاعی در حد اعلا برای ایجاد جنگ و خونریزی و ویرانی و خسارت به طرف مقابل نیست، بلکه برای پیشگیری از جنگ است. حال آیا هیچ عاقلی در جهان، هر چند پایبند به هیچ دین و مذهبی نباشد، این کار را تقبیح نموده و زشت می شمرد؟ در حالی که طبق آیه شریفه ۶۰ سوره انفال مسلمانان باید تمام توان و امکانات خود را بکار گرفته تا از هر جهت در آمادگی کامل باشند. اما نه برای جنگ و خونریزی، بلکه برای اینکه فکر جنگ و کشتار را از سر دشمنان بیرون کنند.

قرآن به ما می آموزد که ابزار و آلات جنگی، آمادگی رزمی، سیاسی، اجتماعی، نظامی، همه و همه، برای جلوگیری از جنگ است، نه اقدام به جنگ و درگیری.

با این تفاسیر نظام اسلامی در سایه عمل به این آیه شریفه فکر حمله را از سر دشمنان خود بیرون کرده است. و آمادگی نیروهای دفاعی ما در بسیج و سپاه و ارتش و نیروی انتظامی و نیروهای مردمی، اجازه چنین جسارتی به آنها نداده و نخواهد داد.

نتیجه اینکه جهاد از منظر اسلام به عنوان نیروی بازدارنده دشمن از نبرد و خونریزی و در حقیقت سیستم دفاعی قوی و مستحکمی است که باعث جلوگیری از درگیری های نظامی و خشونت دشمن می گردد.

نباید فراموش نمود که انقلاب اسلامی ایران باید مستحکم باقی بماند ، باید بهترین سلاح را برای دفاع از خود فراهم کنیم لیکن از آنجا که هر نیروی دفاعی در عالم هستی یا باید از درون ذات چیزی بجوشد و یا از ناحیه خدا داده شود. ، لذا برترین سلاح ما سلاح ایمان و توکل به خداوند است. ایمان سلاحی است که به واسطه آن نیروی های ما از شهادت ترسی نخواهند داشت بلکه به آن افتخار می کنند در صورتی که دشمنان ما از این سلاح محروم اند.

از این رو همانگونه که قرآن می فرماید چنان آماده باشید که دشمن بترسد، پس باید با آمادگی در دشمن ایجاد رعب و وحشت کرد، یعنی خود انسان و روحیه و نفراش آماده باشند، در این صورت دشمن عقب نشینی خواهد کرد. درست است که دشمن پیچیدگی هایی مثل همه اقتصادی و تهدیدهای نظامی ایجاد کرده است، اما ما ترسی به دل راه نمی دهیم چون وعده خداوند عملی خواهد شد و این موج همه دشمن هم با رسوایی او می گذرد و ایران اسلامی همچنان سربلند و جاویدان تا ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) خواهد بود.

بارالها! دشمنان متشکل و متحدند، و به انواع سلاح های شیطانی مسلح هستند، ما پیروزی بر دشمنان برونی و شیطان درونی را از تو می طلبیم. آمین یا رب العالمین.

چکیده: هر چه از عمر قیام عاشورا می گذرد بر هیبت و عظمت آن افزوده شده و یاد و خاطره شهدای این قیام در قلب ها سرزنده تر می شود. این قیام سرمشقی شده است برای آزادمردانی که از بذل جان در راه احیای ارزش های الهی دریغ نمی کنند، و در مقابل طغیان ظالمان و گردنکشان سدی محکم و استوارند. همین امر سبب شده تا ظالمان و کوردلان عالم - به خیال خود - ریشه ها و واقعیات این قیام بی نظیر را نشانه گرفته و هر ساله با تکرار شبهاتی که دیگر نخ نما شده اند آن را تضعیف کنند. اما با این حال هر ساله عزاداری امام حسین(علیه السلام) با شور و قوت مضاعفی برپا می شود. کلمات کلیدی: عطش، آب، امام حسین(علیه السلام)، ذبح، اصحاب، فرات

مقدمه

هر چه از عمر قیام عاشورا می گذرد بر هیبت و عظمت آن افزوده شده و یاد و خاطره شهدای این قیام در قلب ها سرزنده تر می شود. این قیام سرمشقی شده است برای آزادمردانی که از بذل جان در راه احیای ارزش های الهی دریغ نمی کنند، و در مقابل طغیان ظالمان و گردنکشان سدی محکم و استوارند. همین امر سبب شده تا ظالمان و کوردلان عالم - به خیال خود - ریشه ها و واقعیات این قیام بی نظیر را نشانه گرفته و هر ساله با تکرار شبهاتی که دیگر نخ نما شده اند آن را تضعیف کنند. هر چند دشمنان در قالب کتاب و مقاله، و شبکه های ماهواره ای و فضای سایبری، اندیشه قیام ناب سرور و سالار شهیدان را نشانه گرفته اند و هر روز شبهاتی القا می کنند، اما با این حال هر ساله عزاداری امام حسین(علیه السلام) با شور و قوت مضاعفی برپا می شود.

در این نوشته بر آن شده ایم تا با پرداختن به «مسئله عطش در کربلا»، شبهاتی که در این زمینه بیان شده است را مورد نقد و بررسی قرار دهیم.

تحریم آب، رسمی جاهلی در جنگ ها

برخی مساله تحریم آب - را که نمایانگر نهایت خبثت دشمن است - بعید می پندارند. ما ابتدا به ذکر مصادیق دیگری از تحریم آب (در دوران صدر اسلام) پرداخته و سپس به بررسی شبهات، پیرامون مساله عطش در کربلا می پردازیم. بستن آب در جنگ ها، پیشینه ای در فرهنگ عرب جاهلی دارد و بعنوان یک ترفند نظامی برای شکست دشمن از آن استفاده می کرده اند، همان گونه که وقتی مشرکین در جنگ بدر زودتر از سپاه اسلام به منطقه بدر رسیدند و بر چاه های بدر مسلط شده و آب را بر روی مسلمین بستند تا عرصه را بر ایشان سخت کنند.(۱)

در جنگ خیبر نیز شخصی از یهودیان به نزد پیامبر(صلی الله علیه وآله) آمد و در قالب پیشنهادی گفت: «اگر مجاری آب قلعه را ببندید، آنها را وادار به تسلیم می کنید.» اما ایشان با بستن آب بر دشمن موافقت نکردند.(۲) پیشنهاد شخص یهودی حکایت از این مطلب دارد که در آن زمان این شیوه در جنگ ها مرسوم بوده اما مورد تایید و پذیرش پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) نبوده است.

با فراگیر شدن آئین اسلام، اعراب تازه مسلمان روز به روز از فرهنگ و آداب و رسوم جاهلی فاصله گرفته و با فرهنگ اسلامی آشنا می شدند. در تعالیم اسلام حرکات ناجوانمردانه، و خیانت حتی با دشمن محکوم بوده و کسی حق نداشت در مقابله با دشمن از هر روشی استفاده کند.

پس از رحلت نبی مکرم اسلام(صلی الله علیه وآله) و انحراف در مساله جاننشینی آن حضرت، شکافی در فرهنگ اسلامی

پدیدار شد که راه نفوذ فرهنگ منسوخ جاهلی را باز کرد؛ تا جاییکه فساد آن دامنگیر غاصبان و عاملان خلافت شد.

وقتی ظلم و بی عدالتی خلیفه سوم، عثمان بن عفان بیداد می کرد؛ مخالفانش او را در منزلش محاصره کردند. در این میان سران مخالفین از جمله طلحه، بر آن شدند تا از رسیدن آب به عثمان جلوگیری کنند.(۳) تحریم آب بر عثمان تا حدی به طول انجامید که او از شخصی به نام «حجاج»،(۴) «خالد بن عاص»(۵)، «امیرالمومنین(علیه السلام)»(۶) و «همسران پیامبر(صلی الله علیه وآله)»(۷) درخواست امداد کرد. در این هنگام فقط «امیرالمومنین(علیه السلام) و ام حبیبیه» بود که برای رساندن آب به عثمان تلاش کردند.(۸) بنا بر آنچه نقل شده - و طبق سیره پیامبر(صلی الله علیه وآله) که بستن آب را حتی بر دشمنان روا نمی دانست - امام علی(علیه السلام) تحصن کنندگان را مورد شماتت قرار داده و حتی طلحه را توبیخ نمود. سرانجام با تلاش امام(علیه السلام) و با وساطت امام حسن(علیه السلام) تحریم آب شکست.

سید مرتضی روایت می کند که امیر المومنین(علیه السلام) فرمود: «صحیح نیست که خانواده عثمان به جرم او در حال تشنگی هلاک شوند».(۹) قاضی ابوحنیفه(۱۰) و ابن کثیر(۱۱) امیر المومنین(علیه السلام) را تنها کسی می دانند که در راه رساندن آب به منزل عثمان تلاش نمود. ابن ابی الحدید نیز تلاش حضرت(علیه السلام) را اینگونه بیان می کند: «وَ اللَّهُ لَقَدْ نَصَرَ عُثْمَانَ لَوْ كَانَ الْمُحْصُورُ جَعْفَرَ بْنِ أَبِي طَالِبٍ لَمْ يَبْدُلْ لَهُ إِلَّا مِثْلَهُ»؛ (به خدا قسم، او عثمان را به حدی یاری کرد که اگر جعفر بن ابیطالب محاصره شده بود، همین گونه به او کمک می کرد).(۱۲)

بطور قطع، تلاش امیر المومنین(علیه السلام) به منظور حمایت از شخص عثمان نبوده بلکه طبق روایتی که از

سید مرتضی نقل شد، امام(علیه السلام) در پی رفع ظلم از خانواده عثمان بوده و علاوه بر آن، - با توجه به سخنان ایشان در شماتت و توبیخ تحریم کنندگان آب، - نفس این عمل از سوی حضرت(علیه السلام) محکوم شده و مورد تایید نیست. چرا که مخالفت صریح با سیره و روش پیامبر گرامی اسلام(صلی الله علیه وآله) دارد.

با مطالعه تاریخ جنگ صفین نیز به خوبی می توان این اندیشه را بررسی کرد. هنگامی که دشمنان بر چاه های آب مسلط می شوند مانع آب شده، اما در صحنه نبرد که ورق بر می گردد و سپاهیان امیر المومنین(علیه السلام) به چاه ها دست می یابند، ایشان علی رغم رفتار نا جوانمردانه و جاهلانه سپاهیان معاویه، آب را برای آنها مباح و گوارا می داند.

آری سیره پیامبر اسلام(صلی الله علیه وآله) و امیر المومنین(علیه السلام) مطابق با تعالیم و معارف اسلامی است، و روش کسانی که دم از اسلام می زند اما بویی از آن به مشام جانشان نرسیده است، مطابق با فرهنگ منسوخ جاهلیت و منش خیبرنشینان و هلاک شدگان بدر است.

امام حسین(علیه السلام) نیز در مسیر کربلا هنگامی که با لشگریان تشنه حرّ بن ریاحی مواجه می شود، بر طبق سیره جدّ و پدر بزرگوارش آنها را سیراب می کند. حتی به فرمان ایشان، مرکب و اسب هایشان نیز سیراب می شوند. تاریخ طبری این حرکت جوانمردانه امام(ع) را اینگونه نقل می کند: «... فقام فتیه و سقوا القوم من الماء حتی أرووهم، و اقبلوا يملأون القصاص و الأتوار و الطساس من الماء و يدنونها من الفرس...»؛ (گروهی از جوانان بر خاستند و سیرابشان کردند آنها کاسه ها، طاسها و ظروف را پر از آب کرد و به اسبها می دادند).(۱۳)

قطعی بودن عطش در کربلا

هر چند مساله عطش در کربلا از مسلمات می باشد و شهید مطهری نیز در کتاب حماسه حسینی مساله تشنگی امام حسین(علیه السلام) و یارانش را از مسلمات واقعه کربلا می شمرد. اما دشمنان و شبهه افکنان سعی دارند تا در این مورد شک و شبهه ایجاد کرده و حقیقت طلبان را دچار تردید کنند. هر چند شبهات مطرح شده در مورد مساله عطش در کربلا قابل نقد و پاسخی کوبنده است. اما از شبهات که بگذریم، قرائن تاریخی و دلایل فراوانی می باشد که حقیقت را بازگو می کند و آن چیزی جز وجود عطش شدید در کربلا نیست.

قرائنی بر عطش در کربلا

با بررسی و توجه به چند نکته می توان به حقیقت پی برد:

۱. توجه به نامه ها و مکاتبات بین لشگریان دشمن.
۲. توجه به محاورات و گفتگو های بین دو لشگر.
۳. توجه به حالات شهدای کربلا و آنچه در موردشان از زبان مورخین نقل شده است.
۴. توجه به فرهنگ عزاداری اهل بیت(علیهم السلام) و پیروانشان.

نامه و مکاتبات بین لشگریان دشمن

از میان نامه ها و مکاتباتی که بین لشگریان دشمن ردّ و بدل شده و در آن از مساله عطش و بستن آب به میان آمده است، می توان به پیام ابن زیاد به حرّ بن یزید ریاحی اشاره کرد. در این پیام آمده است که ابن زیاد، حرّ را موظف می کند تا کاروان حسینی را به سرزمینی بی آب و علف هدایت کند تا آنها را از لحاظ آذوقه و آب در مضیقه قرار داده باشد.

هرچند امام حسین(علیه السلام) از او خواست تا اجازه دهد تا کاروان در غاضریه و - در شمال شرق کربلا که دارای آب و آبادانی بود - و یا نینوا فرود آیند،(۱۴) اما حرّ طبق ماموریتی که از سوی ابن

زیاد دریافت کرده بود؛ نپذیرفت. قسمتی از متن این نامه عبارتست از: «اما بعد فجعجع بحسین، حیث یبلغک کتابی، و یقدم علیک رسولی، و لا تنزله الا فی العراء فی غیر حصین و علی غیر ماء: کار را بر حسین تنگ بگیر، هنگامی که نامه من به تو رسید و فرستاده ام بر تو وارد شد، فرود نیآور آنها را مگر در بیابان بی آب و آبادی».(۱۵)

علاوه بر این مورد، می توان به نامه ابن زیاد به عمر سعد اشاره کرد که مطابق آن عمر سعد ماموریت یافت تا آب را بر روی کاروان حسینی ببندد. طبری نقل کرده که: پس از اینکه پیام ابن زیاد به عمر سعد رسید، او عمرو بن حجاج را با پانصد نفر، مامور و محافظ شریعه کرد و آنها نیز تا سه روز بین کاروان حسینی و آب فاصله انداختند تا اینکه امام حسین(علیه السلام) و یارانشان به شهادت رسیدند. «بعث عمر بن سعد عمرو بن الحجاج علی خمس مائة فارس فنزلوا علی الشریعه و حالوا بینه و بین الماء ثلاثة ایام الی ان قتل».(۱۶)

ماموریت عمرو بن حجاج از سوی عمر سعد خود شاهد دیگری بر مساله عطش در کربلا است. طبق نقل ابن شهر آشوب، امام حسین(علیه السلام) چاهی را در نزدیکی خیمه ها حفر کردند که پس از اینکه دشمن از آن آگاه شد و خبر به ابن زیاد رسید، او عمر سعد را مورد خطاب قرار داد و به او گفت: «فقد بلغنی ان الحسین یشرب الماء هو و اولاده و قد حفرو الآبار و نصبوا الاعلام فأنظر اذا ورد علیک کتابی هذا فامنعمهم من حفر الآبار ما استطعت و ضیق علیهم و لا تدعهم یشربوا من ماء الفرات قطرة واحدة»؛ (به من خبر رسیده است که حسین چاه حفر کرده و آبی مهیا کرده است. از لحظه ای که این نامه به تو رسید تا می توانی آنان را از حفر چاه منع کن و بر آنان سخت بگیر. حتی نگذار قطره ای از آب فرات بنوشند).(۱۷)

گفتگوها و محاورات بین دو لشگر

علاوه بر آنچه در بین لشگریان دشمن می گذشته، با دقت در گفتگوها و محاورات بین دو لشگر نیز در می یابیم که یکی از مسائلی که در کربلا از مسلمات بوده، مساله عطش و تشنگی می باشد.

از سوی سپاه امام حسین(علیه السلام) و شخص ایشان گفتگوهایی مبنی بر درخواست آب، با سپاه مقابل انجام شده که از باب اتمام حجت بوده است. هر چند برخی از بزرگان آنرا جزء تحریفات دانسته اند. از سوی دشمن نیز سخنان زیادی مطرح شده تا سبب شود آرامش روانی لشگریان مقابل را بهم بریزد و به یک موج روانی دامن بزند تا امام حسین(علیه السلام) را وادار به تسلیم کند. به همین منظور حتی عمر سعد علاوه بر اینکه عمرو بن حجاج زبیدی را نگهبان آب کرد، (۱۸) شخصی را نیز مامور نمود تا فریاد زده و بر مساله منع آب تاکید کند. (۱۹) علاوه بر این مورد، می توان به زخم زبان عبدالله بن ابی حصین الازدی و تمیم بن حصین، یا زخم زبان شمر به امام حسین(علیه السلام) اشاره کرد.

در مورد عبدالله بن ابی حصین الازدی، نقل شده است که امام حسین(علیه السلام) را خطاب کرد و فریاد زد: «ای حسین آیا این آب را می بینی که مانند قلب آسمان صاف است تو یک قطره از آن را نخواهی چشید تا آنکه از تشنگی بمیری». (۲۰) امام حسین(علیه السلام) گفت: «خدایا او را از تشنگی بکش و هرگز او را نبخش». از حمید بن مسلم نقل شده است که: «به خدا بعدها هنگامی که بیمار بود عیادتش کردم به خدایی که جز او خدایی نیست دیدمش آب می خورد تا شکمش پر می شد و قی می کرد، آنگاه باز آب می خورد تا شکمش پر می شد و قی می کرد اما سیراب نمی شد و چنین بود تا جان داد» (۲۱)

علامه مجلسی هم در ضمن گزارشاتش به ریشخند یکی از لشگریان عمر سعد به نام

تمیم بن حصین خزاری اشاره کرده که گفت: «ای حسین و ای یاران حسین! آیا به آب فرات نمی نگرید که چگونه همانند شکم مار می درخشید، به خدا سوگند از آن قطره ای نخواهید آشامید تا آنکه مرگ را دریابید!» (۲۲) در ادامه، علامه مجلسی به ریشخند شمر اشاره کرده که پس از آن امام(علیه السلام) او را نفرین کرد. (۲۳) اینها همه حاکی از این است که دشمن از بستن آب به عنوان یک حربه استفاده کرده است.

از یاران امام حسین(علیه السلام) نیز عده ای درباره بستن آب سخن گفته اند. در مورد حُرّ (۲۴) و بُزیر بن حضیر همدانی نیز نقل شده است که در حمایت از ابا عبدالله الحسین(علیه السلام) در خطاب به لشگریان دشمن گفتند: «او (امام حسین(علیه السلام)) را با زنان و کودکان و اصحابش از آب فرات که یهودی و مجوسی و نصرانی از آن می نوشند، و خوک ها و سگ های روستا در آن می غلطند منع داشته اید. تا جایکه، از تشنگی از پا درآمده اند». (۲۵)

یزید بن الحصین نیز که از یاران امام حسین(علیه السلام) است، به نیروهای عمر بن سعد گفت: «ای مردم، این آب فرات است. سگها و خوکها از آن می خورند و شما مانع شده اید تا فرزند پیامبر از آن بنوشد. آیا این انسانیت است؟ گفتند: سوگند به خدا، حسین باید تشنه بمیرد.» (۲۶)

موتید دیگری که می توان بیان کرد گفتگوی نافع بن هلال با عمرو بن حجاج است. لحظه ای که آب در خیمه ها کمیاب شد؛ امام(علیه السلام) حضرت عباس(علیه السلام) را به همراه نافع و عده ای دیگر، مامور فراهم کردن آب کرد. هنگامی که به نزدیکی نهر رسیدند، عمرو بن حجاج پرسید، کیستی؟ هلال بن نافع که در پیشاپیش پیادگان حرکت می کرد گفت: من هلال بن نافعم. عمرو گفت: می توانی از آب بنوشی. ولی

ما ماموریم نگذاریم حسین به آب دست یابد. هلال گفت: «وای بر تو! چگونه من آب بنوشم وقتی که حسین و یارانش تشنه اند». (۲۷) و پس از این جنگ و درگیری میانشان رخ داد.

سیره و بیان اهل بیت(علیهم السلام)

دیگر از شواهدی که یقین انسان را در مساله عطش در کربلا مضاعف می کند، اشاره ای است که در سخنان و رفتار اهل بیت(علیه السلام) نسبت به حادثه کربلا دیده می شود. نه تنها اهل بیت(علیه السلام) در سخنانشان به این مساله اشاره کرده اند که جبرئیل نیز در در ضمن نقل حادثه عاشورا برای برخی از انبیای الهی آن را بازگو کرده است. نقل شده است که جبرئیل پس از ترک اولای حضرت آدم(علیه السلام) و توبه ایشان به مساله عطش اشاره کرده است. او به حضرت آدم(علیه السلام) می فرماید: «یقتل عطشاناً غریباً وحیداً فریداً ، لیس له ناصر و لا معین و لو ترأه یا آدم و هو یقول و اعطشاه و اقله ناصره حتی یحول العطش بینة و بین السماء کالدخان فلم یجبه احد الا بالنیوف و شرب الخثوف»؛ (کشته می شود در حالتی که تشنه باشد و بی کس باشد و تنها و فرید باشد و او را ناصر و معینی نباشد. ای آدم، اگر او را بینی در حالتی که می گوید: (وا عطشاه، و اقله ناصره) تا گاهی که از تشنگی چشمش چنان تاریک می شود که آسمان را نتواند دید و هیچ کس او را جواب نگوید الا با زبان شمشیر و شراب مرگ).

در جایی دیگر نیز، جبرئیل برای پیامبر اسلام(صلی الله علیه وآله) حادثه کربلا را نقل می کند و به مساله عطش نیز اشاره می کند.

در بیان رسول اکرم(صلی الله علیه وآله)

قبل از همه، شخص پیامبر اسلام(صلی الله علیه وآله) از این مطلب سخن گفته است؛ که بازتاب آنرا می توان در سخنان امام حسین(علیه السلام) در شب عاشورا

مشاهده کرد. در کتاب «الدمعة الساکبة» به نقل از کتاب «نور العین» آمده که از حضرت سکینه(علیها السلام) نقل شده است در دل شب دیدم پدرم در محفلی که اصحابش گرد او نشسته بودند فرمود: «قَدْ قَالَ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): وَلَدِي حُسَيْنٌ يُقْتَلُ بِطَفِّ كَرْبَلَاءَ غَرِيباً وَحِيداً عَطْشَاناً فَرِيداً»؛ (جدّم پیامبر خدا(صلی الله علیه وآله) فرموده است: فرزندم حسین(علیه السلام) در کربلا غریب و تنها و تشنه شهید خواهد شد). گویا نبی مکرم اسلام(صلی الله علیه وآله) از عالم غیب بر این مساله واقف بوده و آن را برای امام حسین(علیه السلام) بازگو کرده است.

از پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) روایت شده است که به دخترش فاطمه(علیها السلام) فرمود: «أَتَانِي جَبْرَائِيلُ فَبَشَّرَنِي بِفَرَحَيْنِ يَكُونَانِ لَكَ ثُمَّ عَزَيْتُ بِأَحَدِهِمَا وَ عَرَفْتُ أَنَّهُ يُقْتَلُ غَرِيباً عَطْشَاناً ، فَبَكَتُ فَاطِمَةُ حَتَّى عَلَا بُكَاءُهَا ، ثُمَّ قَالَتْ : يَا إِبْنَهُ لِمَ يُقْتَلُوهَ وَ أَنْتَ جَدُّهُ وَ أَبُوهُ عَلِيٌّ وَ أَنَا أُمُّهُ ؟ ! قَالَ(صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) (يَا بَنِيَّةُ لَطَلَبِيهِمُ الْمَلِكُ أَمَا إِنَّهُ سَيَظْهَرُ عَلَيْهِمْ سَيْفٌ لَا يَغْمِدُ إِلَّا عَلَى يَدِ الْمَهْدِيِّ مِنْ وُلْدِكَ» جبرئیل بر من وارد شد و من را به دو فرزند که از تو متولد می شوند بشارت داد، سپس تعزیت گفته شدم به یکی از آنها و دانستم که او تشنه و غریب کشته می شود. پس فاطمه چنان گریه کرد که صدایش بلند شد، سپس گفت: ای پدر چرا او را می کشند در حالی که تو جدش و علی پدرش و من مادرش هستم؟! پیامبر فرمود: دخترم آنها حکومت می خواهند. اما بزودی شمشیری علیه آنان بیرون می آید که غلاف نمی شود مگر به دست مهدی که از فرزندان توست». (۲۸)

از ابن عباس نیز نقل شده است که در مدینه کم آبی سبب شد تا مردم با تشنگی شدیدی رو برو شوند. تا جایکه حضرت فاطمه(علیها السلام) امام حسن و حسین(علیهم السلام) را به نزد پیامبر(صلی الله علیه وآله) آورد و فرمود:

پدر جان حسن و حسین(علیهم السلام) تحمل عطش را ندارند. پیامبر(صلی الله علیه وآله) با گذاشتن زبان مبارک در دهانشان رفع عطش کرد. سپس پیامبر(صلی الله علیه وآله) آنان را بر زانو نشانند ... در این هنگام جبرئیل حاضر شد و گفت: «إِنَّ هَذَا وَلَدَكَ الْحَسَنَ يَمُوتُ مَسْمُوماً مَظْلُوماً ، وَ هَذَا وَلَدَكَ الْحُسَيْنُ يَمُوتُ عَطْشَاناً مَذْبُوحاً»؛ (این فرزندان حسن(علیه السلام) مسموم و مظلومانه از دنیا می رود و این فرزندان حسین(علیه السلام) در حالی دنیا را وداع می گوید که تشنه و سر بریده است». (۲۹)

در بیان امیر المومنین(علیه السلام)

گفته شده است که در نبرد صفین، چون ابو ایوب اعور سلمی آب را بر مردم بست، صدای مردم به العطش بلند شد. سپس امام(علیه السلام) عده ای از اسب سواران را فرستاد تا آب را باز کنند ولی موفق نشدند. تا اینکه امام حسین(علیه السلام) با اذن پدر گرامیش رفت تا آب تهیه کند. هنگامی که خبر موفقیت امام حسین(علیه السلام) به امیر المومنین(علیه السلام) رسید، آن حضرت گریست. چون علت گریستن حضرت را جویا شدند، ایشان فرمودند: «ذَكَرْتُ أَنَّهُ سَيُقْتَلُ عَطْشَاناً بِطَفِّ كَرْبَلَا، حَتَّى يَنْفَرَّ فَرَسُهُ وَ يُحْمَجِمَ»؛ (به یاد آوردم که (فرزندم) حسین(علیه السلام) در سرزمین کربلا عطشان کشته خواهد شد در حالی که اسبش می گریزد و صیحه می زند). (۳۰)

در بیان امام حسین(علیه السلام)

ابو حمزه ثمالی در روایتی از امام سجّاد(علیه السلام)، ماجرای وفاداری یاران و خاندان امام حسین(علیه السلام) را در شب عاشورا بازگو می کند. پس از اینکه امام(علیه السلام) خبر شهادت همه یارانش را داد، قاسم از شهادت عبدالله شیرخوار سوال می کند. امام(علیه السلام) در این هنگام می فرماید: «فَدَاكَ عَمَّكَ يُقْتَلُ عَبْدُ اللَّهِ إِذْ جَفَّتْ رُوحِي عَطْشاً وَ صِرْتُ إِلَى خِيَمِنَا فَطَلَبْتُ مَاءً وَ لَبِنًا

فَلَا أَجِدُ قَطُّ»؛ (عمویت به فدای تو باد! عبدالله هنگامی کشته خواهد شد که من از تشنگی زیاد بی تابم و در خیمه ها دنبال آب یا شیر می گردم ولی چیزی نمی یابم). (۳۱) در روز عاشورا نیز هنگامی که علی اصغر(علیه السلام) را بر دستان گرفت، فریاد زد: «یا قوم، قَتَلْتُمْ شَيْعَتِي وَ أَهْلَ بَيْتِي وَ قَدْ بَقِيَ هَذَا الطِّفْلُ يَتَلَطَّى عَطْشاً فَاسْقُوهُ شَرْبَةً مِنَ الْمَاءِ»؛ (ای قوم! شیعیان و اهل بیتم را کشتید و فقط این طفل باقی مانده که از عطش بخود می پیچد، او را با جرعه ای آب سیراب کنید). (۳۲)

در بیان امام سجّاد(علیه السلام)

امام سجّاد(علیه السلام) که خود شاهد صحنه هولناک کربلا بود، در موارد زیادی به مساله عطش اشاره کرده است. پس از حادثه کربلا، در بیان چگونگی دفن پیکر شهدای کربلا نقل شده است که امام سجّاد(علیه السلام) نیز؛ هنگامی که بدن مطهر امام حسین(علیه السلام) را دفن کرد، با انگشت خویش بر روی قبر چنین نوشت: «هَذَا قَبْرُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ الَّذِي قَتَلُوهُ عَطْشَاناً غَرِيباً»؛ (این قبر حسین بن علی(علیه السلام) است که او را با لب تشنه و غریب کشتند». (۳۳)

همچنین، هنگامی که اهل بیت(علیه السلام) از اسارت به مدینه برگشتند امام سجّاد(علیه السلام) فرمود «يقول: لقد ذبح أبو عبد الله غريباً عطشاناً». (۳۴)

در بیان امام باقر(علیه السلام)

در سخنی که راوی آن را از امام باقر(علیه السلام) نقل می کند نیز به مساله عطش اشاره شده است: «عن محمد بن مسلم، عن أبي جعفر(علیه السلام) قال: إِنَّ الْحُسَيْنَ صَاحِبَ كَرْبَلَاءَ قَتِلَ مَظْلُوماً مَكْرُوباً عَطْشَاناً لَهْفَاناً وَ حَقَّ عَلَى اللَّهِ - عَزَّ وَجَلَّ - أَنْ لَا يَأْتِيَهُ لَهْفَانٌ وَلَا مَكْرُوبٌ وَلَا مُذْنَبٌ وَلَا مَعْمُومٌ وَلَا عَطْشَانٌ وَلَا ذُو عَاهَةِ ثُمَّ دَعَا عِنْدَهُ وَ تَقَرَّبَ بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى اللَّهِ - عَزَّ وَجَلَّ - إِلَّا نَفَسَ اللَّهُ كَرْبَتَهُ وَأَعْطَاهُ مَسْأَلَتَهُ وَ عَفَّرَ ذَنْبَهُ وَ مَدَّ فِي عَمْرِهِ وَبَسَطَ

فی رِزْقِهِ. فَأَعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ» (۳۵)؛ حضرت امام محمد باقر(علیه السلام) می فرمایند: امام حسین(علیه السلام) همان که در کربلا است در حالی که مظلوم و اندوهگین و تشنه و غصه دار بود، شهید شد. و (کسی) غصه دار و اندوهگین و گناهکار و تشنه و بیماری به زیارت آن حضرت نیاید و دعا نکند و به واسطه ی آن حضرت به خدا تقرب نجوید، مگر اینکه بر خداست که حزن و اندوه او را برطرف ساخته و نیازش را برآورده سازد و گنااهش را بیامرزد و عمرش را طولانی کند و رزق و روزی اش را وسعت دهد؛ پس ای بصیرتمندان عبرت بگیرید).

در بیان امام صادق(علیه السلام)

امام صادق(علیه السلام) نیز مساله عطش را از زبان امام سجاد(علیه السلام) نقل کرده و می فرماید: «إِنَّ زَيْنَ الْعَابِدِينَ بَكَى عَلَى أَبِيهِ أَرْبَعِينَ سَنَةً، صَائِمًا نَهَارَهُ، قَائِمًا لَيْلَهُ، فَاذَا حَضَرَ الْإِفْطَارُ جَاءَ غَلَامُهُ بِطَعَامِهِ وَ شَرَابِهِ فَيَضَعُهُ بَيْنَ يَدَيْهِ فَيَقُولُ: كُلْ يَا مَوْلَايَ، فَيَقُولُ(علیه السلام): قَتَلَ ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ(صلى الله عليه وآله) جَائِعًا ، قَتَلَ ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ(صلى الله عليه وآله) عَطْشَانًا، فَلَا يَزَالُ يَكَرِّرُ ذَلِكَ وَ يَبْكِي حَتَّى يَبْلُ طَعَامُهُ بِدُمُوعِهِ ، وَ يَمْرُجُ شَرَابَهُ بِدُمُوعِهِ فَلَمْ يَزَلْ كَذَلِكَ حَتَّى لِحِقَ بِاللَّهِ عَزَّوَجَلَّ»؛ (امام) زین العابدین (علیه السلام) چهل سال برای پدر بزرگوارش گریه کرد، در حالی که روزش، روزه دار بود و شبش، شب زنده داری می کرد. هنگامی که وقت افطار می شد غلامش غذا و نوشیدنی برای او می آورد و جلویش می گذاشت و می گفت: بخور، ایشان می فرمود: فرزند رسول خدا(علیه السلام) گرسنه و تشنه شهید شد. این جمله را تکرار می کرد و گریه سر می داد تا اینکه غذایش با اشک چشمش مخلوط می شد. او همواره اینطور بود، تا این که به جوار رحمت حق شتافت). (۳۶)

در جای دیگر نیز امام(علیه السلام) در سخنش به شخصی به نام کرام بن

عمرو به مساله عطش اشاره کرده اند: «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ(علیه السلام) لِكِرَامٍ إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَقْبِرَ الْحُسَيْنِ(علیه السلام) فَرُزَّهُ وَ أَنْتَ كَثِيبٌ حَزِينٌ شَعِثٌ مُغْبِرٌ فَإِنَّ الْحُسَيْنِ(علیه السلام) قَتَلَ وَ هُوَ كَثِيبٌ حَزِينٌ شَعِثٌ مُغْبِرٌ جَائِعٌ عَطْشَانٌ»(۳۷) و با اسناد حدیث قبل از سعد بن عبد الله، از موسی بن عمر، از صالح بن سندی جمال از کسی که ذکرش نموده از کرام بن عمرو، وی گفت: حضرت ابو عبد الله(علیه السلام) فرمودند: ای کرام! هر گاه اراده نمودی قبر حضرت حسین بن علی(علیه السلام) را زیارت کنی پس آن حضرت را با حالی غمگین و ناراحت و، ژولیده و گرفته زیارت نما، زیرا او کشته شد در حالی که غمگین و ناراحت و ژولیده و گرفته و گرسنه و تشنه بودند». همچنین در سخنی دیگر از آن حضرت(علیه السلام) نقل شده است که: «مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ فِي كِرَامَةِ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ فِي شَفَاعَةِ مُحَمَّدٍ ص فَلْيَكُنْ لِلْحُسَيْنِ زَائِرًا يَبْتَالُ مِنَ اللَّهِ الْفَضْلَ وَ الْكِرَامَةَ (أَفْضَلُ الْكِرَامَةِ) وَ حُسْنَ التَّوَابِ وَ لَا يَسْأَلُهُ عَنْ ذَنْبِ عَمَلِهِ فِي حَيَاةِ الدُّنْيَا وَ لَوْ كَانَتْ ذُنُوبُهُ عَدَدَ رَمْلِ عَالِجٍ وَ جِبَالِ تِهَامَةَ وَ زَبَدِ الْبَحْرِ إِنَّ الْحُسَيْنِ ع قَتَلَ مَظْلُومًا مُضْطَهَدًا نَفْسَهُ عَطْشَانًا هُوَ وَ أَهْلُ بَيْتِهِ وَ أَصْحَابُهُ»(۳۸)؛ (کسی که اراده کرده در کرامت الهی در روز قیامت قرار گیرد و در شفاعت محمد(صلى الله عليه وآله) جای داشته باشد، پس زیارت کننده ابا عبد الله الحسين(علیه السلام) باشد، با فضیلت ترین کرامتها و بهترین ثوابها از طرف خداوند به او هدیه می شود و در زندگی دنیا، از گناه کردار او سوال نمی شود! اگر چه عدد گناهان او به تعداد ریگهای انبوه و کوههای مکه و کفهای دریا باشد. بدرستی که حسین بن علی(علیه السلام) مظلوم کشته شد، و ستم شده بر او در حالی که او و خانواده اش تشنه بودند».

در بیان امام رضا(علیه السلام)

امام رضا(علیه السلام) نیز با اشکهایی که بر قصیده «مدارس آیات» دعبل، از

چشمان مبارک روان کرده؛ مهر تاییدی بر مساله عطش زده است. این هنگامی بود که دعبل در حضور امام رضا(علیه السلام) ابیاتی را زمزمه کرد، که بیت زیر در این میان بود:

أَفَاطِمٌ لَوْ خِلَتْ الْحُسَيْنَ مُجَدَّلًا
وَ قَدْ مَاتَ عَطْشَانًا بِسَطِّ فُرَاتِ(۳۹)

«ای فاطمه! کاش با حسینت در کربلا بودی، که در کنار نهر فرات تشنه جان داد». در بیان امام زمان(علیه السلام)

امام زمان(علیه السلام) نیز با قلبی که مملو از غم و اندوه است، با ندای: «فَمَنْعُوكَ الْمَاءَ وَ وُرُودَهُ»؛ (پس آب و ورود بر آن را از تو منع کردند)(۴۰) در عزای جدش به سوگ نشسته است.

در بیان حضرت زینب(علیها السلام)

حضرت زینب(سلام الله علیها) نیز - هنگامی که اسراء را از کنار قتلگاه عبور می دادند - این چنین فریاد و ناله سر داد: «بِأَبِي مَنْ نَفْسِي لَهُ الْفِدَاءُ، بِأَبِي الْمَهْمُومِ حَتَّى قَضَى، بِأَبِي الْعَطْشَانَ حَتَّى مَضَى، بِأَبِي مَنْ شَيْبَتُهُ تَقَطَّرُ بِالْدمَاءِ»؛ (پدرم فدای آن کس که جانم فدای او باد. پدرم فدای آن کس که با دل پرغصه جان سپرد، پدرم فدای آن کس که با لب تشنه شهید شد، پدرم فدای آن کس که از محاسنش خون می چکد). (۴۱)

در بیان حضرت عباس(علیه السلام)

هنگامی که عباس بن علی(علیه السلام) از امام حسین(علیه السلام) اجازه میدان خواست، امام(علیه السلام) به ایشان فرمود: «إِذَا عَدَوْتَ إِلَى الْجِهَادِ فَاطْلُبْ لَهُؤْلَاءِ الْأَطْفَالَ قَلِيلًا مِنَ الْمَاءِ»، (هم اینک که قصد رفتن به میدان داری، برای این کودکان آبی مهیا کن). عباس(علیه السلام) که صدای ناله و العطش طفلان و کودکان حرم به گوشش رسید، بی درنگ مشک را برداشت و سوار بر اسب شد و در ضمن درگیری با سربازان دشمن خود را به شریعه رساند. «هنگامی که خواست مقداری آب بیاشامد تشنگی

امام حسین(علیه السلام) و اهل بیتش را به خاطر آورد، آب را روی آب ریخت، مشکش را پر کرد: فَلَمَّا أَرَادَ أَنْ يَشْرَبَ عُرْفَةُ مِنَ الْمَاءِ ذَكَرَ عَطْشَ الْحُسَيْنِ وَأَهْلِ بَيْتِهِ فَرَضَ الْمَاءَ وَمَلَأَ الْفِرْيَةَ» آنگاه مشک را بر دوش راست خود انداخت و به سوی خیمه رهسپار شد ... (۴۲).

در بیان حضرت علی اکبر(علیه السلام)

حضرت علی اکبر(علیه السلام) در حالی که رجزهای حماسی می خواند به سپاه اموی حمله کرد. چون بسیاری از آنان را به هلاکت رساند، تشنگی بر آن حضرت چیره شد. نزد پدر آمد و عرض کرد: «يَا أَبَه! الْأَعْطَشُ قَدْ قَتَلَنِي، وَ ثَقُلَ الْحَدِيدُ أَجْهَدَنِي، فَهَلْ إِلَيَّ شَرْبَةٌ مِنْ مَاءِ سَبِيلِ اتَّقَوِي بِهَا عَلَى الْأَعْدَاءِ»(۴۳)؛ (پدر جان! تشنگی مرا از پای درآورد و سنگینی سلاح ناتوانم ساخت. آیا جرعه آبی هست که بتوانم بنوشم و به جنگ ادامه دهم!؟).

آمده است که امام(علیه السلام) با شنیدن این سخن ام کلثوم در مورد تشنگی علی اصغر(علیه السلام) طفلش را گرفت و به سوی دشمن روانه شد و فرمود: «يَا قَوْمِ قَدْ قَتَلْتُمْ أَخِي وَ أَوْلَادِي وَ أَنْصَارِي وَ مَا بَقِيَ غَيْرَ هَذَا الطُّفْلِ، وَ هُوَ يَتَلَطَّى عَطْشًا مِنْ غَيْرِ ذَنْبٍ آتَاهُ إِلَيْكُمْ، فَاسْقُوهُ شَرْبَةً مِنَ الْمَاءِ»؛ (ای مردم! شما برادر و فرزندان و یارانم را کشتید و کسی جز این طفل که بی هیچ گناهی از تشنگی می سوزد، نمانده است، او را با جرعه آبی سیراب کنید). (۴۴)

تلاش برای رفع عطش در کربلا

برخی گفته اند که اگر در کربلا آب را بر کاروان حسینی بسته بودند؛ چرا امام حسین(علیه السلام) و یارانش اقدامی برای تهیه آب نکردند، مگر اطفال و زنان؛ همراه کاروان نبودند؟ چرا پس از منع آب، چاهی حفر نکردند تا آب مورد نیازشان را تامین کنند؟ مگر کربلا سرزمینی جلگه ای نیست که بتوان با حفر چند متر به آب رسید؟ یا اینکه، چرا ذخیره آبی خود را

تنظیم نکردند تا با بی آبی مواجه نشوند؟ چرا برای نظافت و غسل، و شستشوی لباس هایشان در شب و صبح عاشورا آب را هدر دادند؟ مگر نمی دانستند عطش در پیش است؟ یا چرا به سمت نهر آب حمله نکردند تا آب تهیه کنند، مگر تمام شریعه توسط دشمنان محاصره شده بود؟ تردیدی نیست که امام و یارانشان برای رفع تشنگی کاروان حسینی از هیچ تلاشی دریغ نکردند.

کندن چاه

اما اینکه برخی می گویند: «چرا امام حسین(علیه السلام) و یارانش پس از تحریم آب، چاهی حفر نکردند تا آب مورد نیازشان را تامین کنند؟ مگر سرزمین کربلا یک سرزمین جلگه ای نیست؟ مگر در چنین سرزمینی با حفر چند متر نمی توان به آب رسید؟! بخصوص اینکه این سرزمین در نزدیک نهری پر از آب بوده است. پس اگر تلاش می کردند با کمبود آب مواجه نمی شدند».

هر چند بنا بر آنچه از ابن اعثم و ابن شهر آشوب نقل شده است، امام حسین(علیه السلام) به سمت خیمه زنان رفت و در جهت قبله نوزده قدم برداشت. سپس شروع به کندن زمین کرد. چشمه ای ظاهر شد که آبی گوارا داشت. امام(علیه السلام)، یاران و اصحاب را امر کرد تا از این آب بنوشند و مشک ها را پر کنند. (۴۵)

ولی آن گونه که از ظاهر امر پیدا است، این امر بیشتر به معجزه و امتحانی شبیه است که هدف از آن تقویت باور یاران بوده است.

زیرا قبل از اینکه سخن از کندن چاه و رسیدن به آب باشد؛ سخن از جوشش چشمه ای از دل زمین است، آن هم با آبی گوارا! در همین نقل آمده است که پس از نوشیدن آب و پر کردن مشک ها این چشمه خشکیده و پنهان شد. (۴۶)

و شاید آنچه در مورد شب عاشورا نقل

شده مربوط به همین چشمه آب بوده است که، امام حسین(علیه السلام) رو به یاران کرد و فرمود:

«قَوْمُوا فَاشْرَبُوا مِنَ الْمَاءِ يَكُنْ آخِرَ زَادِكُمْ، وَ تَوْضَاؤًا وَ اغْتَسِلُوا وَ اغْسِلُوا ثِيَابَكُمْ لِتَكُونَ أَكْفَانِكُمْ» (۴۷) برخیزید و آب بنوشید که این آخرین توشه شماست و وضو گرفته و غسل کنید و لباسهای خود را بشوید تا کفن های شما باشد». با دقت در سخن امام حسین(علیه السلام) در می یابید که ایشان، یاران را به آب قابل نوشیدن امر کرده که با «الف و لام عهد» مورد اشاره امام(علیه السلام) واقع شده است(فاشربوا من الماء). و در دنباله همین عبارت، می فرماید:(یکن آخر زادکم) یعنی آبی که برای نوشیدن است آخرین جرعه های آن را بنوشید. و پس از این، امر شده که غسل کرده و لباس هایتان را بشوید.

اما این شبهه که کربلا سرزمینی جلگه ای می باشد و با حفر چند متر به آب می رسد نادرست است. چرا که با توجه به علم زمین شناسی همه جلگه ها سرسبز و آبخیز نیستند. بلکه برخی از جلگه ها آب و هوایی گرم و خشک دارند که به آنها دشت می گویند. (۴۸) امروزه جلگه ها و دشت های جنوب و جنوب باختری ایران در نواحی خوزستان از این قسم می باشند. ولی با وجود داشتن آب و هوایی گرم و خشک، به علت عبور رودخانه های پر آب و دائمی؛ از امکانات زیستی، کشاورزی و اقتصادی نسبتا مساعدی برخوردارند. (۴۹) بنابراین، جلگه ای بودن یک سرزمین با داشتن آب و هوایی گرم و خشک منافاتی ندارد. کربلا نیز از این قسم سرزمین ها است.

علاوه بر این، یکی از نام های سرزمین کربلا، طف می باشد. امام حسین(علیه السلام) در سخنی می فرماید: «قال جدی رسول الله: ولدی حسین یقتل بطف کربلا غریبا وحیدا عطشانا...»(۵۰) همچنین در احادیث دیگری(۵۱) سرزمین کربلا با نام طف خوانده شده است.

در کتب لغت در تبیین معنای واژه طَفّ عباراتی آمده است مثل: «الشاطيء: کناره یا ساحل»(۵۲)«الْمَكَانُ الْمُرْتَفِعُ : مکان بلند»(۵۳)، «طَفَّفْتُ بفلانٍ موضعَ كذا، أی رفَعْتُهُ إِلَیْه»؛ (... یعنی ترفیع دادم فلانی را به فلان مقام)(۵۴) . پس طَفّ می تواند به معنای کناره، ساحل یا مکان مرتفع باشد. اگر به سرزمین کربلا هم «طَفّ» گفته می شود، بخاطر اینست که از یک سو در کنار شریعه واقع شده و از سوی دیگر تمام سطح آن یا مواضعی از آن مرتفع می باشد، چنانکه از عبارت تاج العروس فی من جواهر القاموس این معنا به ذهن می رسد. «طَفُّ الْفِرَاتِ : ما ارْتَفَعَ منه من الْجَانِبِ»(۵۵)

پس در صورتی که وجه تسمیّه کربلا به طَفّ بخاطر ارتفاع آن از سطح آب باشد، ممکن نیست با کندن چند متر به آب رسید. علاوه بر این، خیام اهل بیت(علیهم السلام) نیز در مکانی بوده که از سطح قتلگاه مرتفع تر است. و در صورتی که وجه تسمیّه کربلا به طَفّ بخاطر ساحلی بودن آن باشد، نزدیک بودن نهر علقمه که انشعاب کوچکی از فرات است تاثیر چندانی بر این وضعیّت ندارد.

نتیجه اینکه، بر فرض کندن چاه رسیدن به آب قطعی و آسان نبوده است. چنانکه یاران امام حسین(علیه السلام) خندقی را پشت خیمه ها کنده و داخل آن را پر از هیزم کردند، تا در صورت حمله دشمن - خندق و آتش آن، - مانع دشمن شود. (۵۶) اما کسی نقل نکرده که با حفر این خندق آبی جاری شده باشد. اگر زمین کربلا، جلگه ای و آبخیز بوده است - آنطور که اشکال کنندگان توصیف می کنند - باید آب، گودی خندق را فرا می گرفت و دیگر امکان جمع هیزم و آتش افروختن نبود.

با این حال، بنا بر فرض اینکه: آنها چاهی حفر کردند و به آب هم دست یافتند، آیا آبی که تهیه کرده بودند قابل شرب بوده است؟ با توجّه به اینکه در چند

کیلومتری کربلا دریاچه نمکی عظیم قرار گرفته است، بعید است آب آن چاه قابل شرب باشد. «بحیره الملح»، که در نزدیکی کربلاست سبب شده تا منابع آبی آن منطقه را شور کند و نوشیدن آب شور مفید نیست و منفعتی جز تشنگی مضاعف ندارد. لذا، اگر یاران امام حسین(علیه السلام) از طریق چاه به آب دستیافتند - به دلیل شور یا تلخ بودن، گل آلود بودن و یا هر دلیل دیگری - فقط برای مصارفی غیر از آشامیدن از آن بهره می گرفتند.

در نتیجه یکی از راه هایی که امام(علیه السلام) و یارانش برای تهیّه آب انتخاب کرده و تلاش کردند، کندن چاه بود اما این تنها انتخاب نبود. این راه هم از سوی دشمن مورد منع واقع شد و یا شرایط آن فراهم نشد.

آب آوردن از نهر

یکی از راه های دیگری که امام(علیه السلام) و یارانش برای تهیّه آب مورد نیاز انتخاب کردند، رفتن به شریعه و پر کردن مشک ها بود. پس از تحریم آب، یک مرتبه حضرت علی اکبر(علیه السلام) با تعدادی از اصحاب به سمت شریعه حرکت کردند و آب آوردند.(۵۷) یک بار دیگر هم، حضرت ابالفضل(علیه السلام) با نافع بن هلال که سی سوار و بیست پیاده همراه ایشان بود به سمت شریعه رفتند آنها در پی نبردی با لشگریان عمرو بن حجاج توانستند بیست مشک را پر از آب کرده به نزد امام حسین(علیه السلام) باز گردند.(۵۸)

طبری این ماجرا را اینگونه نقل می کند: چون یاران نافع نزدیک رسیدند به پیادگان گفت: «مشکها را پر کنید.» پیادگان هجوم بردند و مشکها را پر کردند. عمرو بن حجاج و یارانش پیش دویدند. عباس بن علی بن ابی طالب و نافع بن هلال به آنها حمله بردند و پسرشان زدند که به جای خویش بازگشتند، آنگاه گفتند: «برویم.» اما راهشان را گرفتند. عمرو بن

حجاج سوی آنها آمد و درگیری اندکی شد، یکی از یاران عمرو بن حجاج، که از طایفه صداء بود، زخم خورد، نافع بن هلال زخمش زده بود، می‌پنداشت چیزی نیست اما پس از آن بدتر شد و از همان زخم بمرد. گوید: یاران حسین با مشکها بیامدند و آب را پیش وی بردند: «فلما دنا منه اصحابه قال لرجاله: املئوا قریکم، فشد الرجاله فملئوا قریههم، و ثار الیهم عمرو بن الحجاج و اصحابه، فحمل علیهم العباس بن علی و نافع بن هلال فکفوهم، ثم انصرفوا الی رحالهم، فقالوا: امضوا، و وقفوا دونهم، فعطف سنه ۶۱ علیهم عمرو بن الحجاج و اصحابه و اطرדوا قلیلا ثم ان رجلا من صداء طعن من اصحاب عمرو بن الحجاج، طعنه نافع بن هلال، فظن انها لیست بشیء، ثم انها انتقضت بعد ذلک، فمات منها، و جاء اصحاب حسین بالقرب فادخلوها علیه».(۵۹)

دعا و امداد الهی

شاید این سوال پیش آید که چرا امام حسین(علیه السلام) با توجّه به امامتشان از کرامتی برای تهیّه آب استفاده نکردند؟ پاسخ آن اینست که پیشوایان دینی مجاز نیستند که در همه جا از معجزه و کرامت بهره گیرند، مگر در مواردی خاصّ مثل مواردی که پیامبران الهی(علیهم السلام) برای اثبات حقانیت دین و نبوّت خویش به معجزه تمسّک می جسته اند. علاوه بر این، این امور به اراده الهی تحقّق می یابد و پیشوایان الهی(علیهم السلام) اختیاری در آن ندارند.

در آیه ۱۰۹ سوره انعام خداوند به پیامبر(صلی الله علیه وآله) می گوید: «قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ» بگو: معجزات فقط به اراده خداست (و در اختیار من نیست). با این وجود روشن می شود که چرا امام حسین(علیه السلام) از راه معجزه به دنبال تهیه آب نبودند.

باید توجّه داشت که: در کربلا با شهادت امام حسین(علیه السلام) و یارانشان، امت اسلامی بیدار می شدند. اتفاقا

مساله عطش خود در جهت نشان دادن چهره خبیث دشمنان و بیداری مردم نقش زیادی دارد که راه مبارزه با ظلم را هموارتر می کند. دغدغه شهدای کربلا نیز با توجّه به اینکه امام حسین(علیه السلام) جایگاه بهشتیشان را برایشان نمایان کرده بود، چیزی جز مبارزه با ظلم نبود. چرا که امام حسین(علیه السلام) به آنها وعده شهادت داده بود و برایشان تفاوتی نداشت که لب تشنه به مقام شهادت برسند یا سیراب.

نتیجه

آری، مساله عطش در کربلا و تحریم آب واقعیّتی تلخ است که پرده از چهره منحوس دشمنان اهل بیت(علیهم السلام) برداشته است. امام حسین(علیه السلام) و یارانش، در برخورد با این مساله از هیچ کوششی فروگذار نکردند، اما در نهایت با لب تشنه به شهادت رسیدند. با این حال عطش برای ما مساله ایست غم انگیز، اما برای شهدای کربلا مساله مهمّ در آن زمان، مبارزه با ظلم و ستم بوده است که با لب عطشان هم محقّق می شد.

بُد تشنه عدالت و آزادی بشر آن العطش که از دل پر سوز می کشید(۶۰)

پی نوشت:

(۱) . تفسیر الصافی، فیض کاشانی ملا محسن، تحقیق: حسین علمّی، ج ۲، ص ۲۷۴. (سوره الأنفال(۸): آیه ۱۴]

(۲) . ناسخ التواریخ زندگانی پیامبر، محمد تقی لسان الملک سپهر، ج ۳، ص ۱۲۰۰، تعبیه زهر در غذای رسول خدای]

(۳) . الإمامة و السیاسة المعروف بتاریخ الخلفاء، أبو محمد عبد الله بن مسلم ابن قتیبه الدینوری، تحقیق علی شیری، ج ۱، ص ۵۷، مخاطبه عثمان من أعلى القصر طلحة و أهل الكوفة و غیرهم ؛ الجمل و النصره لسید العتره فی حرب البصره، شیخ مفید، ص ۱۴۱، فصل فی أسباب الخروج علی عثمان ؛ تاریخ الأمم و الملوک (تاریخ طبری)، أبو جعفر محمد بن جریر الطبری، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم ، ج ۴، ص ۳۸۵، ذکر الخبر عن قتل عثمان رضی الله عنه؛ کتاب جمل من انساب الأشراف، أحمد بن یحیی بن جابر البلاذری، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، ج ۳، ص ۱۷۶، خروج الحسین بن علی(علیهما السلام) من مکه إلى الكوفه . (۱۵) . کتاب جمل من انساب الأشراف، أحمد بن یحیی بن جابر البلاذری، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، ج ۳، ص ۱۷۶، خروج الحسین بن علی(علیهما السلام) من مکه إلى الكوفه . (۱۶) . تاریخ الأمم و الملوک (تاریخ طبری)، أبو جعفر محمد بن جریر الطبری، تحقیق محمد أبو الفضل

من سار إلى حصر عثمان .

(۴) . الإمامة و السیاسة المعروف بتاریخ الخلفاء، أبو محمد عبد الله بن مسلم ابن قتیبه الدینوری، تحقیق علی شیری، ج ۱، ص ۱۰۳، نعی عثمان بن عفان إلى معاویة .

(۵) . تاریخ الأمم و الملوک (تاریخ طبری)، أبو جعفر محمد بن جریر الطبری، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم ، ج ۴، ص ۳۸۵، ذکر الخبر عن قتل عثمان رضی الله عنه .

(۶) . تاریخ الأمم و الملوک (تاریخ طبری)، أبو جعفر محمد بن جریر الطبری، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم ، ج ۴، ص ۳۸۵، ذکر الخبر عن قتل عثمان رضی الله عنه ؛ تاریخ المدینه المنوره ، أبو زید عمر بن شبه النمیری البصری، ج ۴، ص ۱۲۰۲ کتاب جمل من انساب الأشراف، أحمد بن یحیی بن جابر البلاذری، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، ج ۵، ص ۵۶۱، مسیر أهل الأمصار إلى عثمان و اجتماعهم الیه مع من اجتمع من أهل المدینه.

(۷) . تاریخ الأمم و الملوک (تاریخ طبری)، أبو جعفر محمد بن جریر الطبری، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم ، ج ۴، ص ۳۸۵، ذکر الخبر عن قتل عثمان رضی الله عنه .

(۸) . تاریخ الأمم و الملوک (تاریخ طبری)، أبو جعفر محمد بن جریر الطبری، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، ج ۴، ص ۳۸۵، ذکر الخبر عن قتل عثمان رضی الله عنه؛ الکامل فی التاریخ ، عز الدین أبو الحسن علی بن ابی الکرّم المعروف باین الأثیر ، ج ۳، ص ۱۶۶، ذکر مسیر من سار إلى حصر عثمان ؛البداية و النهایة، أبو الفداء اسماعیل بن عمر بن کثیر الدمشقی، ج ۷، ص ۱۸۷، صفة قتله رضی الله عنه .

(۹) . شرح نهج البلاغه ، ابن أبی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله، محقق / مصحح: ابراهیم، محمد ابوالفضل، ج ۳، ص ۲۵، ذکر المطاعن التی طعن بها علی عثمان و الرد علیها .

(۱۰) . شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار علیهم السلام، ابن حبون، نعمان بن محمد، محقق / مصحح: حسینی جلالی، محمد حسین، ج ۲، ص ۷۸، الحجّة علی من حارب علیاً .

(۱۱) . البدايه و النهایة، أبو الفداء اسماعیل بن عمر بن کثیر الدمشقی، ج ۷، ص ۱۸۷، صفة قتله رضی الله عنه . (۱۲) . شرح نهج البلاغه ، ابن أبی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله، محقق / مصحح: ابراهیم، محمد ابوالفضل، ج ۴، ص ۶۷، إفضّل فی ذکر الأحادیث الموضوعه فی ذمّ علی .

(۱۳) . تاریخ الأمم و الملوک (تاریخ طبری)، أبو جعفر محمد بن جریر الطبری، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم ، ج ۵، ص ۴۰۱، مقتل الحسین رضوان الله علیه، . (۱۴) . دایره المعارف تشیع، احمد صدرحاج سیدجوادی، کامران فانی و بهاء الدین خرمشاهی، تهران، شهید سعید محبی، ج ۱۲، ص ۱۸۰ . و سالوه ان ینزلوا بنینوی و الغاصریه فابی ذلک علیهم. کتاب جمل من انساب الأشراف، أحمد بن یحیی بن جابر البلاذری، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، ج ۳، ص ۱۷۶، خروج الحسین بن علی(علیهما السلام) من مکه إلى الكوفه . (۱۵) . کتاب جمل من انساب الأشراف، أحمد بن یحیی بن جابر البلاذری، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، ج ۳، ص ۱۷۶، خروج الحسین بن علی(علیهما السلام) من مکه إلى الكوفه .

(۱۶) . تاریخ الأمم و الملوک (تاریخ طبری)، أبو جعفر محمد بن جریر الطبری، تحقیق محمد أبو الفضل

ابراهیم، ج ۵، ص ۴۱۲، مقتل الحسین رضوان الله علیه؛ منتهی الآمال فی تواریخ النبی و الال علیهم السلام، حاج شیخ عباس قمی، ج ۱، ص ۶۲۰، الفصل الاول فی بیان نزوله علیه السلام بکربلاء و الوقائع التی وقعت الی الیوم التاسع .

(۱۷) . کتاب الفتوح، أبو محمد أحمد بن اعثم الکوفی، تحقیق علی شیری، ج ۵، ص ۹۱، ذکر اجتماع العسکر إلى حرب الحسین ابن علی رضی الله عنه .

(۱۸) . منتهی الآمال فی تواریخ النبی و الال علیهم السلام، حاج شیخ عباس قمی، ج ۱، ص ۶۲۰، الفصل الاول فی بیان نزوله علیه السلام بکربلاء و الوقائع التی وقعت الی الیوم التاسع ؛ تاریخ الأمم و الملوک (تاریخ طبری)، أبو جعفر محمد بن جریر الطبری، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، ج ۵، ص ۴۱۲، مقتل الحسین رضوان الله علیه؛

(۱۹) . کتاب الفتوح، أبو محمد أحمد بن اعثم الکوفی، تحقیق علی شیری، ج ۵، ص ۹۱، ذکر اجتماع العسکر إلى حرب الحسین ابن علی رضی الله عنه .

(۲۰) . الکامل فی التاریخ ، عز الدین أبو الحسن علی بن ابی الکرّم المعروف باین الأثیر، ج ۴، ص ۵۳، ذکر مقتل الحسین، رضی الله عنه ؛ تاریخ الأمم و الملوک (تاریخ طبری)، أبو جعفر محمد بن جریر الطبری، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، ج ۵، ص ۴۱۲، مقتل الحسین رضوان الله علیه ؛ کتاب جمل من انساب الأشراف، أحمد بن یحیی بن جابر البلاذری، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، ج ۳، ص ۱۸۱، خروج الحسین بن علی(علیهما السلام) من مکه إلى الكوفه ؛ مقاتل الطالبیین، ابو الفرج علی بن الحسین الأصفهانی ، تحقیق سید احمد صقر، ص ۱۱۷، و القاسم بن الحسن بن علی بن أبی طالب ؛ الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، مفید، محمد بن محمد، محقق / مصحح: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ج ۲، ص ۸۷، ما جرى بین الإمام الحسین ع و الحر الریاحی ؛ بحار الأنوار، مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح جمعی از محققان، ج ۴۴، ص ۳۸۹، باب ۳۷ ما جرى علیه بعد بیعه الناس لیزید بن معاویة إلى شهادته صلوات الله علیه و لعنة الله علی ظالمیه و قاتلیه و الراضین بقتله و المؤازرین علیه . (۲۱) . الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، مفید، محمد بن محمد، محقق / مصحح: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ج ۲، ص ۸۷، ما جرى بین الإمام الحسین ع و الحر الریاحی

(۲۲) . بحار الأنوار، مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح جمعی از محققان، ج ۴۴، ص ۳۱۷، باب ۳۷ ما جرى علیه بعد بیعه الناس لیزید بن معاویة إلى شهادته صلوات الله علیه و لعنة الله علی ظالمیه و قاتلیه و الراضین بقتله و المؤازرین علیه . (۲۳) . مقاتل الطالبیین، ابو الفرج علی بن الحسین الأصفهانی ، تحقیق سید احمد صقر، ص ۱۱۷، و القاسم بن الحسن بن علی بن أبی طالب؛ به نقل از: بحار الأنوار، مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح جمعی از محققان، ج ۴۵، ص ۵۱، بقیه الباب ۳۷ سائر ما جرى علیه بعد بیعه الناس لیزید بن معاویة إلى شهادته صلوات الله علیه .

(۲۴) . تاریخ الأمم و الملوک (تاریخ طبری)، أبو جعفر محمد بن جریر الطبری، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم ، دار ج ۵، ص ۴۲۸، مقتل الحسین رضوان الله علیه .

(۲۵) . تاریخ الأمم و الملوک (تاریخ طبری)، أبو جعفر محمد بن جریر الطبری، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم ، دار ج ۵، ص ۴۲۸، مقتل الحسین رضوان الله علیه .

(۲۶) . تاریخ الأمم و الملوک (تاریخ طبری)، أبو جعفر محمد بن جریر الطبری، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم ، دار ج ۵، ص ۴۲۸، مقتل الحسین رضوان الله علیه .

(۲۷) . تاریخ الأمم و الملوک (تاریخ طبری)، أبو جعفر محمد بن جریر الطبری، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم ، دار ج ۵، ص ۴۲۸، مقتل الحسین رضوان الله علیه .

(۲۸) . تاریخ الأمم و الملوک (تاریخ طبری)، أبو جعفر محمد بن جریر الطبری، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم ، دار ج ۵، ص ۴۲۸، مقتل الحسین رضوان

الله عليه؛ الكامل فى التاريخ ، عز الدين أبو الحسن على بن ابى الكرم المعروف بابن الأثير، ج ۴، ۶۵، ذكر مقتل الحسين، رضى الله عنه؛ كتاب جمل من انساب الأشراف، أحمد بن يحيى بن جابر البلاذرى، تحقيق سهيل زكار و رياض زرکلى، ج ۳، ص ۱۸۹، مقتل الحسين بن على عليهما السلام ؛ كتاب الفتوح، أبو محمد أحمد بن اعثم الكوفى، تحقيق على شيرى، ج ۵، ص ۱۰۰، ذكر اجتماع السكرك إلى حرب الحسين ابن على رضى الله عنه؛ الإرشاد فى معرفة حجج الله على العباد، مفيد، محمد بن محمد، محقق / مصحح: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، ج ۲، ص ۱۰۱، واقعة كربلاء و بطولة الإمام الحسين و أصحابه و استشهداهم و ما جرى عليهم بعده .

(۲۶) . بحار الأنوار، مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى، محقق / مصحح جمعى از محققان، ج ۴۴، ص ۳۱۸، باب ۳۷ ما جرى عليه بعد بيعه الناس ليزيد بن معاوية إلى شهادته صلوات الله عليه و لعنة الله على ظالميه و قاتليه و الراضين بقتله و المؤازرين عليه .

(۲۷) . مقتل الحسين عليه السلام، عبد الرزاق مفرّم، ج ۱، ص ۳۴۷، الفصل الحادى عشر فى خروجه من مكة الى العراق و ما جرى عليه فى طريقه و نزوله بالطف من كربلاء و مقتله عليه السلام.

(۲۸) . دلائل الإمامة، محمد بن جرير بن رستم طبرى، ص ۱۰۲، خبر ليلة الزفاف ؛ نواذر المعجزات فى مناقب الأئمة الهداة عليهم السلام، محمد بن جرير بن رستم طبرى، ص ۲۱۹، خبر ليلة الزفاف؛ فضائل أمير المؤمنين(ع)، ابن عقده كوفى، ص ۱۰۸، الفصل السادس عشر زواجه عليه السلام بفاطمه بنت رسول الله صلى الله عليه و آله؛ رياض الأبرار فى مناقب الأئمة الأطهار، سيد نعمت الله جزائرى ، ج ۱، ص ۱۷۴، تفسير(فتلقى آدم من ربه كلمات).

(۲۹) . المنتخب فى جمع المراثى والخطب، الشّخ فخر الدين الطريحي النجفى، ص ۱۸۷و۱۸۸.

(۳۰) . بحار الأنوار، مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى، محقق / مصحح جمعى از محققان، ج ۴۴، ص ۲۶۶، باب ۳۱ ما أخبر به الرسول و أمير المؤمنين و الحسين صلوات الله عليهم بشهادته صلوات الله عليه ؛ مدينة معاجز الأئمة الاثنى عشر و دلائل الحجج على البشر، سيد هاشم بحراني، ج ۳، ص ۱۴۰، الثامن عشر و خمسمائة إخباره - عليه السلام - بأن الحسين - عليه السلام - يقتل عطشاناً .

(۳۱) . مدينة معاجز الأئمة الاثنى عشر و دلائل الحجج على البشر، سيد هاشم بحراني، ج ۴، ص ۲۱۶، الخامس و الثمانون و مائة إخباره - عليه السلام - بأن اصحابه يقتلون فى غد و ابن اخيه القاسم و ابنه عبد الله، حديث ۲۹۵. همچنين رجوع كنيد به : نفس المهموم فى مصيبة سيدنا الحسين المظلوم و يليه نفثة المصدور فيما يتجدد به حزن العاشور، شيخ عباس قمى، ص ۲۰۸، فصل(فى ذكر وقائع ليلة عاشوراء) .

(۳۲) . به نقل از: لهوف ، سيد ابن طاوس ، مترجم: سيد ابوالحسن مير ابوطالبى، ص ۱۵۰، شهادت على اصغر عليه السلام ؛ شجرة طوبى، الشيخ محمد مهدى الحائرى، ج ۲، ص ۴۰۳ .

(۳۳) . حياة الإمام زين العابدين عليه السلام، باقر شريف قرشى، دار الأضواء، ج ۱، ص ۱۶۶، مواراته للبحث الطاهرة؛ مقتل الحسين عليه السلام، عبد الرزاق مفرّم، ص ۳۳۷، الدفن ...

(۳۴) .الإمام السجّاد جهاد و أمجاد، حسين الحاج حسن، ص ۱۷۴، خطبته فى المدينة.

(۳۵) . كامل الزيارات، ابن قولويه، جعفر بن محمد، محقق / مصحح: امينى، عبد الحسين، ص ۱۶۸، الباب

التاسع و الستون أن زيارة الحسين ع ينفس بها الكرب و تقضى بها الحوائج ؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، نورى، حسين بن محمد تقى، محقق / مصحح: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، ج ۱۰، ص ۲۲۹، ۲۶ باب تأكد استحباب زيارة الحسين بن على ع و وجوبها كفاية .

(۳۶) . اللهوف على قتلى الطفوف، سيد ابن طاوس، ص ۲۰۹، المسلك الثالث فى الأمور المتأخرة عن قتله صلوات الله عليه.

(۳۷) . مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، نورى، حسين بن محمد تقى، محقق / مصحح: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، ج ۱۰، ص ۳۴۹، ۶۰ باب أنه يستحب لمن أراد زيارة الحسين ع أن يصوم ثلاثا آخرها الجمعة ثم يغتسل ليلتها و يخرج على غسل تاركا للدهن و الزاد الطيب و الزاد الطيب ملازما للحزن و الشعث و الجوع و العطش؛ كامل الزيارات، ابن قولويه، جعفر بن محمد، محقق / مصحح: امينى، عبد الحسين ص ۱۳۱، الساب الثامن و الأربعون كيف يجب أن يكون زائر الحسين بن على .

(۳۸) . كامل الزيارات، ابن قولويه، جعفر بن محمد، محقق / مصحح: امينى، عبد الحسين ص ۱۵۳، الباب الثانى و الستون أن زيارة الحسين ع تحط الذنوب ؛ بحار الأنوار، مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى، محقق / مصحح جمعى از محققان، ج ۹۸، ص ۲۷، باب ۴ أن زيارته صلوات الله عليه يوجب غفران الذنوب و دخول الجنة و العق من النار و حط السيئات و رفع الدرجات و إجابة الدعوات .

(۳۹) . بحار الأنوار، مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى، محقق / مصحح جمعى از محققان، ج ۴۵، ص ۲۵۷، باب ۴۴ ما قيل من المراثى فيه صلوات الله عليه .

(۴۰) . بحار الأنوار، مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى، محقق / مصحح جمعى از محققان، ج ۹۸، ص ۳۲۱، باب ۲۴ كيفية زيارته صلوات الله عليه يوم عاشوراء .

(۴۱) . بحار الأنوار، مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى، محقق / مصحح جمعى از محققان، ج ۴۵، ص ۵۹، بقية الباب ۳۷ سائر ما جرى عليه بعد بيعه الناس ليزيد بن معاوية إلى شهادته صلوات الله عليه؛ اللهوف على قتلى الطفوف، سيد ابن طاوس، ص ۱۳۴، المسلك الثانى فى وصف حال القتال و ما يقرب من تلك الحال.

(۴۲) . بحار الأنوار، مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى، محقق / مصحح جمعى از محققان، ج ۴۵، ص ۴۱، بقية الباب ۳۷ سائر ما جرى عليه بعد بيعه الناس ليزيد بن معاوية إلى شهادته صلوات الله عليه .

(۴۳) . كتاب الفتوح، أبو محمد أحمد بن اعثم الكوفى، تحقيق على شيرى ج ۵، ص ۱۱۵، و هذه تسمية من قتل بين يدى الحسين من ولده و إخوانه و بنى عمه رضى الله عنهم؛ بحار الأنوار، مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى، محقق / مصحح جمعى از محققان، ج ۴۵، ص ۴۳، بقية الباب ۳۷ سائر ما جرى عليه بعد بيعه الناس ليزيد بن معاوية إلى شهادته صلوات الله عليه.

(۴۴) . ينابيع المودة لذو القربى، سليمان بن ابراهيم قندوزى، ج ۳، ص ۷۹، أمقتل عبد الله الرضيع عليه السلام].

(۴۵) . مناقب آل أبى طالب عليهم السلام، ابن شهر آشوب مازندراني، محمد بن على، ج ۴، ص ۵۰، فصل فى معجزاته ؛ مدينة معاجز الأئمة الاثنى عشر و دلائل الحجج على البشر، سيد هاشم بحراني، ج ۳، ص ۴۹۴، الثامن و الأربعون علمه - عليه السلام - بموضع الماء .

(۴۶) . الفتوح، الكوفى، أبو محمد أحمد بن اعثم، تحقيق: شيرى، على، بيروت، دارالأضواء، ۱۴۱۱قمرى / ۱۹۹۱ ميلادى، الطبعة: الأولى، ج ۵، ص ۸۹ به بعد؛

بحار الأنوار، مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى، محقق / مصحح: جمعى از محققان، دار إحياء التراث العربى، بيروت، ۱۴۰۳ قمرى، چاپ: دوم، ج ۴۴، ص ۳۸۷ .

(۴۷) . بحار الأنوار، مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى، محقق / مصحح جمعى از محققان، ج ۴۴، ص ۳۱۷، باب ۳۷ ما جرى عليه بعد بيعه الناس ليزيد بن معاوية إلى شهادته صلوات الله عليه و لعنة الله على ظالميه و قاتليه و الراضين بقتله و المؤازرين عليه .

(۴۸) . ويكى پديا، واژه جلگه.

(۴۹) . ژئوتوریسم خوزستان، مريم السادات ميركاظميان، ص ۸.

(۵۰) . عاشورا ريشه‌ها، انگيزه‌ها، رویدادها، پیامدها، ناصر مكارم شيرازى، تهيه و تنظيم جمعى از فضلا، ص ۳۹۵، ۶۳ - هرگز دست از دامنّت بر نمى‌داريم! بحار الأنوار، مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى، محقق / مصحح جمعى از محققان، ج ۴۴، ص ۲۴۵، باب ۳۰ إخبار الله تعالى أنبياءه و نبينا ص بشهادته؛ عوالم العلوم و المعارف والأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال(مستدرک سيده النساء إلى الإمام الجواد، بحراني اصفهاني، عبد الله بن نور الله، محقق / مصحح: موحد ابطحي اصفهاني، محمد باقر، ج ۱۷، ص ۱۰۴، الأخبار: الكتاب .

(۵۱) . ابن عباس مى گوید:«ما كنّا نَشكّ اهل البيت و هم متوافرون أنّ الحسين بن على(ع) يقتل بالطف: ما اهل بيت همكى ترديدى نداشتيم كه امام حسين(ع) در سرزمين طفّ به شهادت خواهد رسيد»(مقتل الحسين عليه السلام، موفق بن احمد خوارزمى، ج ۱، ص ۲۳۳ الفصل الثامن فى اخبار رسول الله صلى الله عليه و آله عن الحسين و أحواله.

(۵۲) . تهذيب اللغة، ازهرى، محمد بن احمد، ج ۱۳، ص ۲۰۶، طف ...

(۵۳) . المحيط فى اللغة، صاحب بن عباد، إسماعيل بن عباد، محقق / مصحح: آل ياسين، محمد حسن، ج ۹، ص ۱۳۶، طف: ...

(۵۴) . معجم المقاييس اللغة، ابن فارس، أحمد بن فارس، محقق / مصحح: هارون، عبد السلام محمد، مكتب ۳، ص ۴۰۵، طف ...

(۵۵) . تاج العروس من جواهر القاموس، حسيني زبيدى، محمد مرتضى، محقق / مصحح: على، هلالى و سيرى، على، ج ۱۲، ص ۳۵۵، [طف]: ...

(۵۶) . الأمالى، ابن بابويه، محمد بن على، ص ۱۵۶، المجلس الثلاثون؛ بحار الأنوار، مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى، محقق / مصحح جمعى از محققان، ج ۴۴، ص ۳۱۶، باب ۳۷ ما جرى عليه بعد بيعه الناس ليزيد بن معاوية إلى شهادته صلوات الله عليه و لعنة الله على ظالميه و قاتليه و الراضين بقتله و المؤازرين عليه .

(۵۷) . الأمالى، ابن بابويه، محمد بن على، ص ۱۵۶، المجلس الثلاثون؛ بحار الأنوار، مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى، محقق / مصحح جمعى از محققان، ج ۴۴، ص ۳۱۶، باب ۳۷ ما جرى عليه بعد بيعه الناس ليزيد بن معاوية إلى شهادته صلوات الله عليه و لعنة الله على ظالميه و قاتليه و الراضين بقتله و المؤازرين عليه .

(۵۸) . وقعّة الطف، ابو مخنف كوفى، لوط بن يحيى، محقق / مصحح: يوسفى غروى، محمد هادى، ص ۱۹۱، [منع الامام و اصحابه عن الماء] .

(۵۹) . تاريخ الأمم و الملوك (تاريخ طبرى)، أبو جعفر محمد بن جرير الطبرى، تحقيق محمد أبو الفضل ابراهيم ، ج ۵، ص ۴۱۲، مقتل الحسين رضوان الله عليه .

(۶۰) . نقل از: عاشورا ريشه‌ها، انگيزه‌ها، رویدادها، پیامدها، ناصر مكارم شيرازى، تهيه و تنظيم جمعى از فضلا، ص ۷۰۰، حماسه آفرين ...

صلوات الله عليه





هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق
ثبت است بر جریده عالم دوام ما
تاریخ بشر حوادث تلخ و شیرین بی
شماری را به یاد دارد و تاریخ سازان
فراوانی را در دل خویش پرورش داده
است، ولی کمتر حادثه ای را همانند
حادثه عاشورای سال ۶۱ هجری با پی
آمدهای گسترده اش به خود دیده و
کمتر تاریخ سازانی همچون تاریخ سازان
کربلا را به یاد می آورد.

این حادثه همچون سگه ای دارای دو
روی کاملا متفاوت و متمایز از یکدیگر
است یک روی آن، خیانت، بی وفایی،
ناجوانمردی، ستمگری، پلیدی، قساوت،
بی وفایی، بی رحمی و مهمان کشی و روی
دیگر آن، وفاداری، جانبازی، جوانمردی،
شهامت، ستم ناپذیری، صبر، تسلیم در
برابر قضای الهی و عبودیت حق در عالی
ترین درجه آن است.

هر چند تاریخ، حوادثی دردناک تر از این
حادثه را به خود دیده و کشته های به
مراتب بیش تری را شاهد بوده و قیام
های خونین و حق طلبانه فراوانی را در

حافظه خود به یاد دارد ولی آنچه که
سبب امتیاز نهضت عاشورا شده، نکاتی
چند است که در دیگر حوادث مشابه
تاریخ یا وجود نداشته، و یا به این اندازه
پر رنگ نبوده و یا همه این امتیازات را
یک جا در خود جای نداده است.

**توضیحی در ورد محتوای کتاب
عاشورا: ریشه ها، انگیزه ها،
رویدادها، پیامدها**

هر چند درباره نهضت حسینی و قیام
خونین عاشورا، کتاب های فراوانی در
طول تاریخ نوشته شد، ولی از آنجا که
عمق این حادثه فراتر از آن است که فکر
می کنیم و بررسی ابعاد این قیام هر
زمان درس های تازه ای به ما می آموزد
و نویسندگان معاصر را به تدوین کتاب
های تازه ای واداشته که بسیار ارزشمند
است ولی احساس می شود همچنان
جای بحث و بررسی و تحلیل پیرامون
این انقلاب بزرگ حسینی باقی است و
می توان با نگاهی تازه، از آن درس های
تازه ای گرفت.

به همین منظور، از محضر مرجع عالیقدر
و نویسنده بزرگ اسلامی حضرت آیه الله
العظمی مکارم شیرازی (مد ظله العالی) -
که اندیشه و قلم وی آثار پربرکتی را برای
جهان اسلام به همراه داشته - خواسته
شد که اگر مصلحت بداند کتابی در این
باره تدوین شود. معظم له ضمن استقبال
از این پیشنهاد، فرمودند: درباره عاشورا
و قیام امام حسین (علیه السلام) کتاب
های فراوانی نوشته شده است، بنابراین
نیاز است کتابی با ابتکارات تازه و مطالبی
نویسنده به رشته تحریر درآید، لذا در این
باره باید بیش تر اندیشیده شود.

پس از مدتی معظم له ما را دعوت کرد
و فرمود: طرح تازه ای برای بررسی قیام
امام حسین (علیه السلام) به خاطر
رسیده که چهارچوب های آن تدوین
شده و اگر مطابق آن به تدوین مطالب
بپردازید، کتاب پرمحتوا و نوینی خواهد
شد.

پس از بیان سرفصل های طرح توسط
مرجع عالیقدر، ملاحظه شد - همان طور
که از معظم له انتظار می رفت - طرحی
نو و ابتکاری در این باره اندیشیده شده
است که حقیقتاً می تواند خلای را در این
رابطه پر کند.

برابر رهنمود ایشان، شروع به تحقیق
و تدوین کتاب با استفاده از منابع مهم
و معتبر شیعه و اهل سنت کردیم و
هر قسمتی که آماده می شد، نخست
برای یکدیگر بازخوانی کرده و پس
از اصلاحات، آن را به محضر معظم له
تحویل می دادیم. ایشان نیز با دقت
آنها را می خواند و اصلاحاتی ارزنده را
در نوشته های ما انجام می داد نکاتی را
بر آن می افزود و تذکراتی برای تکمیل
مطالب ارائه می فرمود. بدین سان کتاب
حاضر نوشته شده است.

این کتاب از شش بخش تشکیل شده
است:

بخش اول: شخصیت امام حسین و فلسفه
عزاداری

بخش دوم: ریشه های قیام عاشورا

بخش سوم: انگیزه های قیام عاشورا

بخش چهارم: رویدادهای قیام عاشورا

بخش پنجم: آثار و پی آمدهای قیام
عاشورا

بخش ششم: بخشی از اشعار برگزیده

نگارش کتاب عاشورا: ریشه ها، انگیزه
ها، رویدادها، پیامدها توسط حجج اسلام
سعید داودی و مهدی رستم نژاد زیر نظر
آیت الله العظمی مکارم شیرازی در روز
اربعین ۱۴۲۳ هجری قمری آغاز و در
اربعین سال ۱۴۲۶ به پایان رسید.

مدرسه علمیه امام کاظم علیه السلام



با عنایات حضرت ولی عصر عجل الله
تعالی فرجه الشریف با گذشت یکسال
از تأسیس این مدرسه بزرگ علمیه
توسط مرجع عالیقدر حضرت آیت الله
العظمی مکارم شیرازی دامت برکاته
، خدمات این مجموعه توانسته است
موجبات رضایت تحصیلی سربازان
حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه را
فراهم آورد.

رویکرد این مدرسه، مطابق نظر
مرجعیت عالی قدر، تربیت مجتهد
مطلق، با طرح تحولی «حوزه در
حوزه»، و تحول در دروس آزاد و
ارتقاء علمی و اخلاقی طلاب، در دو
سطح عمومی (بخش دروس آزاد)
و تخصصی (بخش تخصصی فقه)
می باشد.

مدرسه علمیه امام کاظم علیه
السلام همچون سال گذشته آماده
خدمت رسانی به طلاب و اساتید
محترم حوزه علمیه قم، با فضاهای
آموزشی مناسب (مجهز به وسایل
کمک آموزشی)، زبانکده (عربی
و انگلیسی)، کارگاههای مهارتی
مدیریتی (فقه و اصول، سخنوری و
خطابه، نویسندگی، رسانه، مدیریت
فرهنگی و ...)، کتابخانه و سالن
مطالعه جهت تحقیقات نرم افزاری،
سایت و سالن رایانه جهت تحقیقات
اینترنتی، سرویس ایاب و ذهاب
رایگان تا حرم مطهر و بالعکس، سالن
های کنفرانس علمی، دسترسی آسان
به برخی از مراکز تخصصی حوزه،
پذیرای طلاب و اساتید معزز سطوح
عالی و خارج می باشد.



معارف اسلامی

شهادت امام حسین(علیه السلام) و بخشش گناهان شیعیان

پرسش: آیا امام حسین(علیه السلام) خود را فدا کرد تا گناهان شیعیان و دوستداران ایشان بخشیده شود؟

پاسخ اجمالی: برخی معتقدند امام حسین(علیه السلام) خود را فدا کرد تا گناهان امت بخشیده شود و اسباب نجات آنان گردد. در مقابل، امت نیز با برپایی مجلس عزاء، از امام تشکر و سپاس گزاری می کنند. این تحلیل با هیچ یک از مبانی دینی سازگار نیست و سبب شده عده ای گمان کنند، هر کس هر اندازه در فساد غوطه ور باشد با گریه بر آن حضرت بخشیده شده و اهل نجات می گردد.

پاسخ تفصیلی: در این تحلیل امام حسین(علیه السلام) خود را فدا کرد تا گناهان امت بخشوده شود و امام کفاره گناهان امت باشد. نظیر اعتقاد باطلی که مسیحیان نسبت به حضرت مسیح(علیه السلام) دارند و می گویند مسیح(علیه السلام) با تن دادن به صلیب باعث پاک شدن گناهان پیروان خود شد و آنان را رستگار کرد.

معتقدان این تحلیل با تمسک به تعبیری چون «یا بَابِ نِجَاهِ الْأُمَّةِ» چنین برداشت کردند که امام حسین(علیه السلام) نیز با استقبال از شهادت موجب بخشوده شدن گناهان فاسقان و فاجران امت و در نتیجه سبب نجات آنان شده است. در عوض امت با برپایی مجالس عزاء از امام تشکر و سپاسگزاری کرده و مستحق رستگاری می شود.

این تحلیل نیز با هیچ یک از اصول و مبانی مسلم دینی سازگار نیست

و موجب شده است عده ای گمان کنند که امام حسین(علیه السلام) با شهادت خود و فرزندانش، گناهکاران را در برابر عذاب الهی بیمه کرده است. به تعبیر دیگر: امام(علیه السلام) و یارانش کشته شدند تا دیگران در انجام هر گناه و جنایتی آزاد باشند و در واقع تکلیف الهی از آنان ساقط گردد.

همین پندار سبب شده است که عده ای گمان کنند هر کس بر امام حسین(علیه السلام) گریه کند، هر قدر در فساد و تباهی غوطه ور باشد و حتی نسبت به ضروریات دین پایبند نباشد، مورد عفو و بخشش قرار گرفته و اهل نجات خواهد بود.

نفوذ این پندار غلط تا جایی بوده است که حتی سلاطین جبّار و ستمگری که حکومتشان بر پایه های ظلم و بی عدالتی استوار بود و دستشان به خون بی گناهان آلوده بوده، در ایام عزاداری آن حضرت مجالس عزاء به پا کنند و یا خود پا برهنه در دستجات عزاداری به سر و سینه بزنند، و آن را مایه نجات خود بدانند! (۱)، (۲)

عزاداری، بزرگداشت و تعظیم شعائر الهی

پرسش: آیا می توان عزاداری برای امام حسین(علیه السلام) را از مصادیق تعظیم شعائر الهی دانست؟

پاسخ اجمالی: سوگواری در مرگ مردان الهی، از مصادیق بارز تعظیم شعائر الهی و تجلیل از عقیده و مجاهدت های آنان محسوب می شود. به یقین، اقامه عزاء برای امام حسین(علیه السلام)، آن شخصیت ممتازی که خود از خاندان عصمت

و طهارت بود و تمام هستی خویش را یک جا با خداوند معامله کرد و مخلصانه از همه چیزش در راه خدا گذشت، علاوه بر تجلیل از مقام امامت، از مصادیق روشن تعظیم شعائر الهی نیز هست.

پاسخ تفصیلی: اساساً سوگواری در مرگ اشخاص یک نوع تعظیم و احترام به آنان و رعایت موقعیت و شخصیت شان محسوب می شود؛ پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) می فرماید: «مَيِّتٌ لَا بُوَآكِي عَلَيْهِ، لَا إِعْرَازَ لَهُ»؛ (مرده ای که گریه کننده ای نداشته باشد عزتی ندارد!). (۳)

مخصوصاً سوگواری در مرگ مردان الهی، از مصادیق بارز تعظیم شعائر الهی بوده و تجلیل از عقیده و راه و رسم و مجاهدت و تلاش آنان محسوب می شود. از این رو، رسول خدا(صلی الله علیه وآله) هنگام بازگشت از جنگ أحد وقتی که مشاهده کرد خانواده های شهدای قبیله «بنی اشهل» و «بنی ظفر» برای شهیدان خود گریه می کنند، ولی عموی بزرگوارش حضرت حمزه گریه کننده ای ندارد، فرمود: «لَكِنَّ حَمَزَةَ لَا بُوَآكِي لَهُ الْيَوْمَ»؛ (اما امروز حمزه، گریه کننده ای ندارد!). (۴)

زنان مدینه با شنیدن این سخن در خانه حضرت حمزه اجتماع کرده و به سوگواری پرداختند و بدین وسیله شخصیت عظیم حضرت حمزه مورد تجلیل و تکریم قرار گرفت.

و نیز آنگاه که خبر شهادت جعفر طیار در جنگ موته به مدینه می رسد، پیامبر(صلی الله علیه وآله) برای گفتن تسلیت نخست به خانه جعفر رفت، سپس به خانه فاطمه زهرا(علیها السلام) آمد، و آن بانوی بزرگ را در حال گریه و سوگواری دید، فرمود: «عَلَى مِثْلِ جَعْفَرٍ فَلْتَبْكِي الْبُوَآكِي»؛ (به راستی برای شخصیتی چون جعفر

باید گریه کنندگان گریه کنند!). (۵) قرآن کریم در مورد گروهی از قوم موسی که راه تباهی و فساد را در پیش گرفتند و سرانجام در اثر نفرین آن حضرت به هلاکت رسیدند، آنان را لایق تجلیل و گریه ندانسته و می فرماید: «فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ»؛ (نه (اهل) آسمان بر آنان گریستند و نه (اهل) زمین!). (۶)

از این تعبیر به خوبی استفاده می شود که لیاقت گریه دیگران را نداشتن نوعی حقارت و بی ارزشی است.

از این رو، در سفارش های ایّمه اطهار(علیهم السلام) می بینیم که می فرمودند: چنان در میان مردم منشا آثار خیر و برکت باشید که بر مرگتان بگریند و از شما تجلیل کنند!

امیرمومنان(علیه السلام) فرمود: «خَالَطُوا النَّاسَ مُخَالَطَةً إِنْ مِثْمَ مَعَهَا بَكَوْا عَلَيْكُمْ وَإِنْ عَشْتُمْ حَتَّى الْيَوْمِ»؛ (با مردم آنچنان معاشرت کنید که اگر بمیرید بر مرگ شما اشک بریزند و اگر زنده بمانید به شما عشق بورزند). (۷)

بنابراین، اقامه عزاداری برای امام حسین(علیه السلام) آن شخصیت ممتاز و بی نظیری که خود از خاندان عصمت و طهارت بود و از اولیای الهی و امامان معصوم است، علاوه بر تجلیل از مقام شامخ آن امام همام، از مصادیق روشن تعظیم شعائر الهی است که: «وَمَنْ يَعْظُمُ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ»؛ (هر کس شعائر الهی را بزرگ دارد، این کار نشانه تقوای دل هاست). (۸)

چگونه چنین نباشد و حال آن که صفا و مروه با این که مکانی بیش نیستند، تنها چون یاد و ذکر الهی در آنجا زنده می شود، از شعائر الهی شمرده است؟ «إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ»؛ (صفا و مروه از شعائر (و نشانه های)

خداست). (۹)

به یقین، امام حسین(علیه السلام) که تمام هستی خویش را یکجا با خداوند معامله کرد و با تمام اهل بیت(علیهم السلام) و فرزندان در قربانگاه عشق قدم نهاد و مخلصانه از همه چیزش در راه خدا گذشت، از عظیم ترین شعائر الهی است و برپایی مجالس عزاء برای آن حضرت، تعظیم یکی از بزرگترین شعائر الهی محسوب می شود. (۱۰)

عزاداری حسینی موجب خودسازی

پرسش: آیا اقامه عزای حسینی می تواند موجب خودسازی و تربیت نفوس مردم باشد؟

پاسخ اجمالی: مجالس عزای امام حسین(علیه السلام) مهد تحول روحی و مرکز تربیت و تزکیه نفس است. سوگواران در این مجالس با الگو قرار دادن آن حضرت، زمینه تطبیق اعمال و رفتار خویش را با سیره عملی آن حضرت فراهم می سازند، و چه بسا اشخاص گمراهی با تنبّه در این مجالس، تصمیم بر ترک گناه گرفته، و راه نجات را پیدا می کنند.

پاسخ تفصیلی: مجالس عزای امام حسین(علیه السلام) مجالس تحول روحی و مرکز تربیت و تزکیه نفس است. در این مجالس مردمی که با گریه بر مظلومیت امام حسین(علیه السلام) آن حضرت را الگو قرار می دهند، در واقع زمینه تطبیق اعمال و کردار خویش و همرنگی و سنخیت خود را با سیره عملی آن حضرت فراهم می سازند.

تاثیر عمیق این مجالس به قدری است که افراد زیادی در این مجالس، دگرگونی عمیقی یافته و تصمیم بر ترک گناه و معصیت می گیرند، و چه بسا اشخاص گمراهی که با شرکت در این مجالس تنبّه حاصل کرده و راه

نجات را پیدا می کنند.

این مجالس به آدمی درس عزت، آزادگی، ایثار، فداکاری و درس تقوی و اخلاق می آموزد. این مجالس مهد پرورش انسان های حق طلب و عدالت گستر و شجاع است.

اضافه بر این، در طول تاریخ این جلسات به مثابه کلاس های درس برای توده های مردم بوده است و آنان را با معارف و حقایق دینی، تاریخ، رجال، احکام و موضوعات گوناگون دیگر آشنا می کرده است، و یکی از موثرترین پایگاه های خودسازی و تهذیب نفوس و تربیت اخلاق بوده است.

ماریبن آلمانی در این زمینه می گوید: «مادامی که این روش و خصلت (برپایی مجالس سوگواری) در میان مسلمانان وجود دارد هرگز تن به خواری نمی دهند و تحت اسارت کسی نمی روند... شیعیان در حقیقت از این راه به همدیگر درس جوانمردی و شجاعت تعلیم می دهند.» (۱۱)

ائمّه اطهار(علیهم السلام) با گشودن این باب، و تشویق مردم به شرکت در این محافل در واقع همه را به تحصیل و تربیت در این دانشگاه حسینی دعوت کردند.

شور و هیجان جوانان بسیجی در جبهه های نبرد در جنگ تحمیلی هشت ساله به ویژه در شب های عملیات و لحظه شماری آنان برای فداکاری و ایثار و نیل به شهادت، گواه روشنی بر تاثیر عمیق مجالس حسینی است.

این است که اگر این مجالس را «مجالس تاسی و الگوپذیری» بنامیم بیراهه نرفته ایم.

مرحوم فیض کاشانی در کتاب «محجّه البیضاء» در توضیح حدیث پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله): «عِنْدَ ذِكْرِ الصَّالِحِينَ تَنْزِلُ الرَّحْمَةُ»؛ (به هنگام

یاد صالحان رحمت الهی نازل می شود)، با اشاره به مسیله تاثیرپذیری انسان از محیط اجتماعی و الگوهای شایسته، در بیان علت نزول رحمت به هنگام یاد صالحان، می نویسد: «چون ذکر صالحان و طرح صلاحیت های اخلاقی آنان باعث می شود که انسان از آنها الگو بگیرد و با تحت تاثیر واقع شدن، به آنها تاسی و اقتدا کند و زمینه صلاحیت و برخورداری از رحمت پروردگار را برای خود فراهم سازد.» (۱۲)

ثقه الاسلام کلینی(رحمه الله) و شیخ الطایفه شیخ طوسی(رحمه الله) در حدیث معتبر از امام صادق(علیه السلام) روایت کرده اند: «قَالَ لِي أَبِي: يَا جَعْفَرُ أَوْقِفْ مِنْ مَالِي كَذَا وَ كَذَا التَّوَادِبَ يَنْدُبُنِي عَشْرَ سِنِينَ بِمِنَى أَيَّامٍ مِنْي»؛ (بدرم به من فرمود: ای جعفر! مقداری از مالم را (پس از وفاتم) برای برپایی مجلس سوگواری برایم در ایام حج در منی اختصاص بده). (۱۳)

صاحب جواهر در «کتاب طهارت» در بیان حکمت و فلسفه این وصیت امام باقر(علیه السلام) بیانی دارد که مفادش چنین است: «چون برپایی مجالس عزاداری و سوگواری ائمه(علیهم السلام) باعث شناخت فضایل اخلاقی آنان و در نتیجه «اقتداء و تاسی» مردم به آن بزرگان است» (۱۴)، لذا احیای نام و بزرگداشت خاطره آنان حرکتی پسندیده و عملی مطلوب است. (۱۵)

پی نوشت:

- (۱). الأمالی للصدوق، ص ۱۱
- (۲). گرد آوری از کتاب: عاشورا ریشه ها، انگیزه ها، رویدادها، پیامدها، سعید داودی ومهدی رستم نژاد،(زیر نظر آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی)، امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم، ۱۳۸۸ ه. ش، ص ۶۹.
- (۳). المأساة الحسين، ص ۱۱۸.
- (۴). استیعاب، ج ۱، ص ۲۷۵.
- (۵). بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۲۷۶.
- (۶). سوره دخان، آیه ۲۹.

- (۷). نهج البلاغه، کلمات قصار، کلمه ۱۰.
- (۸). سوره حج، آیه ۳۲.
- (۹). سوره بقره، آیه ۱۵۸.
- (۱۰). گرد آوری از کتاب: «عاشورا ریشه ها، انگیزه ها، رویدادها، پیامدها، سعید داودی و مهدی رستم نژاد، (زیر نظر آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی)، انتشارات امام علی بن ابی طالب(علیه السلام)، قم، ۱۳۸۸ ه. ش، ص ۷۷.

(۱۱). به نقل از: فلسفه شهادت و عزاداری، ص ۱۰۹.

(۱۲). محجّه البیضاء، ج ۴، ص ۱۷.

(۱۳). کافی، ج ۵، ص ۱۱۷ و تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۳۵۸.

(۱۴). جواهر الکلام، ج ۴، ص ۳۶۶: «وَقَدْ يُسْتَفَادُ مِنْهُ اسْتِحْبَابُ ذَلِكَ إِذَا كَانَ الْمُنْدُوبُ ذَا صِفَاتٍ تَسْتَحِقُّ النَّشْرَ لِيُقْتَدَى بِهَا».

(۱۵). گرد آوری از کتاب: «عاشورا ریشه ها، انگیزه ها، رویدادها، پیامدها، سعید داودی و مهدی رستم نژاد، (زیر نظر آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی)، انتشارات امام علی بن ابی طالب(علیه السلام)، قم، ۱۳۸۸ ه. ش، ص ۷۵.

احکام شرعی

نحوه مطلوب عزاداری

پرسش: نظر مبارک را در رابطه با کیفیت مطلوب نحوه برگزاری عزاداری سالار شهیدان(علیه السلام) بیان فرمایید؟ **پاسخ:** بهترین شیوه عزاداری، تشکیل مجالس با شکوه و ذکر اهداف مقدّس امام حسین(علیه السلام) و تاریخچه کربلا و تحلیل فرازهای آن و مراسم سوگواری، و همچنین تشکیل دسته جات عزاداری با شکوه، توام با شعارهای بیدار کننده و سازنده و پخش جزوه ها و پوستره های حساب شده و پرمحتوا و استفاده از پلاکاردها یا شعارهای جالب و جذاب و روشن کننده اهداف عزاداری حضرت سیدالشهدا(علیه السلام) و مانند آن است.

وظیفه مداحان در عزای اهل بیت علیهم السلام

پرسش: چه نوع از مداحی در مجالس اهل بیت علیهم السلام مجاز است و مداحان چه نکاتی باید رعایت کنند؟

پاسخ: اشعاری که مداحان عزیز استفاده می کنند باید مطابق منابع معتبر و مشهور باشد و مطالب ضعیف و بی سند مطرح نشود، حماسی باشد و روح حماسه را در جوانان زنده نگه دارد و از آواهای مبتذل و مطالبی که در شان ائمه علیهم السلام و عزاداران در مداحی بپرهیزند و سعی کنند روش های سنگین و آبرومند را به کار گیرند تا موجب وهن مجلس امام حسین(علیه السلام) نشوند.

برگزاری مراسم شیر خوارگان حسینی

پرسش: برگزاری مراسم شیرخوارگان حسینی چه حکمی دارد؟ چنانچه شرکت کنندگان وجوهی را اهدا و یا نذر کردند، این وجوه باید در چه راهی مصرف شود؟

پاسخ: این مراسم هرگاه بصورت معتدل برگزار شود و چنانچه درآمدی داشت صرف عزاداری شود مانعی ندارد.

شرکت غیر مسلمانان در مراسم عزاداری

پرسش: هر سال گروهی از پیروان سایر مذاهب مایل هستند در این مراسم بیدار کننده شرکت جویند، آیا شرکت آنها جایز

است؟

پاسخ: شرکت آنها مانعی ندارد و حتی نذورات آنها را باید پذیرفت.

بلند گریه کردن برای امام حسین (علیه السلام)

پرسش: آیا بلند گریه کردن اشکالی دارد؟

پاسخ: ما خودمان کراراً بلند گریه می کنیم، ولی از صورت متعارف خارج نشود

قمه زنی

پرسش: قمه زدن در عزای سیدالشهدا علیه السلام چه حکمی دارد؟

پاسخ: به یقین کسانی که قمه می زنند از عاشقان و دلباختگان حضرت اباعبدالله (علیه السلام) هستند لکن این عمل در شرایط فعلی به مکتب اهل بیت(علیهم السلام) ضربه می زند و آثار سوء آن مشهود است، چه بهتر که خون خود را به مراکز انتقال خون هدیه کنید که باعث حیات مسلمانانی می گردد «مَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا».

حکم برهنه شدن در مجالس سینه زنی

پرسش: لخت شدن در مجالس سینه زنی اشکالی دارد؟

پاسخ: برهنه شدن هنگام سینه زنی اگر در مقابل نامحرم باشد، حرام است و در غیر این صورت نیز چون سبب وهن است بنابر احتیاط باید ترک شود ولی باز گذاشتن کمی از جلوی سینه برای سینه زدن یا کمی از پشت برای زنجیر زنی مانعی ندارد.

علم و علامت در عزاداری

پرسش: حمل کردن علم در عزاداری چه حکمی دارد؟

پاسخ: اگر برای عابرین مزاحمتی ایجاد نکند، و آسیبی به حمل کننده علامت نزند، و از مجسمه های حیوانات و امثال آن در علم استفاده نشود، اشکال ندارد. و خوب است از علم های کوچک تر استفاده گردد و بهترین جایگزین، استفاده از پرچمهای مناسب و در شان عزاداری خامس آل عبا (علیه السلام) است.

قربانی کردن در مقابل دسته جات عزاداری

پرسش: آیا کشتن گوسفند جلوی دسته جات عزاداری با توجه به مزاحمت ها و آلودگی هایی که تولید می کند جایز است

و اگر کسی چنین نذری کرده باشد وظیفه اش چیست؟

پاسخ: رسم غلط کشتن گوسفند جلوی دسته های عزاداری علاوه بر آلوده کردن محیط در مواردی باعث نجس شدن مساجد و حسینیه ها نیز می شود؛ لذا مقید کردن نذر قربانی به کشتن آن جلوی دسته عزاداری مشروع نیست ولی اصل نذر صحیح است و باید قربانی را در محلی دیگر انجام دهند.

طریقه نذر کردن برای مراسم امام حسین

پرسش: طریقه نذر صحیح برای مراسم عزاداری حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) چگونه است؟

پاسخ: باید نذر کنند که برای رضای خدا به مراسم حسینی، فلان کمک را می کنند، و نذر برای پرچم و امثال آن صحیح نیست، بلکه باید برای خدا به نیت کمک به عزای صاحب پرچم یعنی امام حسین(علیه السلام) و یارانش باشد.

مصرف قربانی های عزاداری

پرسش: در مساجد برخی شهرها در ایام عزاداری امام حسین(علیه السلام) در مقابل دسته های عزاداری گاو و گوسفند زیادی قربانی می شود و قسمتی از این گوشت ها صرف اطعام و قسمتی بین مردم تقسیم می شود و اضافه آن را جهت توسعه بنای مسجد و احداث درمانگاه یا مانند آن زیر نظر هیأت امنای به فروش می رسانند، آیا این عمل جایز است؟

پاسخ: هرگاه مردم از این جریان قبلاً با خبر باشند و با رضایت به این امور قربانی کنند اشکالی ندارد و اگر با خبر نیستند باید گوشتها را صرف در مصارف عزاداری کنند.

مصرف گوشت های نذری مازاد بر نیاز

پرسش: بنده از خادمان یکی از هیئات عزاداری می باشم. در طول ایام عزاداری سالار شهیدان از طرف مردم گوسفندان زیادی جهت ذبح نذر هیئت می شود. آیا مسئولین هیئت اجازه دارند تعدادی از این گوسفندان ذبح شده یا مقداری از گوشت آن را بفروشند و صرف امور هیئت نمایند؟ برای مثال صرف خرید اقلام مورد نیاز غذای نذری از قبیل برنج، روغن و...

پاسخ: در صورتیکه اضافه بر نیاز باشد مانعی ندارد.



شوری فکنده در همه عالم نوای تو

دنیاسیر غم شد و غرق عزای تو
 ده‌های عاشقان همه در کربلای تو
 بر هر لبی کنون سخن از نینوای تو
 در عمق دهر ولوله ای از ولای تو
 آماده گشته بادیه پر بلای تو
 سرو روان خجل بر قد رسای تو
 خواهان شود به حشر خدا خونبهای تو
 «فطرس» رهین منت و جُود و سخای تو
 قربان عفو و بخشش و مهر و وفای تو
 گرده تمام هستی «ناصر» فدای تو

شوری فکنده در همه عالم نوای تو
 چشمان دوستان همه ناظر به سوی توست
 در هر سرای شراره سودای عشق تو است
 ذرات کائنات ثناخوان لطف توست
 آغوش باز کرده شهادت به محضرت
 شرمنده گشته است شجاعت ز رزم تو
 این فخر بس تو را به شهیدان راه حق
 در گاهواره رسم شفاعت رقم زدی
 دادی تو آب دشمن غدار خویش را
 دارم من این امید به درگاه ذوالجلال